



کمیته علمی معماری دست‌کندایکوموس ایران (ایکتا)

اشکفت

نشریه تخصصی کمیته علمی معماری دست‌کندایکوموس ایران

شماره دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۱



Iranian Scientific Committee on Troglodytic Architecture (ICTA)

Eshkaft

Journal of Iranian Scientific Committee on Troglodytic Architecture (ICTA), ICOMOS

Number two, spring and summer 2022



• طاق‌طویل، دست‌کندی ناتمام در محوطه باستانی
طاق‌دان سوادکوه، محمد کشاورز دیوکلایی

• معرفی دست‌کندهای لثم‌التهران، سمیه‌مراقی-سوگند پیغمبری

• قُمش: شاهکار مدیریت آب در جنوب غرب ایران-
نمونه‌هایی از دزفول و شوشتر، بهروز اسکندری

• چاه دژ شاپورخواست، نمونه‌ای از معماری دست‌کند
عمودی، عطا حسن‌پور

• پراکنش میراث معماری دست‌کند ایران-براساس
جنس بسترزمین ساختی، امین کیوانلو

• کلیسای غاری بوداپست، الهه گلزاری-پیتر رب

• بررسی میراث جهانی دست‌کند کاپادوکیه و چالش
های حفاظتی موجود، مهناز اشرفی

• تحلیل معماری دست‌کند در جزایر قناری-بخش
نخست: سکونتگاه‌های دست‌کند، لیدا حوسینزاده

• شهر تاریخی معلولا، سمیه امیدواری

• Tagh-e Tavileh, Unfinished Troglodytic Architecture in the
Ancient Site of Taqdan, Savadkooh city, Mazandaran province, Iran. Mohammad Keshavarz Divkolaee

• A Study on Troglodytic Spaces of Latmal Region in Tehran.
Somayeh Maraghi And Sogand Peighambari

• Qomesh, a Water Management Masterpiece in Iran's South-west; case studies in Dezful and Shushtar. Behrooz Eskandari

• Shapurkhast Fort Well, an Example of Vertical Troglodytic Architecture. Ata Hasanpur

• Distribution of Troglodytic Iranian Heritage- based on
land Type. Amin Keyvanloo

• Troglodytic Architecture in Hungary; a report on the visit to
Budapest Cave Church. Elaheh Golzari, Péter Rabb

• A Study on Cappadocia's Troglodytic World Heritage Site and Its Existing Conservation Challenges. Mahnaz Ashrafi

• Analysis of Troglodytic Architecture in the Canary Islands; part one: troglodytic settlements. Lida Hosseinzadeh

• Historical City of Maaloula. Somayeh Omidvari

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«و خدای تعالی مقرر ساخت برای راحتی و آسایش شما، از آنچه آفرید از درخت و کوه و بنا سایه‌ها، تا بدان از تابش آفتاب پناه برید و فراغت یابید. پدید آورد برای شما از کوه‌ها پوشش‌ها یعنی غارها و خانه‌های تراشیده که در آن ساکن می‌شوید.»

«سوره نحل، آیه هشتاد و یکم»

اشکفت؛ نشریه تخصصی کمیته علمی معماری دست‌کند ایکوموس ایران، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۱

* اشکفت نشریه‌ای تخصصی است که توسط اعضای کمیته علمی معماری دست‌کند، زیرمجموعه ایکوموس ایران منتشر می‌شود. هدف اشکفت بازتاب دستاوردهای علمی و پژوهشی در زمینه مطالعات معماری دست‌کند در حوزه معماری، شهرسازی، حفاظت و مرمت، باستان‌شناسی، تاریخ، مردم‌شناسی، هنر، ادبیات و... است.

رئیس کمیته: مهناز اشرفی

دبیر کمیته: امین کیوانلو

ویراستار بخش فارسی: احسان احمدی‌نیا

ویراستار بخش انگلیسی: الهه گلذاری

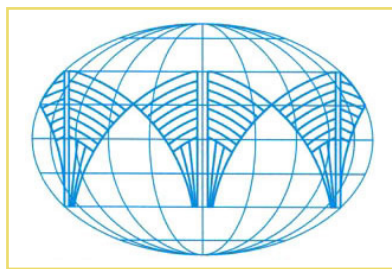
صفحه آرایی: سمیه مراقی

* استفاده از مطالب این نشریه با ذکر مأخذ بلامانع است.

* مسئولیت علمی و حقوقی نوشتارها با نویسندگان/نویسندگان است.

* علاقمندان برای ارسال مقالات خود می‌توانند با مراجعه به وبسایت ایکوموس ایران، کمیته علمی معماری دست‌کند، به شیوه‌نامه نگارش مقالات، دسترسی داشته باشند.

ارسال مقالات: ashrafi.mahnaz@gmail.com



کمیته علمی معماری دست کند ایکوموس ایران (ایکتا)
Iranian Scientific Committee on Troglodytic Architecture (ICTA)

اشکفت نشریه تخصصی کمیته علمی معماری دست کند ایکوموس ایران
بهار و تابستان ۱۴۰۱

- طاق طویله، دست کندی ناتمام در محوطه باستانی طاق دان، شهرستان سواد کوه استان مازندران
محمد کشاورز دیوکلایی
- معرفی دست کندهای منطقه لتمان تهران
سمیه مراقی - سوگند پیغمبری
- قمش: شاهکار مدیریت آب در جنوب غرب ایران - نمونه‌هایی از دزفول و شوشتر
بهروز اسکندری
- چاه دژ شاپورخواست، نمونه‌ای از معماری دست کند عمودی
عطا حسن پور
- پراکنش میراث معماری دست کند ایران - براساس جنس بستر زمین ساختی
آمین کیوانلو
- کلیسای غاری بوداپست
الهه گلذاری - پیتر رب
- بررسی میراث جهانی دست کند کاپادوکیه و چالش‌های حفاظتی موجود
مهناز اشرفی
- تحلیل معماری دست کند در جزایر قناری - بخش نخست: سکونتگاه‌های دست کند
لیدا حسین‌زاه
- شهر تاریخی معلولا
سمیه امیدواری



کال سرد در خرو - طیس >>
عکس از: محمد فرجامی



«طاق طویلہ، دست کندی ناتمام در محوطہ باستانی طاق دان شهرستان سواد کوه»

چکیده

بستر کربناتی کارستی^۱ جدارہ بیرونی کوه‌های البرز در شمال ایران، امکان بالقوہ‌ای برای شکل‌یابی آثار دست‌کند طی دوران تاریخی بوده است. بر همین اساس، گونه‌ای خاص از این آثار که در واقع ترکیبی از اشکفت‌های طبیعی با قسمت‌های توسعه یافته دست‌کند هستند، در این منطقه شکل گرفته که احتمالاً به دوران ساسانی و اوایل دوران اسلامی مربوط می‌شوند. نمونه‌ای از این آثار در جنوب شهرستان سوادکوه (در استان مازندران)، در منطقه دو آب و بر روی دو کوه سرخل و لا کمر دیده می‌شوند. بر تیغہ غربی کوه سرخل بیش از شش اشکفت یا دست‌کند یافت شده است که یکی از آنها با توجه به مطالعات میدانی نشان‌آز دست‌کند ناتمامی با نام طاق طویلہ دارد که به نوعی پی‌ریزی این گونه معماری را به ما نشان می‌دهد. بقیہ دست‌کندها با ترکیب معماری و وجود سازه به اتمام رسیده‌اند و بیشتر آنها شناسایی شده‌اند. با توجه به وجود دو اشکفت مهم اسپهبد خورشید بر روی کوه لا کمر و اشکفت کینجا کرچال بر روی کوه سرخل، وجود آثار مشابه حتی اگر مانند طاق طویلہ، دست‌کند ناتمام باشند نیز اطلاعات باارزش فرهنگی، تاریخی و معماری قابل توجهی را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند. در حال حاضر این محوطه با نام طاق دان معرفی شده است و در کنار دست‌کندهای کافر کلی شهرستان آمل در جادہ ہراز، ارزش دست‌کندهای شمال کشور را بالا خواهد برد.

واژه‌های کلیدی: طاق‌سازه، معماری دست‌کند، محوطہ باستانی طاق دان، طاق طویلہ.



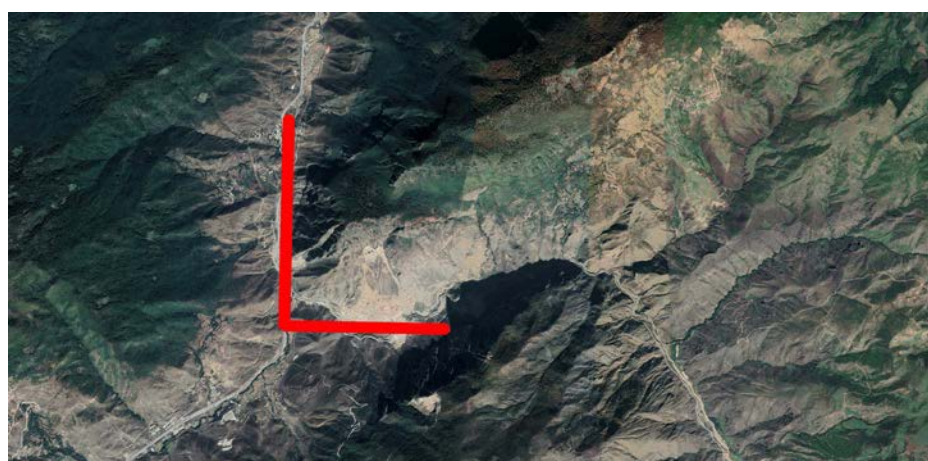
محمد کشاورز دیو کلایی
کارشناس ارشد مرمت،
عضو کمیته ایکتا

mohamadkesha
varzdivkola@
gmail.com

طاق‌سازه‌ها^۲ دسته‌ای از دست‌کندها محسوب می‌شوند که در دهانه‌های موجود در سطح صخره‌ای کوهستان و با ترکیب با اجزای معماری افزود شکل گرفته‌اند. این سازه‌ها حفره‌هایی کم عمق هستند و نباید آنها را با غارهای طبیعی که در جاهایی صدها متر عمق دارند اشتباه گرفت. بنابراین، در اینجا به جای غار از اصطلاح طاق‌سازه استفاده کرده‌ایم. در استان مازندران، شهرستان سوادکوه و بویژه در تنگه دو آب، طاق‌سازه‌ها تراکم بالایی دارند. سابقه ساخت و استفاده از چنین سازه‌هایی احتمالاً با ساخت و استفاده از اشکفت اسپهبد خورشید^۳ و اشکفت کیجا کرچال آغاز شده است. زمانی که این دهانه‌های طبیعی پس از ایجاد تغییراتی به عنوان سازه دفاعی مورد استفاده قرار گرفتند، به دلیل انجام نشدن آزمایش‌های سال‌شماری و تاریخ‌گذاری، هنوز نمی‌توان از تاریخ دقیق ساخت این ابنیه صحبت به میان آورد^۴ و بنابراین مطالب مندرج در منابع و روایات تاریخی در این خصوص همچنان مهمترین شواهد مطالعاتی را در این زمینه عرضه می‌کنند. در یک دهه اخیر اشکفت‌های دیگری نیز در حد فاصل اسپهبد خورشید و کیجا کرچال رؤیت شد که ارزش بالایی برخوردارند. این ارزش‌گذاری بر مبنای تاریخ و معماری است. نام این اشکفت‌ها: طاق‌طوبله، طاق‌خانه، دیو طاق، طاق‌باو (گت طاق) و طاق‌پری است که آثار معماری در آنها دیده شده است. یکی از ویژگی‌های مشترک در حوزه معماری این اشکفت‌ها، توجه به ابعاد دیوارها و ضخامت‌ها و همچنین استفاده از مصالح مشابه است (کشاورز و دان، ۱۳۹۹: ۱۰۲) اما تفاوت فاحش در شکل و در ساختار فضاها یکی از ارزش‌های این گونه سازه‌ها است چنانچه هر طاق‌سازه، پلان متفاوت از بقیه سازه‌ها دارد و این باعث تنوع در معماری می‌شود.

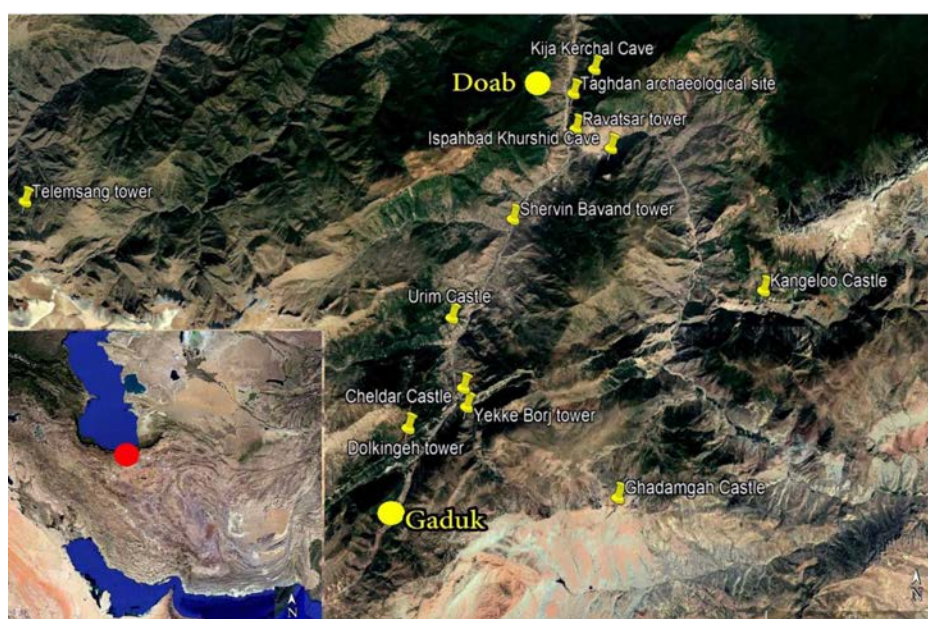
موقعیت جغرافیایی دست‌کندهای سرخل

کوه سرخل با ساختاری شبیه به حرف ال در انگلیسی {L} بسیار کشیده است که از سوی شمال به مازندران، از شرق به سه‌راه خطیر کوه (تنگه باستانی دو آب) می‌رسد. امتداد غربی-شرقی این کوه دقیقاً موازی با رود تلار است. کوه لا کمر و اشکفت اسپهبد خورشید در جنوب کوه مورد بحث قرار دارد. روستاهای سرچلش، خرچ، کرد آسیاب، برنت و رجه در کنار دامنه‌های این کوه قرار گرفته‌اند (تصویر ۱).



>>

تصویر ۱. عکس هوایی از فرم کشیدگی کوه سرخل به صورت علامت ال در الفبای انگلیسی که با دو خط قرمز نشان داده شده است.



>>

تصویر ۲. عکس هوایی از گردنه گدوک تا تنگه دو آب و نام‌گذاری و موقعیت این منطقه موجود در این منطقه

در امتداد شمالی - جنوبی کوه سرخل تا به امروز دوازده اشکفت دیده شده که پنج اشکفت مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌اند. در بالادست کوه سرخل روستایی با نام رجه وجود دارد که در ارتفاعات این روستا، اشکفتی با نام دپ یا دیوچاه قرار دارد. در بدنه غربی کوه سرخل نیز ابتدا اشکفت کیجا کرچال، سپس اشکفت‌های شاهپور، طاق‌خانه، دیوطاق، طاق‌پری، طاق باو (گت طاق) و طاق‌طویل شناسایی شده‌اند. علاوه بر اینها، در این محدوده چند اشکفت دیگر نیز شناسایی شده‌اند که هنوز نام گذاری و مطالعه نشده‌اند (۴). ارتفاع این آثار بین ۱۱۰۰ تا ۱۴۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد متغیر است.

اهمیت تاریخی کوه سرخل

کوه اسرار آمیز سرخل در موازات جاده امروزی تهران - شمال در محور فیروز کوه به سواد کوه قرار دارد. در این کوه همانگونه که در بخش پیشین اشاره کردیم، اشکفت‌هایی وجود دارد که در میان آنها اشکفت تاریخی کیجا کرچال تنها اثری است که بیشتر از باقی اشکفت‌ها مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است. در مورد اشکفت تاریخی کیجا کرچال افسانه‌ای وجود داشته که منوچهر ستوده آنرا در کتاب «از آستارا تا آستار آباد» ثبت کرده است. این افسانه روایت دختری از جنس پری را بیان می‌کند که به مرور عاشق چوپانی می‌شود و با هم به پری چشمه در فاصله کمتر از چهارصد متر از اشکفت تاریخی کیجا کرچال می‌روند و بعد از آنجا به شهمیرزاد رفته و روستایی با نام آپری را پایه گذاری می‌کنند. (ستوده، ۱۳۶۶: صص ۶۷-۷۱). علاوه بر این، قدیمی‌ترین اشاره به این اشکفت‌ها را باید توضیحات مندرج در سفرنامه پیترو دلاواله^۵ به حساب آورد. «آنروز ضمن راه پیمایی در کوه و دره کنار جاده و ارتفاعات اطراف قلعه‌هایی مشاهده کردیم که در زمان صباوت شاه عباس و کهولت شاه محمد خدابنده پدرش که کشور به خوبی اداره نمی‌شد محل سکونت گردن کشانی بود که به این منطقه مسلط شده بودند، ولی اکنون همه آنها مخروب و فاقد سکنه هستند، زیرا شاه تمام باغیان را قلع و قمع کرده و امنیت کامل را در این صفحات برقرار ساخته است. روی یک کوه سنگی مرتفع که در کنار دره سر به آسمان کشیده بود غاری مشاهده کردیم که دسترسی به آن با اشکال فراوان میسر می‌شد و در افسانه‌های محلی می‌گویند زن غول آسایی ساکنی آن غار بوده و مانع عبور از آن جاده می‌شده است. درباره این زن غول آسا و دیوهای مختلف افسانه‌های فراوانی در اینجا گفته می‌شود و قبر بعضی از آنان را در این حوالی ذکر می‌کنند، ولی اینها جز تراوشات فکری پیرزنان چیز دیگری نیست.» (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۶۳-۱۶۴).

در این چند سطر به مسائلی اشاره شده که می‌توان نسبت‌های جالبی را در آن دریافت. برای مثال اشاره به ابنیه‌ای چون برج‌های دیدبانی، مانند برج دُلکینگه، یکِه بُرج، برج بازسازی شده شروین باوند و برج رَواتسَر و یا قلعه‌هایی بزرگ چون قلعه چلدر و یا قلعه گردن در بالادست سله بن در این منطقه می‌توانند همان ابنیه‌ای باشند که گردن‌کشان برای راهزنی در این بخش از مازندران از آن استفاده می‌کردند (۵). برای آنها فضایی به این شکل کافی بود تا به اهدافشان برسند. با توجه به توضیحات دلاواله در دوران صفوی از این سازه‌ها به شکل دیگری استفاده می‌شده است. این ابنیه همان قلعه‌هایی هستند که دلاواله به آنها اشاره کرده و این نشان دهنده گذر این سیاح از این بخش از مازندران است. اگر چه احتمالاً به سبب متروک ماندن آنها طی سالیان متمادی، سیاح ایتالیایی نامی از این ابنیه نمی‌آورد.

یکی دیگر از وجوه اهمیت سازه‌های دستکند منطقه مورد بحث، اعتقاد برخی از پژوهشگران مبنی بر کشف آرشو پهلوی طبرستان از این منطقه است؛ چنانچه نگارنده معتقد است که برخی از این اسناد تاریخی اصالتاً از طاق‌خانه و دیوطاق به دست آمده‌اند. این دو اشکفت به عنوان محتمل‌ترین محل برای آرشو طبرستان^۶ هستند.

گستره سازه‌های دست‌کند بر روی کوه سرخل، نشان از اهمیت این کوهستان در تاریخ طبرستان دارد که این کوه را در کنار تنگه باستانی دو آب پراهمیت‌تر از همیشه می‌کند. شناسایی این محوطه‌های صخره‌ای در مازندران روشن‌گر بخشی از تاریخ فراموش شده در کشور ایران است (تصویر ۳).



>>>>>

تصویر ۳. بالا: بخشی از میزان تخریب
معادن شن ماسه در دامنه غربی کوه
سرخل در شهرستان سواد کوه

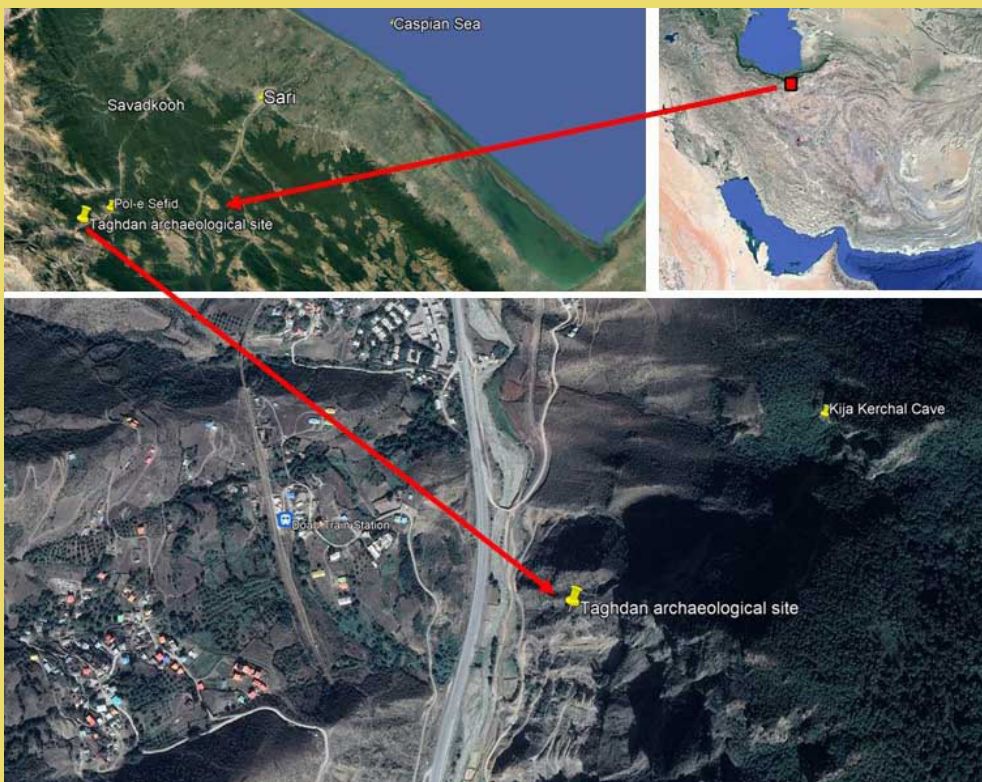
تصویر پایین: شماره گذاری چهار
ابنیه از محوطه طاق دان: شماره ۱:
طاق خانه، شماره ۲: طاق پری، شماره ۳:
دیو طاق، شماره ۴: طاق طویله. بر روی
کوه سرخل



پیشینه مطالعاتی محوطه طاق دان

محوطه طاق دان، نخستین بار توسط چنگیز شیخلی در سال ۱۳۴۲ شناسایی شد اما او به دلایلی نتوانست برای مطالعه به داخل اشکفت ها برود. با توجه به مطالعات انجام شده امروزی، بررسی های شیخلی بیشتر بر روی اشکفت دیو طاق در این مجموعه بوده است. بعد از آن مطالعات پیگیری توسط تیم کوه نوردی به سرپرستی چنگیز شیخلی در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی بر روی این دهانه و دهانه های دیگری چون اسپهبد خورشید و کیجا کرچال صورت گرفت. در سال ۱۳۸۶ هیرید جاوید (سنگ نورد) توانست به غار طاق خانه، یعنی فوقانی ترین دهانه غار در مجموعه طاق دان، صعود کند و گزارش آنرا در سال ۱۳۹۰ در فصلنامه «کوه»، شماره ۶۲ انتشار دهد. سپس باید به صعود تیم سنگ نوردی چکاد ساری به عنوان یکی از نخستین گروه های صعود کننده به داخل اشکفت طاق خانه اشاره کنیم که گروه متبحری در زمینه شناسایی با مهارت کوه نوردی و سنگ نوردی بوده اند (زمستان سال ۱۳۹۰). در کنار همه این گزارش ها، تصاویر با کیفیتی از کمیل قاسم پور از این غار به شناخت معماری آن کمک شایانی کرده است (کشاورز دیو کلایی و همکاران ۱۴۰۰: ۱۱۸).

متأسفانه در سال ۱۳۹۲ نیز گروهی به درخواست شیخلی و بدون مجوز از سازمان میراث فرهنگی با سرپرستی نظام دوست به داخل غار رفته و موجب تخریب بافت تاریخی آن می شوند. در پی پیگیری های مداوم دوستداران میراث فرهنگی سواد کوه برای جلوگیری از آسیب بیشتر به این ابنیه، در سال ۱۳۹۹ سازمان میراث فرهنگی استان مازندران با حمایت پژوهشکده میراث فرهنگی تهران، فعالیت های معادن شن و ماسه ی زیر این دهانه و دهانه های دیگر را متوقف کرد و با همکاری احمد باوند سواد کوهی و نگارنده این مقاله، پرونده ثبت اشکفت طاق خانه در اواخر همان سال به گردش افتاده و پرونده ثبت اشکفت دیو طاق برای درج در فهرست آثار ملی کشور نیز در حال حاضر در دست تهیه و اجرا است (تصویر ۵).



<<<<

تصویر ۴. عکس‌های هوایی از گوگل ارث، تصویر بالا سمت راست عکس هوایی از ایران و مربع قرمز رنگ نقطه قرارگیری محوطه طاق‌دان و تصویر بالا سمت چپ قرارگیری محوطه باستانی در استان مازندران و نام گذاری شهرستان‌های ساری و سوادکوه و شهر پل سفید دیده می‌شود.

تصویر پایین نیز منطقه دو آب و موقعیت قرارگیری محوطه طاق‌دان بر روی کوه سرخل را نشان می‌دهد.



<<<

تصویر ۵. نمای جنوبی محوطه طاق‌دان و وجود طاق‌طویل، دیو طاق و طاق‌پری.

موقعیت قرارگیری دست‌کند نا تمام طاق‌طویل

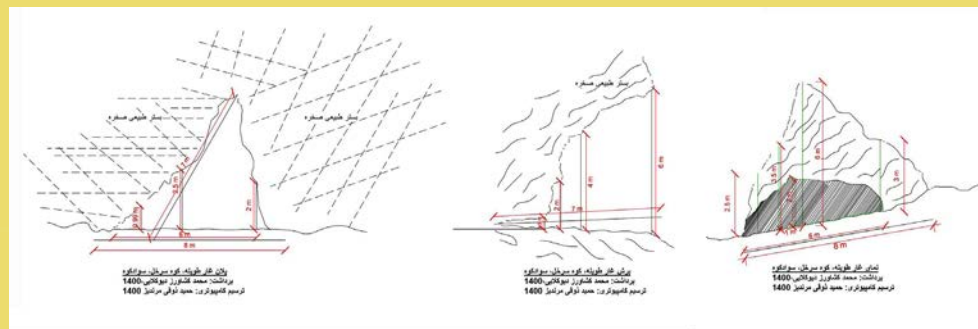
دست‌کند نا تمام طاق‌طویل، نزدیک‌ترین بنای موجود به رود تلار و جاده امروزی سوادکوه در محوطه طاق‌دان است. فاصله این بنا تا جاده حدود ۲۰۰ متر است و از دور دست شبیه به حفره‌ای بر روی کوه‌های کربناتی و بسیار سست منطقه دیده می‌شود. در فاصله کمتر از ۵۰ متری بالای این اثر، دهانه‌اشکفت‌های دیو طاق و طاق‌پری دیده می‌شوند (تصویر ۴). ارتفاع اثر مورد بحث از سطح دریا حدود ۱۰۰۰ متر است و راه دسترسی به آن تا حدودی آسان‌تر از سایر دست‌کنده‌هاست. با توجه به نا تمام ماندن تراش صخره در این اثر، می‌توان از آن به منزله نمونه مطالعاتی برای درک بهتر شیوه ساخت و ساز سایر آثار دست‌کند در منطقه استفاده کرد.

وجه تسمیه طاق طویل

نام طاق طویل در ایران بسیار مرسوم است و معمولاً به حفره‌هایی گفته می‌شود که چوپانان ساعتی را در آن می‌گذرانند. آنچه که از طاق طویل‌ها در ایران معنی می‌شود حفره‌های بزرگی هستند که شاید بتوان بیش از ۵۰ یا ۱۰۰ دام را در آن جای داد. این ساختارها همچنین برای دام و طیور در شرایط سخت اقلیمی (زمان بارندگی شدید باران و برف) جنبه پناهگاهی دارند. در برخی از اینگونه آثار نیز ساختار دست‌کند به صورت فضاهای طویل‌مانند طراحی شده و به همین سبب طاق طویل نام گرفته‌اند (مومنی، ۱۳۹۴: ۷۰۳). اگرچه نام طاق طویل برای دست‌کند مورد بحث در این نوشتار با توجه به تاریخ شفاهی و پرس و جوی محلی برای این حفره در نظر گرفته شده است، اما باید اشاره کرد که طاق طویل مورد بحث ما دسترسی سختی دارد و کمتر آثار و شواهد فضولات حیوانی در آن دیده می‌شود با توجه به پرونده در حال تکمیل ثبت ملی محوطه باستانی طاق‌دان، نام این دست‌کند نا تمام نیز طاق طویل خواهد بود.

ویژگی‌های معماری و اهمیت دست‌کند نا تمام طاق طویل

با توجه به گونه‌شناسی معماری دست‌کند در قالب سه گروه معماری (۱) مجموعه‌های شکل گرفته در حفره‌های طبیعی (غارهای طبیعی، مجموعه‌های زیر صخره، مجموعه‌های بین صخره)، (۲) آثار دست‌کند افقی که آثار کاملاً دست‌کند و آثار مرکب دست‌کند و دست‌ساز هستند، و (۳) آثار دست‌کند عمودی که شامل مجموعه‌های زیرزمینی، مجموعه‌های دست‌کند در دشت می‌شوند (اشرفی، ۱۳۹۰: ۲۵)، معماری طاق طویل را می‌توان در گروه دوم این گونه‌شناسی قرار داد. با این دسته‌بندی، می‌توان به دو مسئله در مورد دست‌کند نام تمام طاق طویل اشاره نمود. اگر طاق طویل را با توجه به ابنیه‌ای چون طاق‌سازه یا دست‌کند دیو طاق، طاق‌پری و طاق‌خانه در همین بخش از کوهستان بسنجیم، در گروه دوم معماری دست‌کند و به صورت مرکب می‌توانسته باشد؛ اما نا تمام مانده است (تصویر ۶).



>>>>>

تصویر ۶. نما، برش و پلان طاق طویل، سوادکوه، مازندران. ترسیم: حمید ذوقی مرنديز، ۱۴۰۰

همچنین در دسته‌بندی دیگری که در مورد دست‌کندهای افقی وجود دارد، یکی آرامگاهی و یادمانی و دیگری فضاهای مسکونی و دفاعی؛ کاربری احتمالی دست‌کند طاق طویل (به فرض اتمام ساخت) در قالب کاربری مسکونی و دفاعی قرار می‌گیرد. توضیح آنکه: با توجه به منابع تاریخی و روایات، این منطقه در دوران خلیفه منصور عباسی پناهگاه و پادگانی نظامی بوده است (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۱۷۶). با توجه به این مسئله که بنای طاق طویل نا تمام بوده است، تنها بخش معماری که می‌توان درباره آن صحبت کرد، فضا سازی کلی و پی حفر شده برای سازه‌های معماری در عمق اشکفت است. فضا سازی کلی و نحوه تراش در این بنا سرنخ مطالعاتی بسیار مهمی برای پی بردن به شیوه‌های تراش در سایر سازه‌های تاریخی مجاور محسوب می‌شود. بنابراین، وجود این حفره به ظاهر بی ساختار بزرگ‌ترین کارگاه آموزشی در مورد روش استخراج سنگ و نوع ایجاد ساختار دست‌کند است. بر این اساس به نظر می‌رسد آغاز استخراج سنگ و برش صخره‌ها از بالا بوده به نحوی که سازندگان پس از برش در حفره کوه تا ارتفاع مورد نظر پایین می‌آمدند و بعد به درون صخره می‌رفتند و با حفر آن عمق بنا را تعریف می‌کردند. دلیل توقف ساخت و ساز در این بنا نامعلوم است. اما محتمل آنست که سازندگان در شرایط ناهنجار تصمیم به توقف ساخت اثر گرفته‌اند (تصویر ۷، ۸ و ۹).



<<<<

تصویر ۷. نمای عمومی دهانه طاق طویل
دست‌کند ناتمام و قسمت فوقانی تصویر،
ورودی بنای دیوطاق دیده می‌شود.



<<<<

تصویر ۸. نمای عمومی دهانه طاق طویل



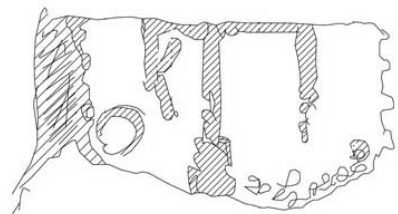
<<<<

تصویر ۹. قسمتهای تراش ایجاد شده و فرم
دهانه دست‌کند ناتمام طاق طویل

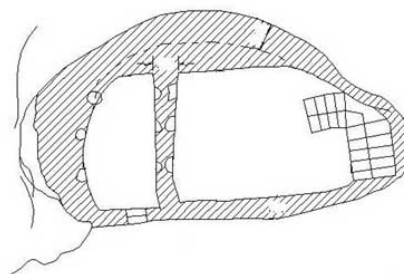
مطالعات انجام شده در این سازه نشان می‌دهد که استفاده از بستر سنگ‌های چینه دار کربناتی که کار تراش را آسان می‌کرده از اولویت‌های معماران و سنگ شکنان آن دوران بوده است. این دست‌کند نا تمام اثبات‌کننده این است که بستر تمام آثار محوطه طاق‌دان دست‌کند بوده و از طاق طبیعی برای بسط معماری استفاده نشده است (تصاویر ۱۰ و ۱۱)

>>>>>

تصویر ۱۰. پلان و تصویر از دو طاق‌سازه دیوطاق و طاق‌خانه



طاق‌خانه



دیوطاق



>>>>>

تصویر ۱۱. فرم طاق‌های دست‌کند که تکنیک استخراج سنگ و حفر کوه به یک صورت بوده است و در دست‌کندهای طاق‌پری در بخش فوقانی تصویر و در وسط دیوطاق بنای تاریخی دیده می‌شود و در بخش پایین تصویر نیز دست‌کند نا تمام طاق‌طویل دیده می‌شود.



کوه سرخل، یکی از مهم‌ترین جایگاه‌های باستانی و تاریخی کوهستان البرز و جنوب شهرستان سوادکوه و استان مازندران است که نه تنها سازه‌های بارزشی در خود جای داده، بلکه بخشی از تاریخ تبرستان را روایت می‌کند که تا به امروز ناشناخته مانده بود. با توجه به گستره طاق‌سازه‌ها بر روی کوه سرخل، ارزش مطالعاتی و تاریخی تنگه باستانی دو آب صد چندان شده است. تا پیش از شناسایی محوطه طاق‌دان، بیشتر مطالعات بر روی غار کیجا کرچال و اسپهبد خورشید متمرکز بوده حال آنکه مطالعات پیگیر جدید در این محوطه غنی می‌تواند اطلاعات ذی‌قیمت علمی متعددی عاید پژوهشگران کند. تنگه باستانی دو آب احتمالاً می‌تواند محل کشف آرشو معروف به اسناد پهلوی تبرستان باشد در محوطه طاق‌دان همچنین آثاری از دست‌کندهای تمام شده و ناتمام در کنار هم دیده می‌شوند که بستر مناسبی برای شناخت تکنیک ایجاد سازه‌های دست‌کنده در منطقه شمال ایران به حساب می‌آیند. طاق طویل، یکی از مناسب‌ترین موارد قابل مطالعه برای شناخت پی‌ریزی آثار مشابه بر روی کوه سرخل است که نگارنده در این نوشتار آن را به اختصار معرفی کرده است.

محوطه طاق‌دان که شامل طاق‌خانه، طاق‌پری، دیو‌طاق، گت طاق (طاق باو) و طاق‌طویل است، در آینده‌ای نه چندان دور از مهم‌ترین محوطه‌های باستانی شمال ایران محسوب خواهد شد که بستر مناسبی برای طرح‌های پژوهشی باستان‌شناختی و معماری خواهد بود.

تشکر از

احمد باوند سوادکوهی، مهدی عابدینی عراقی، محمد حمزه‌نژاد قادی، پرویز حبیبی، خشایار خداپرست و حمید ذوقی مرندیز که برای شناخت، مطالعه و بررسی میدانی یاری‌رسان بودند.

پی‌نوشت:

۱- کارست‌ها پدیده‌هایی زمین‌شناختی هستند که به صورت کانال‌های زیرزمینی در زیر بستر اصلی زمین و در اثر فعل و انفعالات فیزیکی-شیمیایی شکل گرفته‌اند. این پدیده‌ها در اصل در اثر ارتباط کوه‌های کربناتی با آب و به دو صورت انحلال و تشکیل بی‌کربنات کلسیم ساخته می‌شوند. نمونه بارز این سازندها در ایران غار علی صدر در استان همدان است. البته گونه دیگری از کارست‌ها نیز در بستر بیرونی و بر روی سطوح صخره‌ها تشکیل می‌شوند که غار اسپهبد خورشید یکی از مهم‌ترین این گونه کارست‌ها در ایران است (نصری اشرفی، ۱۳۹۹: ۲۹۲-۲۹۶؛ Karimi Vardanjan et al, ۲۰۱۷: ۴۷۹).

۲- به دلیل نامشخص بودن کاربری این ابنیه، نمی‌توان نام غار-قلعه و یا هر اصلاح دیگر که کاربری این بنا را مفهوم می‌کند به کار برد. در حال حاضر نگارنده مقاله نام طاق‌سازه را برای این گونه‌های معماری در نظر گرفته است تا شاید روزی کاربری این بناها مفهوم شود و آن زمان بتوان از کلماتی چون دژ، قلعه، معبد و نیایشگاه استفاده نمود.

۳- اشکفت اسپهبد خورشید به عنوان یکی از بزرگ‌ترین طاق‌های طبیعی ایران در شهرستان سوادکوه قرار دارد. این اشکفت در دو مسیر عمودی در جبهه شرقی و غربی دهانه با طراحی ساختمانی پله‌ای شکل بیش از ۱۰۰ متر را طی می‌کند و در آخر به بالاترین نقطه ساختمان می‌رسد. در مرکز دایره اشکفت اسپهبد خورشید، بقایای مسیر دسترسی به شرق و غرب به صورت راهرویی بزرگ و سراسری دیده می‌شود (کشاورز، ۱۳۹۱: ۲۰).

۴- آزمایش کربن چهارده برای تاریخگذاری غار اسپهبد خورشید طی سال جاری با حمایت انجمن بین‌المللی ایزمئو در ایتالیا انجام شده است. داده‌های به دست آمده در قالب مقاله‌ای در مجله شرق و غرب ایزمئو به زبان انگلیسی در سال ۲۰۲۲ میلادی به چاپ خواهد رسید و در رساله کارشناسی ارشد نگارنده نیز به زبان ایتالیایی به این تاریخ‌گذاری اشاره شده است.

۵- نام گذاری این اشکفت‌ها توسط احمد باوند سوادکوهی با توجه به مطالعات تاریخ شفاهی انجام گرفته است. کتابی از باوند سوادکوهی در سال ۱۴۰۱ به چاپ خواهد رسید که به این آثار مربوط می‌شود.

۶- Pietro Della Valle

۷- اسناد طبرستان یا نامه‌های طبرستان؛ مجموعه‌ای از نوشته‌های فارسی میانه مربوط به قرون اول و دوم هجری هستند. این اسناد متعلق به مکانی با نام «دیل دیلان» هستند که درباره مکان نگاری آن اختلاف نظر وجود دارد. این اسناد ارزشمند در دهه هشتاد خورشیدی از ایران خارج شدند و از بازارهای سیاه تهران به اروپا و امریکا رسیدند. این متون در خارج از ایران توسط ژینیو (Gignoux, Ph)، ماتسوخ (Macuch, M)، وبر (Weber, D) و دیگر محققین خوانش و منتشر شده‌اند.

- ابن اسفندیار، محمد بن حسن (۱۳۶۶). تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، پدیده خاور، تهران.
- اشرفی، مهناز (۱۳۹۰). پژوهشی در گونه‌شناسی معماری دست‌کند، نامه معماری و شهرسازی (دوهفته نامه دانشگاه هنر)، شماره ۷: ۲۵-۴۷.
- دلاواله، پیترو (۱۳۷۰). سفرنامه پیترو دلاواله (قسمت مربوط به ایران)، ترجمه شعاع الدین شفا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ستوده، منوچهر (۱۳۶۶). از آستارا تا استراباد، جلد چهارم، نشر آگه، تهران.
- کشاورز دیوکلایی، محمد؛ باوند سوادکوهی، احمد؛ دان، روبرتو (۱۴۰۰). «غارسازه طاق‌خانه، شهرستان سوادکوه، مازندران»، مجموعه چکیده مقالات دومین کنفرانس دوسالانه باستان‌شناسی و تاریخ هنر ایران، دانشگاه مازندران-بابلسر، نشرهنگام هنر، تهران: ۱۱۸.
- کشاورز، محمد، (۱۳۹۱) «غار اسپهبد خورشید»، شناخت نامه مازندران، شماره ۲۸، بناهای مذهبی، تاریخی، ۸، نشر سانس نوین، تهران.
- کشاورز دیوکلایی، محمد؛ دان، روبرتو (۱۳۹۹). «معرفی و بررسی ساختار و کارکرد معماری غار-قلعه کیجا کرچال»، فصلنامه تاریخ و باستان‌شناسی مازندران، شماره یکم: ۱۰۲-۱۱۱.
- مومنی، همایون (۱۳۹۴). «معرفی و شرحی بر فضای معماری دست‌کند طاق‌طویل»، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی معماری دست‌کند، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران: ۷۱۳-۷۰۱.
- نصری اشرفی، جهانگیر (۱۳۹۹). دانشنامه تبرستان و مازندران، جلد دوم، نشر نی، تهران: ۲۹۲-۲۹۶.

Gariboldi, Andrea (2017). "Pratiche economiche e monetarie nei documenti pahlavi del Tabaristān" (VIII sec.), ELECTRUM Vol. 262-253 :24.

Karimi Vardanjani et al. (2017). «An Introduction to Hypogene Karst Regions and Cave of Iran», Hypogene Karst Regions and Caves of the world, Springer international Publishing, Switzerland: 494-479.

Abstract

Tagh-e Tavileh, Unfinished Troglodytic Architecture in the Ancient Site of Taqdan, Savadkooch city, Mazandaran province, Iran

Mohammad Keshavarz Divkolaee, Masters in Sciences and Technologies for the Conservation of Cultural Heritage, member of ISMEO

The outer body of the Alborz mountain range in northern Iran, with its carbonate deposits and karst, features ancient rock architecture from the late Sassanid and early Islamic periods. On two mountains, Serkhel and Lakmar, ditches or rock structures can be seen in the south of Savadkooch and in the Doab district of Mazandaran province. On the western slope of Mount Serkhel, more than six caves or structures have been discovered, one of which, according to earlier studies, displays an incomplete element termed long arch, which serves as a form of foundation for this style of architecture. The rest of the rustic buildings have been finished with a combination of architectural constructions, most of which could be identified. Even though the long arch construct is incomplete, two notable caves in the vicinity, known as Ispahbad Khurshid on Mount Lakamer and Kija Kerchal on Mount Serkhel, have cultural, historical, and architectural value. This site is unfinished, however, it provides valuable information on how to extract stone and can be compared to similar works, such as, Div Taq, Taq Khaneh, and Taq Pari e Kija Kerchal. The discovery of the Pahlavi documents of Tabaristan is most likely to have occurred in the ancient strait of Doab. It's possible that future historical and archaeological investigations will reveal the reason for the end of this type of troglodytic element. Because this was one among the strategic sites that Khalif-e Mansour Abbasi later conquered. This region has been recognized as the Taqdan site, and it, along with the Kafer Kelli cave complexes in the city of Amol, on the Haraz Road, will raise the worth of rock architecture in northern Iran.

Keywords: arched-structure, troglodytic architecture, the ancient site of Taghdan, Tagh-e Tavileh



قروه-زنجان >>
عکس از: امین کیوانلو



«معرفی دست کندهای منطقه لتمال تهران»

شهر تاریخی تهران در دامنه جنوبی رشته کوه البرز واقع شده است و ذکر دست کندها (زاغه‌ها و سرداب‌ها)ی تاریخی آن در متون و سفرنامه‌ها آمده است. اگرچه سرعت توسعه شهر باعث شده است تا بسیاری از این آثار بدون مطالعه و مستندسازی تخریب شده و از بین بروند (برگرفته از خوشنویس، ۱۳۹۴: ۳۲۷).

لتمال در شمال غربی شهر تهران و جنوب غربی منطقه کن واقع شده است و در حال حاضر یکی از پارک‌های جنگلی شهر تهران به‌شمار می‌رود. این پارک جنگلی در ۵۱ درجه و ۱۳ دقیقه و ۵۲ ثانیه طول جغرافیایی و ۳۵ درجه و ۴۶ دقیقه و ۱۲ ثانیه عرض جغرافیایی واقع شده است که دست کندهای مورد بررسی در منتهی‌الیه جنوب غربی پارک و در شمال بلوار پنج آبشار واقع شده‌اند.

واژگان کلیدی: تهران، لتمال، معماری دست کند



تهیه و تنظیم: سمیه مراقی،
کارشناس ارشد

مرمت و احیای بناها و بافت‌های
تاریخی

somayeh.maraqi@gmail.com

سوگندینغمبری
کارشناس عمران



برای معنای واژه لتمانال که در حال حاضر مصطلح است، تعریفی در لغت‌نامه‌ها یافت نشد. همچنین واژه‌های لثم، لثم، لثم و لثم که در مطالعات نقشه‌های قدیمی به آنها برمی‌خوریم، فاقد تعریف در لغت‌نامه‌ها هستند. در این میان واژه لثم که بر روی چند نقشه ذکر شده است در لغت‌نامه دهخدا در معانی زیر تعریف شده است ولی نمی‌توان ارتباطی بین این معانی و منطقه متصور شد.

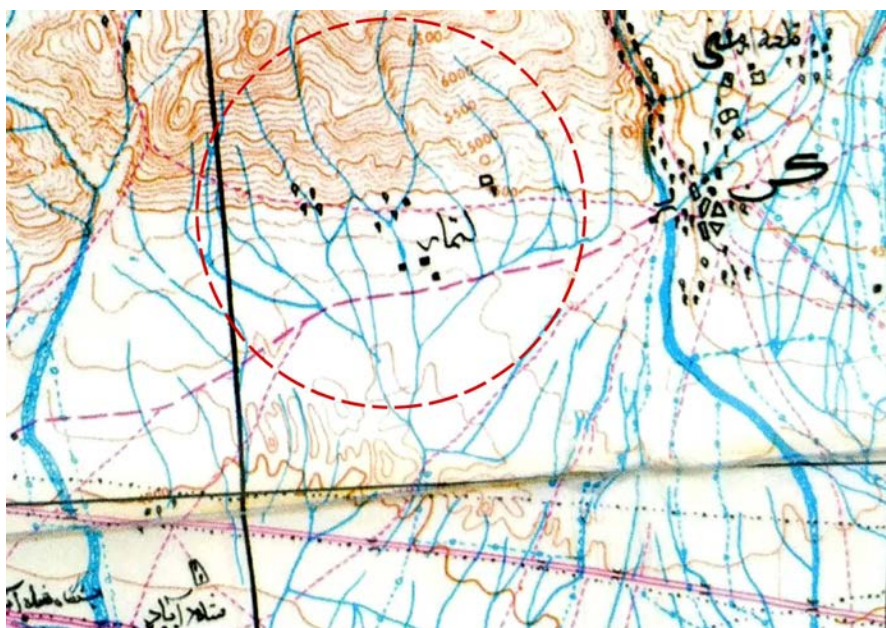
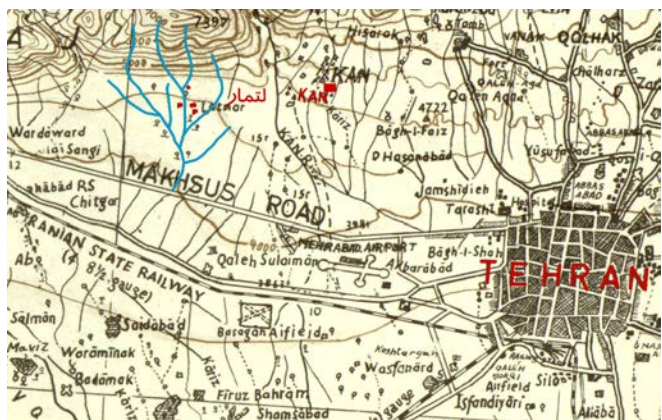
<<<<

موقعیت پارک لتمانال. منبع: Google Map

لثم [ل] (ع مص)، بر سوراخ بینی زدن، زدن، تیر انداختن (منتهی الارب)، لثم، [لث] (ع ا) زخم و جراحت (منتهی الارب) (سایت لغت‌نامه آنلاین دهخدا). منطقه لتمانال بر روی برخی از نقشه‌های قدیمی جانمایی شده است. در این منطقه تعدادی قنات و دست‌کند مشخص است که قنات‌های آن منتهی به روستاهای محدود جنوبی بوده و تاحایی که بررسی نقشه‌های قدیمی و عوارض فعلی نشان می‌دهد روستایی در این محدوده وجود نداشته است. رشته‌قنات‌هایی بر روی نقشه‌های قدیمی دیده می‌شوند که تعدادی از میله‌چاه‌های آنها هنوز هم در کنار دست‌کندها دیده می‌شوند. این قنات‌ها آبد بوده و در حال حاضر از آب آن برای آبیاری باغ‌های پایین دست - باغ اناری - و میزانی هم برای فروش استفاده می‌شود.

>>

موقعیت لتمانال و رشته‌قنات‌ها بر روی نقشه تهران و اطراف آن، ۱۳۲۷ خورشیدی



<<<<

نقشه تهران در سال ۱۳۴۹ خورشیدی و موقعیت منطقه لتمانال و رشته‌قنات‌های آن

آثاری از معماری دست‌کند در کنار این قنات‌ها وجود دارد که تعدادی از آنها در پایین و زمستان ۱۴۰۰ خورشیدی به دلیل خطر آفرینی برای مراجعان پارک، مسدود شدند. این مطالعات هم‌زمان و کمی بعد از این اقدامات فضای سبز شهرداری انجام شده است.

تعداد ۶ دست‌کند در این منطقه قابل شناسایی هستند که به دلیل قرار گرفتن در محدوده پیرامونی پارک لئمال و ایجاد خطر برای مراجعان، دسترسی برخی از آن‌ها مسدود شد.

دست‌کندها هم به صورت منفرد و هم به صورت پیوسته و در کنار هم حفر شده‌اند. نوع فضاهای داخلی نشان می‌دهد که این دست‌کندها (حداقل در دوره‌های متاخر) برای نگهداری دام‌های کوچک (گوسفند و بز و غیره) مورد استفاده بوده‌اند ولی در کنار آنها اتاق‌هایی برای استراحت و سکونت چوپانان با مصالح سنگی و ملات شفته آهکی و گلی ساخته شده است. بخش داخلی این اتاق‌ها توسط ملات گچ اندود شده است (دست‌کند شماره ۲). در زاغه‌هایی که این فضاهای دست‌ساخت وجود ندارد، اتاقکی به صورت دست‌کند در کنار ورودی قرار گرفته که محل استراحت چوپان بوده است (دست‌کند شماره ۱).

دست‌کندها به صورت عمومی دالان‌هایی کشیده هستند که بعضاً طول آن‌ها به ۳۲ متر هم می‌رسد. در دو طرف آغل‌هایی به ارتفاع ۵۰ تا ۵۵ سانتی‌متر قرار دارند و نورگیرهایی در سقف جهت تهویه و تامین نور دست‌کند حفر شده‌اند. آثار دوده و سیاهی بروی بدنه‌های دست‌کندها دیده می‌شود.

خاک بستر از نوع کنگلومرایری بوده و در بخش‌هایی از فضاهای داخلی بدنه دست‌کندها دچار ریزش کرده است.



<<<<

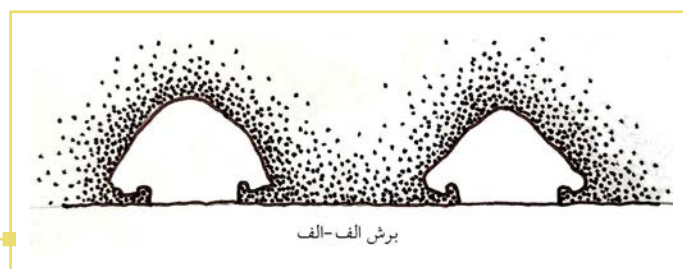
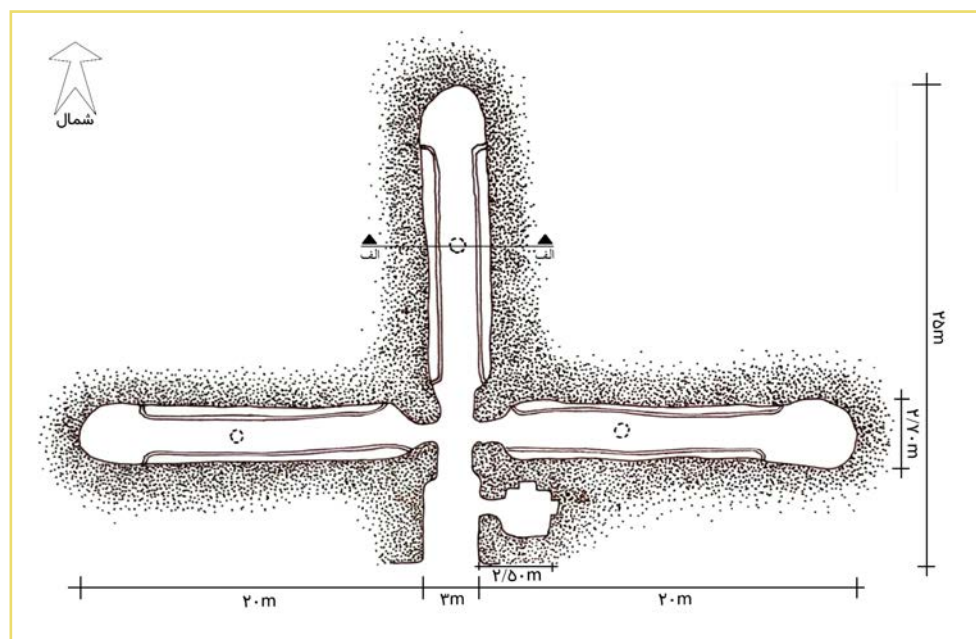
موقعیت جایگیری دست‌کندها



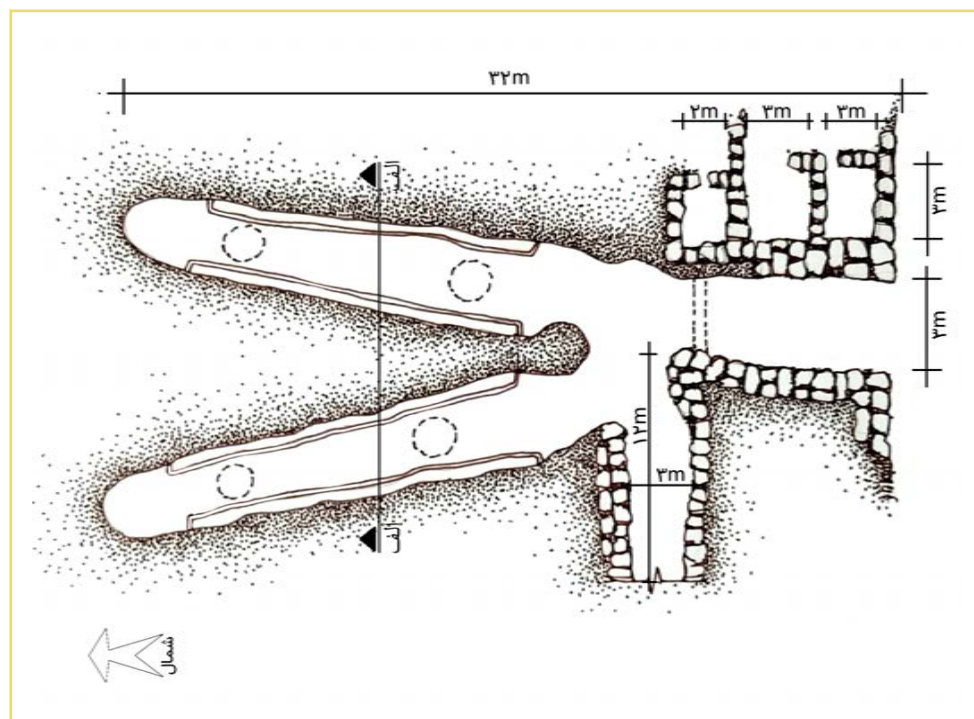
<<<<

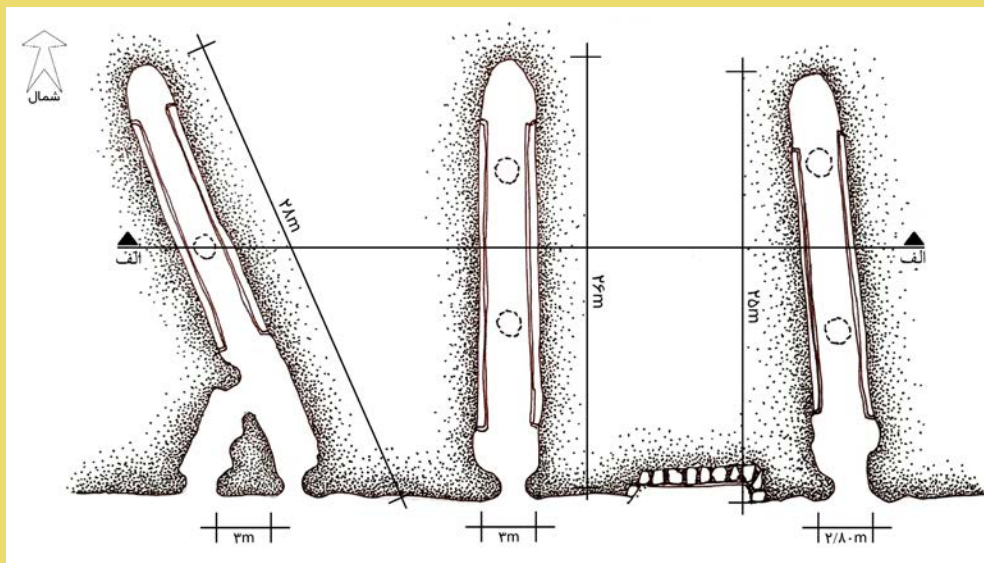
موقعیت دست‌کندها و میله‌چاه قنات‌ها

>>>>>
 پلان و برش دست‌کند شماره ۱
 (برداشت و ترسیم؛ نگارندگان)



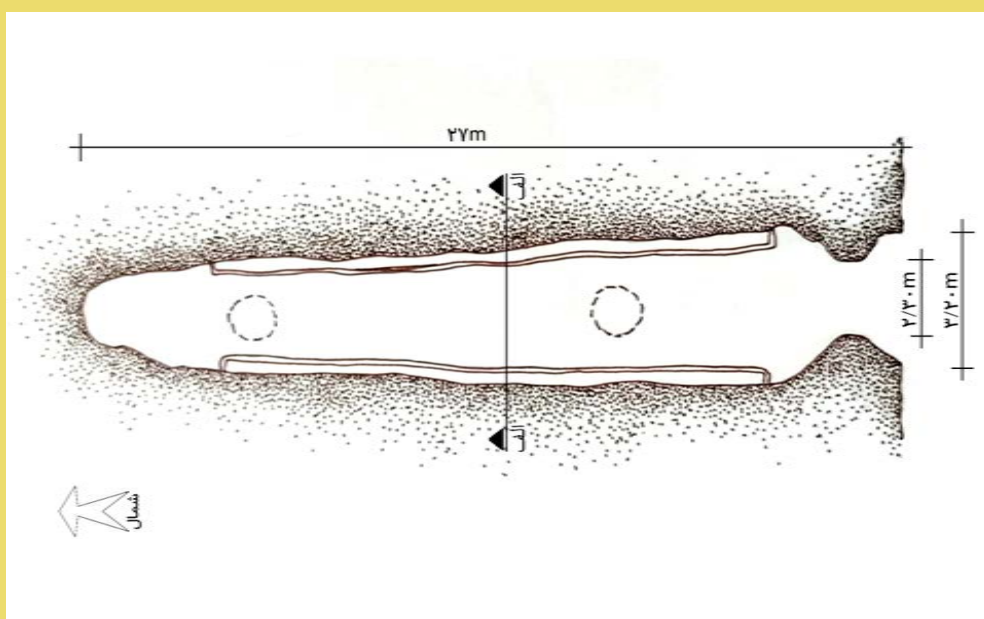
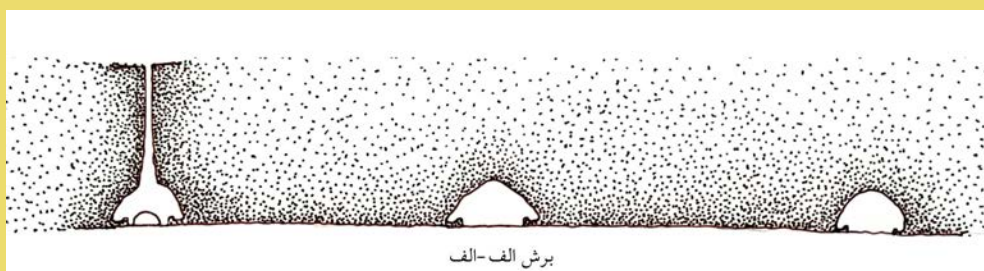
>>>>>
 پلان و برش دست‌کند شماره ۲
 (برداشت و ترسیم؛ نگارندگان)





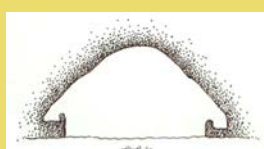
<<<<

پلان و برش دست کندهای شماره ۳ و ۴ و
۵ (برداشت و ترسیم؛ نگارندگان)



<<<

پلان و برش دست کند شماره ۶
(برداشت و ترسیم؛ نگارندگان)



>>>>>

نمونه‌ایی از ورودی دست‌کند (عکس از نگارندگان)



>>>>>

نمونه‌ای از فضاهای داخلی دست‌کندها (عکس از نگارندگان)



>>>>>

نمونه‌ای از فضاهای داخلی دست‌کندها (عکس از نگارندگان)





<<<<

نمونه‌ای از فضاها‌ی داخلی دست‌کندها (عکس
از نگارنده گان)



<<<<

نمونه‌ای از فضاها‌ی داخلی دست‌کندها (عکس
از نگارنده گان)



<<<<

نمونه‌ای از هواکش‌ها و نورگیرهای
دست‌کندها (عکس از نگارنده گان)

جمع‌بندی:

منطقه‌ی لثم‌الدر شمال‌غربی شهر تهران و جنوب‌غربی منطقه‌ی کن بر روی نقشه‌های مقیاس کوچک قدیمی نمایش داده‌است. این محدوده دارای قنات‌هایی است که میله‌چاه‌های آن هنوز هم در اطراف دست‌کنده‌ها دیده می‌شوند. دست‌کنده‌ها بر شیب جنوبی دامنه‌ی کوه‌هایی واقع شده‌اند که حد شمالی شهر تهران را تشکیل می‌دهند. این دست‌کنده‌ها که هم به صورت پراکنده و هم در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، شامل راهروهای درازی هستند که به موازات و یا عمود بر یکدیگر حفر شده‌اند. ارتفاع این دست‌کنده‌ها از ۱۰ سانتی‌متر تا ۲ متر و در سقف‌روزی‌هایی جهت تهویه و نورگیری تعبیه شده‌اند. مبلمان فضاها محدود به آخورهایی است که به صورت طولی در امتداد فضای داخلی دست‌کنده‌ها مصالح سنگی ساخته شده‌اند. بر روی بدنه‌ها لایه‌ی ضخیمی از دوده و سیاهی دیده می‌شود. ورودی دست‌کنده‌ها ساده بوده و در تعدادی از آنها دیوار چینی‌هایی با سنگ اجرا شده‌است و تنها ورودی یکی از دست‌کنده‌ها تاق آهنگ با آجر ساخته شده‌است. جنس خاک بستر زمین کنگلومرای است و در حال حاضر آثار ریزش خاک دیوارها در تمامی دست‌کنده‌ها دیده می‌شود. اتاق‌هایی که در کنار دست‌کنده‌ها بوده‌اند، شامل اتاق‌هایی هستند که یا در دل زمین حفر شده‌اند و دارای تاقچه‌هایی برای نگهداری اشیاء می‌باشند و یا با مصالح سنگی ساخته شده‌اند که بقایای آن‌ها در کنار دست‌کنده‌ها بر جای مانده‌است. در برداشته‌های سطحی و میدانی هیچ گونه اشیاء و آثاری که حکایت از سکونت انسان در داخل این دست‌کنده‌ها داشته باشد، به دست نیامد و کشف این مسئله که آیا این دست‌کنده‌ها زمانی برای سکونت انسان مورد استفاده بوده‌اند یا خیر؟ نیازمند مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی در این منطقه‌است.

منابع:

– سایت لغت‌نامه آنالین دهخدا – abadis.ir

– شیرازیان، رضا (۱۳۹۵). اطلس تهران قدیم. تهران: دستان.

Abstract

A Study on Troglodytic Spaces of Latmal Region in Tehran

Somayeh Maraghi, masters in Restoration of Historic Buildings and Urban Contexts

Sogand Peighambary, BSc in Civil Engineering

The historical city of Tehran is located in the Alborz Mountains' southern foothills. On historical small-scale maps, the Latmal region, located northwest of Tehran and southwest of Kan, is depicted. The traces of several qanats can still be found around the troglodytic spaces in this region. These troglodytic spaces are situated on the southern slopes of the mountains that form Tehran's northern border. These spaces contain extensive corridors that are dug parallel or perpendicular to one other, some of which are isolated and some of which are situated next to each other. The height of these structures is not high, and ventilation and lighting have been provided through holes in their roofs. Stables made of stone with a longitudinal length along the inside serve as the only furnishings in these spaces. On the walls, there are traces of smoke and blackness. The chambers' entrances are simple, with stone masonry used in some of them and only one of the rooms' entrances covered with curving arch brick materials. This area contains chambers that were either dug into the ground and equipped with niches for keeping goods, or chambers made of stone materials, and there are still remains of them in some places. There were no artifacts found in the field that might be used to determine the structures' chronology. Furthermore, no information about the history of these spaces was found through searches and interviews with former residents and current occupants. In this paper, an attempt was made to document the typology of these spaces, and more detailed studies on the history of these structures will be deferred to future studies.

Keywords: Tehran, Latmal region, troglodytic architecture



کال سرد در خرو- طیس >>
عکس از: محمد فرجامی



«قمش: شاهکار مدیریت آب در جنوب غرب ایران- نمونه‌هایی از دزفول و شوشتر»

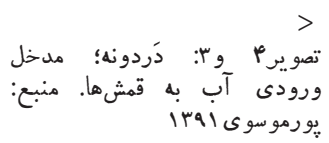
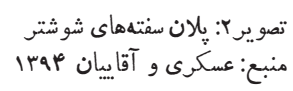
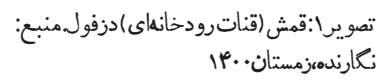
تعریف قُمش:

قمش در گویش دزفولی مجرا یا تونلی زیر زمینی است که يك طرف آن متصل به رودخانه است و سمت دیگرش ضمن عبور از زیر شهر به مزارع و باغات منتهی می‌شود (تصویر ۱). این گونه سازه‌ها را در گویش شوشتری سفته می‌گویند. سفته‌های شوشتر یا همان قنات‌های رودخانه‌ای ساختاری همانند مانند قمش‌های دزفول دارند؛ با این تفاوت که فاقد سربطاق هستند و بعضی از آنها کارکرد انتقال فشار آب را داشته‌اند (تصویر ۲). بر اساس تحقیقات دکتر عبدالکریم بهنیا، پدر قنات ایران، در سال ۱۳۷۰ از مجموع ۱۳ شهرستان خوزستان، ۷ شهرستان: ایذه، بهبهان، مسجد سلیمان، رامهرمز، دزفول، اندیمشک و شوشتر جمعاً دارای ۷۷ کاریز رودخانه‌ای بوده‌اند که ۸ رشته آن در دزفول قرار داشته است. سرچشمه تمامی این سازه‌های آبی از رود دز می‌باشد (تصویر ۱۱ و ۱۰) (بهنیا ۱۳۷۰: ۴۲).



تهیه و تنظیم: بهروز
اسکندری، کارشناسی
باستان‌شناسی، دانشگاه
شهید چمران اهواز

behrooz
@eskandari1376
gmail.com



مهم‌ترین اجرای قُمش:

دَرَدونِه: دهانه‌ای که رو به رودخانه باز می‌شود و و متصل به آب رودخانه است. آب رودخانه از همین طریق وارد مجرای اصلی قُمش می‌شود. در واقع مدخل ورودی آب به قُمش را دَرَدونِه می‌گویند (تصویر ۴ و ۳).

سَرَبَاق (پایاب‌هایی برای دسترسی به آب قُمش): قُمش‌هایی که مسیرشان از زیر محله‌های مسکونی عبور می‌کند امکان آنرا دارند تا به آب جاری که از رودخانه منشعب می‌شود دسترسی داشته باشند. بدین منظور، سازندگان قُمش با حفر راهی شیب دار، عریض، پلکانی و سرپوشیده این امکان را فراهم کرده‌اند. چنین ابنیه‌ای را در گویش دزفولی سَرَبَاق می‌گویند (تصویر ۹ تا ۷).



<<<<

تصویر ۵ و ۶: نمونه‌هایی از درِزه‌های مسدود شده قُمش‌های دزفول (عکس از پایین به بالا)
منبع: نگارنده زمستان ۱۴۰۰



>>>>>

تصویر ۹ و ۸ و ۷: سربطاق‌های دزفول
منبع: نگارنده: زمستان ۱۴۰۰



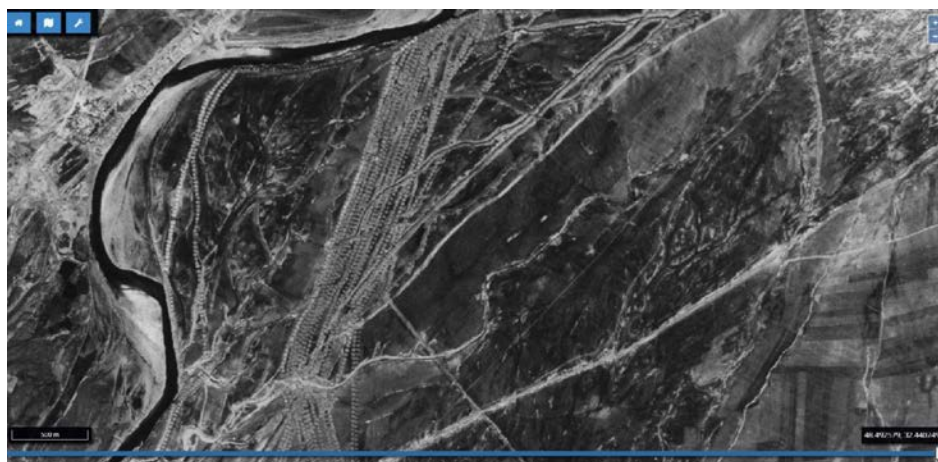
دریزه: تهویه و تامین نور سربطاق‌ها و قمش‌ها از طریق هواکش‌های چاه مانند به نام دریزه صورت می‌گیرد. ساکنان شهر همچنین می‌توانسته‌اند گاهی به واسطه این چاه‌ها به آب نیز دسترسی داشته باشند (تصاویر ۶ و ۵)

اشارات تاریخی و پیشینه پژوهش

قدیمی‌ترین اشاره تاریخی به قمش‌های دزفول مربوط به قرن ۸ هجری است. حمد الله مستوفی در کتاب نزه القلوب می‌گوید: «جویی در سنگ بریده‌اند در زیر شهر به رود رسانیده‌اند و دولابی بزرگ بر آن بسته‌اند چنانکه پنجاه گز آب بالا اندازد و مدار شهر بدان آب است». (مستوفی ۱۳۶۶: ۱۶۹) اما قدیمی‌ترین تحقیق علمی در مورد قمش‌های دزفول در قرن ۱۹ میلادی توسط روگن آلمانی انجام پذیرفته است. (Roggen ۱۹۰۵: ۱۸۷).

>>>>>

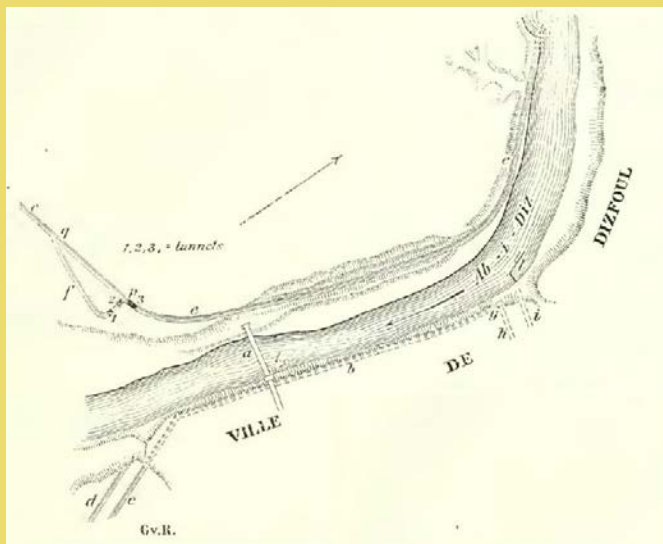
تصویر ۱۰: عکس هوایی از قمش‌های
دزفول در شرق رود دز و شمال شهر
کنونی دزفول سال ۱۹۶۸ میلادی
منبع:
<https://corona.cast.uark.edu>



>>>>>

تصویر ۱۱: عکس هوایی از پراکندگی
قمش‌های دزفول در شرق رود
دز و شمال شهر کنونی دزفول در
سال ۱۹۶۸ میلادی، ویرایش شده توسط
نگارنده
منبع:
<https://corona.cast.uark.edu>





- a: پل بند
b: تونل در ساحل
c: کانال سرپوشیده در ساحل چپ
d: کانال موازی
e: کانال در ساحل راست
f: انشعاب کانال در ساحل راست
g: محل آبگیر کانال ساحل چپ
h: مجاری فاضلاب
k: محل آبگیر ساحل راست
i: آسیاب های آبی

<<<<

تصویر ۱۲ پل دزفول و کانالهای آن بر رود دز. برگرفته از طرح روگن
منبع: fig477 1905 Roggen



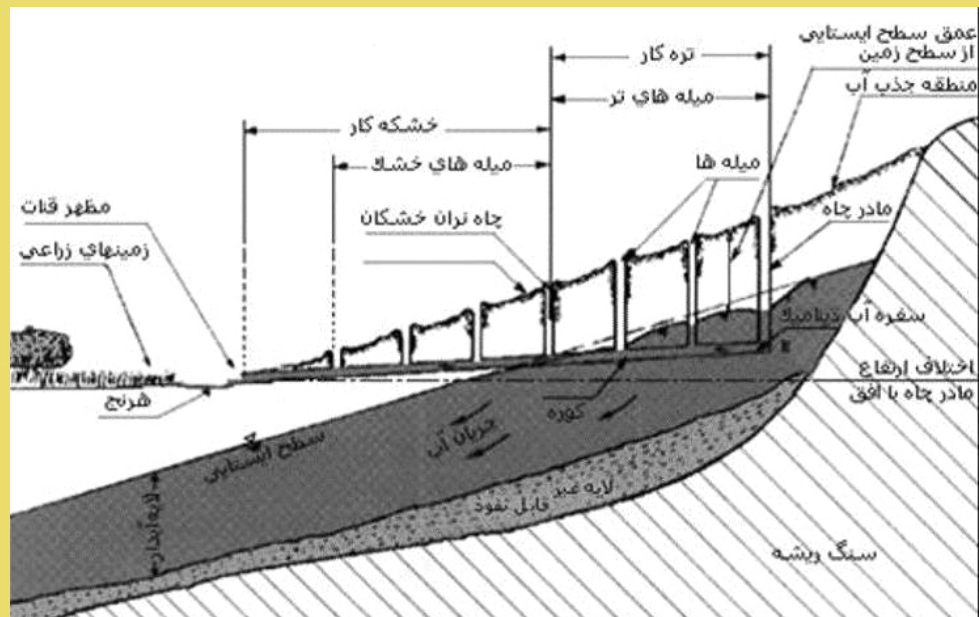
راهنمای نقشه :

- ۱- سر به طاق سیاهپوشان (سهرابی)
- ۲- سر به طاق غریبونها (غریبوندون)
- ۳- سر به طاق آقامهدی (در محله حیدرخانه)
- ۴- سر به طاق کلگزون
- ۵- سر به طاق فارغ
- ۶- سر به طاق مرشدبکون
- ۷- سر به طاق زنانه (زنون)
- ۸- سر به طاق چولبون
- ۹- سر به طاق حاج خسرو خان
- ۱۰- سر به طاق چیتا آقامیر
- ۱۱- سر به طاق ملا حسن
- ۱۲- سر به طاق شیخ (درب شمالی مسجد عاملی)
- ۱۳- سر به طاق چومابتون
- ۱۴- سر به طاق بوالملا
- ۱۵- سر به طاق قمش سرکنده

<<<<

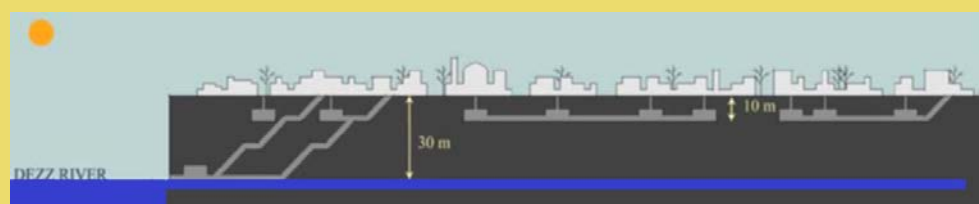
تصویر ۱۳: پراکندگی قمشهای دزفول
منبع: نگارشی بر قمشهای شهر دزفول.
امیرنوری سقایی، مجموعه مقالات همایش
ملی باستانشناسی و معماری سازههای آبی
دزفول ۱۰ و ۱۱ بهمن ۱۳۹۰

همچنین پطروشفسکی نیز مطالعاتی در مورد آبرسانی رودهای دز و کارون داشته است (پطروشفسکی ۱۳۴۶). در سال‌های اخیر نیز چندین مقاله در مورد قمش‌های دزفول در همایش‌های مختلف ارائه شده (عطاروشن و سلطانعلی ۱۳۹۰؛ نیروبخش ۱۳۹۰؛ اسلامی و سرافراز ۱۳۸۴؛ عزیززاده و حکمت ۱۳۹۲؛ مطیع و همکاران ۱۳۹۶؛ آزاد و همکاران ۱۳۹۸؛ پرتوی دیلمی و مرتضوی ۱۳۹۰؛ نوری سقایی ۱۳۹۰؛ پور موسوی ۱۳۹۱؛ آقاییان و عسکری ۱۳۹۴؛ اسلامی و رکنی ۱۳۷۹) اما مطالعات دقیق و میدانی و آزمایشات سالیابی برای تعیین قدمت دقیق آنها تا کنون انجام نشده است. از سال ۱۳۹۴ تا کنون احیا و لایروبی یکی از قمش‌های بزرگ دزفول به صورت خصوصی و زیر نظر میراث فرهنگی انجام پذیرفته است. طبق بازدید نگارنده تا کنون دسترسی به چهار عدد از سربطاق‌ها میسر شده، اما تخلیه کامل برای دسترسی به همه سربطاق‌ها همچنان ادامه دارد. سید محمد علی امام در کتاب تاریخ جغرافیای دزفول سربطاق‌های شمال به جنوب دزفول را ۱۵ عدد نام می‌برد (تصویر ۱۳).



تفاوت‌های قمش با قنات:

۱. سرچشمه در قنات به صورت مادرچاه و عمودی است، اما سرچشمه در قمش‌ها افقی است.
۲. منبع آب قنات از آب‌های زیرزمینی بوده در حالی که منبع آب قمش‌ها از رودخانه‌ها است.
۳. در اسم اجزا نیز تفاوت وجود دارد بطوری که در گویش محلی دزفول به قنات (قَمْش) مادرچاه (دَرِدونه) و به میل چاه (دَرِیزه) و به پایاب (سَرِبَاق) گفته می‌شود.
۴. قمش‌ها فاقد قسمت‌های تره کار و خشکه کار هستند (تصویر ۱۵ و ۱۴).



>>>>>
تصویر ۱۴ یک برش از قنات و بخش‌های مختلف آن
منبع: بررسی فناوری ساخت و اجرای قنات، نمونه موردی قنات‌های رودخانه‌ای دزفول، مرتضی پرتوی دیلمی و سارا مرتضوی ۱۳۹۰

>>>>>
تصویر ۱۵: پلانی از نحوه ورود آب رودخانه به قمش‌های دزفول و ارتفاع رودخانه نسبت به منازل شهری و دسترسی منازل به آب قمش‌ها از طریق سربطاق‌ها



<<<<

تصویر ۱۶ کت‌های حاشیه رود دز
منبع: نگارنده زمستان ۱۴۰۰



<<<<

تصویر ۱۷ شوادون خانه قدیمی صنیعی
منبع: نگارنده زمستان ۱۴۰۰

منبع

آقایان، حجت‌الله و معصومه عسکری (۱۳۹۴). «سفته، گونه‌ای از آب‌برهای دست‌کند در شوشتر»، اثر، شماره ۷۰: ۸۲-۷۳.

اسلامی، منصوره و سرافراز، عبدالنبی (۱۳۸۴). «شیوه‌های حفاظت و نگهداری قنات‌های رودخانه‌ای خوزستان (دزفول و بهبهان)»، کنفرانس بین‌المللی قنات، کرمان.

اسلامی، منصوره و رکنی، نوشاد (۱۳۷۹). «سیستم بهره‌برداری از قنات‌های رودخانه‌ای دزفول «همایش ملی قنات، گناباد».

آزاد، میترا؛ کامرانی‌فر، میترا و خدابنده‌لو، شیما (۱۳۹۸). «گردشگری پایدار با محوریت باززنده‌سازی سازه‌های دست‌کند دزفول»، فصلنامه علمی تخصصی پژوهش‌های گردشگری و توسعه پایدار، سال دوم، شماره ۲ (پیاپی ۶).

بهنیا، عبدالکریم، (۱۳۷۰). «قنات استان خوزستان»، انتشارات جهاد دانشگاهی شهید چمران.

پور موسوی، سید نادر (۱۳۹۱). گزارش تخریب کانال‌های آب بر رودخانه دز.

پرتوی دیلمی، مرتضی، مرتضوی سارا (۱۳۹۰). بررسی فناوری ساخت و اجرای قنات، نمونه موردی قنات‌های رودخانه‌ای دزفول، همایش ملی باستان‌شناسی و معماری سازه‌های آبی دزفول.

پطروشفسکی (۱۳۴۶). کشاورزی و مناسبات ارضی ایران عهد مغول، ترجمه کریم کشاورز.

حامدی‌نیا، مهدی (۱۳۹۳). معماری دزفول باستان، انتشارات دارالمومنین.

ساراعطاروشن واکرم سلطانعلی (۱۳۹۰). شناخت ساختار کالبدی سازه‌های آبی دزفول
عزیززاده، رضا و حکمت، فاطمه (۱۳۹۲). بررسی رابطه شهرسازی با سیستم‌های سنتی هدایت آب، نمونه موردی دزفول
مستوفی حمدالله (۱۳۶۶). نزهه القلوب، ترجمه محمد دبیرسیاقی، انتشارات طهوری، تهران.
مطیع، سمیرا و افشار، حمید و رضایی، مسلم (۱۳۹۶). بررسی ساختار و کارکرد سازه‌های آبی شهرستان دزفول
نوری سقایی، امیر، (۱۳۹۰). نگرشی بر قمش‌های شهر دزفول، مجموعه مقالات همایش ملی باستان‌شناسی و معماری
سازه‌های آبی دزفول
نگین نیروبخش (۱۳۹۰). دزفول مهد معماری ساسانیان.

D. L. GRAADT VAN Roggen (1905). Notice sur les anciens travaux hydrauliques EN SUSIANE

Abstract

Qomesh, a Water Management Masterpiece in Iran's Southwest; case studies in Dezful and Shushtar

>>>>>

Behrooz Eskandari, BSc in Archeology

Qomesh (in the Dezfuli dialect and Softeh in the Shushtari dialect) is an underground canal that runs beneath the city and connects to a river on one side and leads to farms and gardens on the other. The main parts of the qomesh include Dordoneh, Sarbetaq, and Darizeh. Dardoneh is a river-connected entrance that allows river water to reach the main canal of the qomesh through it. Sarbetaq is built to access the water of qomeshes which pass under residential areas. To reach the water that flows from the river through the canal, qomesh builders construct a steep, wide, stepped, and covered building. Darizeh is a well-like vent that provides ventilation and light for qomeshes and sarbetaqs. Residents of the city could also occasionally access water through these vents.

Keywords: Qomesh, water, Iran



قلعه هشتادان. کرمان >>
عکس از: امین کیوانلو



«چاه دژشاپور خواست، نمونه‌ای از معماری دست کند عمودی»

چکیده

به گواه یافته‌های باستان‌شناسی بیش از ۴۰ هزار سال است که سکونت در دره خرم‌آباد به صورت مستمر جریان دارد. دره‌ای پر آب با هوایی معتدل، آرمیده بر دامنه کوه‌های سفید کوه، مَدبه کوه و مخملکوه که در زمره آبخوان‌های کارستی بزرگ در لرستان به شمار می‌آیند. رودخانه خرم‌آباد تمام طول دره را با جهت شمالی-جنوبی طی می‌کند و اصلی‌ترین منبع تأمین آب ساکنان این دره کهن در طول تاریخ بوده است. در کم‌عرض‌ترین قسمت دره خرم‌آباد، یک بُرون‌زد صخره‌ای به ارتفاع حدود ۴۰ متر رُخ‌نمون دارد که قلعه‌ای با شکوه و با هیبت بر چکاد آن خودنمایی می‌کند. این قلعه یکی از یادگارهای دوره ساسانیان است که درون آن چاهی عمیق با هدف تأمین آب شرب حفر شده است. این چاه به صورت دست‌کند در دل صخره‌های سخت و کارستی به صورت عمودی ایجاد شده و از طریق سیستم درز و شکاف و ریزش‌های جوی تغذیه می‌شود. عمق این چاه حدود ۴۲ متر است و جداره‌سازی آن به ترتیب از سه بخش، آجرچین، سنگ‌چین و دست‌کند تشکیل شده است. از دیرباز افسانه‌ها و روایات متعددی در باره این چاه، میان مردم شهر خرم‌آباد جریان داشت تا اینکه با شروع مرمت‌های قلعه فلك الافلاك و بازگشایی دهانه چاه به منظور لایروبی، انبوهی از تفنگ‌های پوسیده در داخل چاه که حاصل خلع سلاح عشایر لرستان در عصر پهلوی اول بودند، نمایان شد. این چاه دست‌کند هم‌اکنون به عنوان یکی از عناصر معماری در حیاط اول قلعه فلك الافلاك و کنار موزه باستان‌شناسی، در معرض بازدید گردشگران قرار دارد.



تهیه و تنظیم: عطا حسن پور
دکتری باستان‌شناسی،
کارشناس ارشد میراث
فرهنگی، گردشگری و
صنایع دستی استان لرستان

[atahasanpur@
gmail.com](mailto:atahasanpur@gmail.com)

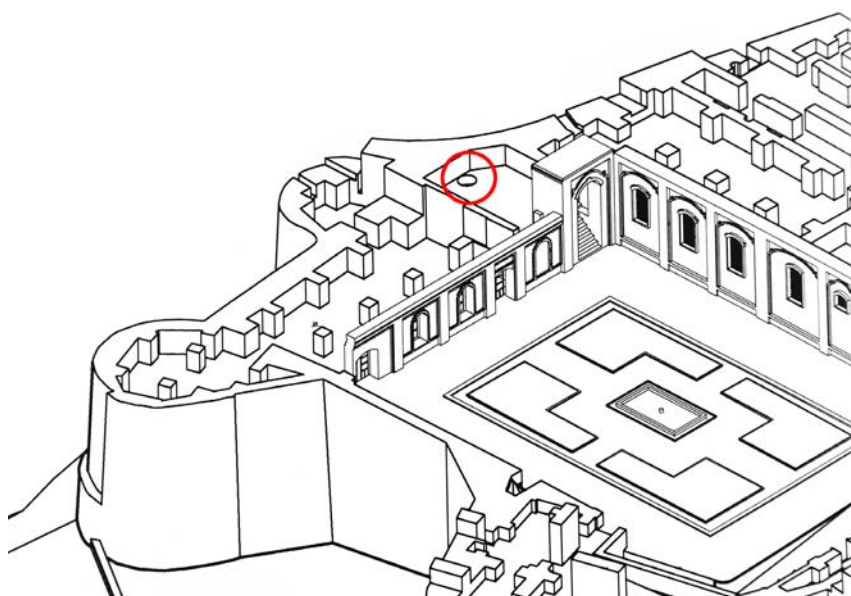
موقعیت دژ شاپورخواست (قلعه فلک الافلاک) و چاه دست‌کند:

دژ شاپورخواست یا قلعه فلک الافلاک، سترگ و با صلابت، بر بلندای تپه‌ای باستانی و در مرکز دره خرم آباد از هر طرف خودنمایی می‌کند (تصویر ۱). این بنای آجری با هشت برج حجیم و مساحت ۵۳۰۰ مترمربع از دوره ساسانی تاکنون به حیات فرهنگی خود ادامه می‌دهد. در قرن چهارم ه. ق. به عنوان مقر حکومت و نگهداری خزائن حکومتی خاندان حسنویه مورد استفاده قرار گرفت. از قرن ششم هجری پس از ساخته شدن شهر جدید خرم آباد این قلعه نیز بنام خرم آباد معروف شد. احتمالاً نام فلک الافلاک در دوره قاجار بر آن اطلاق شده است. از بدو شکل‌گیری این بنای عظیم و دیدنی تا به حال دارای کاربری‌های سیاسی، نظامی، خزانه سلطنتی، مقر حکومتی، پادگان نظامی و زندان سیاسی داشته است. در سال ۱۳۴۸ به شماره ۸۸۳ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید و اکنون محلی برای نمایش دو موزه باستانشناسی و مردم‌شناسی است (سجادی و فرزین ۱۳۸۲: ۱۸). از نکات قابل تأمل در این بنای سترگ، باید به وجود چاهی به عمق ۴۲ متر در حیاط اول آن اشاره نمود که در تمام ادوار تاریخی اصلی‌ترین منبع تأمین آب ساکنان آن به شمار می‌رفته است. محل قرارگیری چاه در محدوده برج شمال شرقی قلعه (برج شماره ۷) و قسمت شمال پاگرد منتهی به پشت بام قرار گرفته است (نقشه شماره ۱). این چاه در موقعیت طول جغرافیایی ۴۸ درجه و ۲۱،۹۴ دقیقه و ۱۱ ثانیه و عرض جغرافیایی ۳۳ درجه و ۲۹ دقیقه و ۰۲ ثانیه قرار دارد. چاه دژ شاپورخواست از جمله معدود چاه‌های تأمین آب شرب می‌باشد که به صورت دست‌کند در دل صخره‌های آهکی کنده شده است. نمونه‌های مشابه آن، در قلعه‌های تاریخی اسپین‌دژ در نورآباد ممسنی و قلعه ضحاک هشت‌رود در آذربایجان (صمدی و دیگران ۱۳۹۴: ۴۹۱) و همچنین دژ الموت قزوین وجود دارد. این چاه در طول حیات فرهنگی قلعه آب مورد نیاز ساکنان آن را تأمین می‌نموده و اکنون به عنوان یکی از جاذبه‌های جانبی قلعه، در معرض بازدید علاقمندان و گردشگران قرار دارد. به منظور حفاظت و جلوگیری از سقوط گردشگران و وسایل همراه آنها، هم‌اکنون سطح چاه را با درپوشی از میله‌های فلزی و توری مشبک پوشیده‌اند (تصویر ۲).



>>

تصویر ۱: موقعیت چاه در قلعه و سراب گلستان عکس
ع.حسن‌پور



<<<

نقشه شماره ۱: موقعیت چاه در برج
شمالی (سجادی و فرزین ۱۳۸۳: ۵۹)



<<<<

تصویر ۲ (راست): دهانه چاه در کنار دیوار برج شمالی قلعه، عکس ع.حسن پور

<<<<

تصویر ۳ (چپ): بخش ابتدایی و آجر چین چاه، عکس ع.حسن پور

پیشینه پژوهشی:

عموماً بیشتر سیاحان و مورخانی که در منابع و آثار خود از دژ شاپورخواست یا قلعه فلك الافلاك نامی به میان آورده‌اند، از چاه دست‌کند قلعه نیز به عنوان یکی از شگفتیهای معماری دژ شاپورخواست یاد کرده‌اند.

حسنعلی افشار درباره آن می‌نویسد: «چون که سنگ میان واقع است، را آب ندارد، لکن سنگ را تراشیده و به قدر سی زرع پائین برده، چاه درست نموده که با گاو [آب را بالا] کشیده». (افشار ۱۳۸۲: ۱۴۳) در جغرافیای لرستان آمده است: «در میان قلعه در زمان قدیم چاهی که دهنه آن سه زرع است کمر را تراشیده و سنگ را بریده به آب رسانیده‌اند و از سرابی که مابین تپه است، به دلو آب می‌کشند و از برای مصارف سکنه قلعه و باغچه و حمام مخارج زیادی به این چاه شد». (ساکی ۱۳۴۳: ۲۷) نجم‌الملک عمق آن را یکصد زرع برآورد می‌کند (نجم‌الملک ۱۳۴۳: ۱۸) و معین‌السلطنه از عدم امکان قطع آب آن سخن می‌گوید. (چاغروند ۱۳۷۶: ۱۷۶) پژوهشگران معاصر از جمله (سجادی و فرزین ۱۳۸۳) و (دالوند ۱۳۸۸) به توصیفات مختصری درباره‌ی چاه پرداخته‌اند.

افسانه‌های چاه:

سال‌هاست که افسانه‌ها و تخیلاتی در رابطه با چاه قلعه در بین مردمان شهر جریان داشته و دارد، عده‌ای آن را محل اختفای اجنه می‌پنداشتند، برخی بیماران از چاه شفا می‌خواستند، دختران دم‌بخت، نامه‌هایی را درون چاه می‌انداختند یا در جرز آجرهای لبه چاه می‌گذاشتند، عده‌ای نیز بر این گمانند که این چاه، به مناره آجری خرم‌آباد (بنایی از قرن ۵ هـ.ق) یا حمام گپ (بنایی از عهد صفوی) ارتباط دارد، اما در اواسط دهه ۶۰ شمسی در جریان تبدیل بخشی از فضاهای قلعه به موزه، یکی از همکاران میراث فرهنگی لرستان به نام سیدعلی حمیدی، با هدف تامین آب شرب قلعه، درصدد لایروبی چاه برمی‌آید. با گشایش دهانه چاه، انبوهی از تفنگ‌های تلنبار شده بر روی هم آشکار می‌شود که بر اثر رطوبت چاه، چوب آنها پوسیده شده و فقط فلز زنگ زده آنها قابل شناسایی است. بعد از تحقیق و تفحص از آگاهان و کهنسالان شهر، مشخص می‌شود این تفنگها مربوط به دوره پهلوی اول و حاصل خلع سلاح عمومی عشایر لرستان است که توسط سرلشکر خزائی، سپهبد امیر احمدی و سپهبد رزم‌آرا ضبط شده و درون این چاه پنهان کرده بودند (گفتگوی خصوصی با سید علی حمیدی و علیرضا فرزین، بهار ۱۳۹۶). در بهار سال ۱۳۹۷ نگارنده به همراه رضا میرزایی زمین‌شناس و هیدرولوژیست، با فرود به عمق چاه، برای نخستین بار آن را مورد مطالعه چندجانبه قرار دادیم. در این پروژه فاطمه دلفان، مهندس معمار کار ترسیم نقشه از زوایای مختلف چاه را به عهده داشت و داریوش ابدالیان به عنوان صخره‌نورد عملیات حمایت فنی کارشناسان را برای فرود و صعود به چاه هدایت می‌کرد.

بستر زمین شناسی چاه

این اثر تاریخی از نوع چاه‌های دهانه گشاد و دست‌کند بوده که به وسیله مقنی و با استفاده از ابزار آلات دستی در سازند سخت کربناته سروک به‌طور قائم حفر گردیده است. محل حفر چاه از نظر زمین‌شناسی ساختمانی در زون زاگرس چین خورده و از نظر چینه‌شناسی در سازند سروک با لیتولوژی آهک‌های مارنی-رسمی تیره رنگ درز و شکاف‌دار به سن کرتاسه پائین قرار دارد. این چاه در محدوده آبخوان سفید کوه قرار گرفته است که یک آبخوان کارستی توسعه یافته با حوضه آبریز نسبتاً وسیع می‌باشد و سالانه حدود یکصد میلیون متر مکعب به‌طور طبیعی از طریق چشمه‌ها و سراب‌های متعدد تخلیه دارد (حسن‌پور و میرزایی ۱۳۹۸: ۱۸۸).

منابع آب:

منشاء آب چاه قلعہ فلک الافلاک ریزش‌های جوی است که بصورت برف و باران در سیستم‌های درز و شکاف، فروچاله‌ها و سایر اشکال کارستی به درون آهک‌ها نفوذ کرده و سپس از طریق مجاری کارستی به صورت جریان‌های زیر سطحی وارد چاه می‌شوند. این جریان زیر سطحی در دامنه قلعہ و درون باغی زیبا به نام گلستان به صورت یک سراب بزرگ و دائمی با میانگین آبدهی ۵۳۱ لیتر در ثانیه در جریان است (همان ۱۴). در دوره قاجار حوضی زیبا بر گرداگرد این چشمه ایجاد کرده‌اند و دیوان‌خانه‌خاندان قاجار و پهلوی نیز در کنار این سراب و در میان باغ گلستان شکل گرفته بود. این باغ اکنون ورودی دژ شاپور خواست و محلی برای تفرج گردشگران است.

آزمایش آب چاه

نتایج آزمایش آب چاه: نتایج به‌دست آمده از آزمایش آب این چاه نشان می‌دهد، آب در کف چاه هنوز هم جریان دارد و کاملاً قابل شرب می‌باشد. میزان هدایت الکتریکی یا EC آن ۵۴۹ میکروزیمنس بر سانتیمتر، میزان سختی آب ۲۲۰ PPM، مقدار باقیمانده تبخیر T.D.S برابر با ۳۵۱ میلی گرم بر لیتر، قلیائیت ۴ میلی اکسی والان گرم بر لیتر، میزان PH ۷/۷۲ و میزان کلر موجود در آن ۱/۱ میلی اکسی والان در لیتر است (حسن‌پور و میرزایی ۱۳۹۸: ۱۸۹).

ساختار چاه

کشیدگی سطح مقطع مستطیلی چاه در راستای شرقی-غربی با کنج‌های قائم و متعامد است (تصویر ۲ و نقشه شماره ۲). در بین مقنیان و چاه‌کنان کشور به چاه‌هایی که دهانه چهار گوش و میله‌ای مکعبی دارند کرمانی‌کند و به چاه‌هایی که سطح مقطع گرد و میله حلقوی دارند یزدی‌کند می‌گویند (صفی‌نژاد ۱۳۹۶: ۵۳). ابعاد سطح مقطع دهانه ورودی چاه که آجرچین شده ۱۹۲ × ۱۲۵ سانتیمتر است. هرچه از دهانه چاه به انتهای چاه نزدیک می‌شویم سطح مقطع چاه کوچک‌تر می‌شود و به‌دلیل تغییر مصالح از آجرهای منظم به سنگ‌های لاشه و بی‌قواره، کنج‌های قائم و عمود بر هم تبدیل به کنج‌های کرو (منحنی) می‌شوند. در تمام اضلاع، این تغییر مصالح در یک تراز صورت نگرفته است، به عنوان مثال در ضلع شمال، محدوده آجری تا عمق ۲۸۳ سانتی‌متر، ضلع غربی تا عمق ۲۲۴ cm، ضلع شرقی تا عمق ۳۵۰ cm و ضلع جنوبی تا عمق ۴۷۹ cm نسبت به سطح مقطع چاه می‌باشد. لازم به ذکر است ابعاد آجرهای این قسمت ۲۵×۲۵×۶ سانتی‌متر است (تصاویر ۳ و ۴ و نقشه شماره ۳).



>>>>>

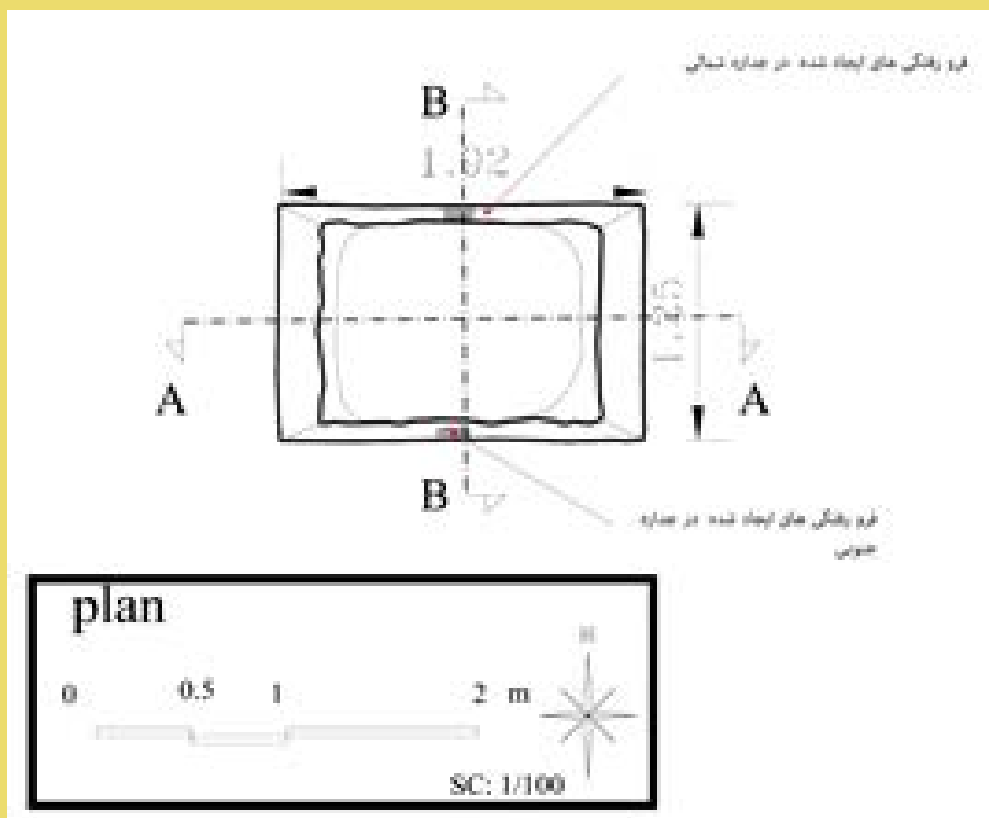
تصویر ۴: جداره داخلی، محل حفره‌های دست‌کند و درز و شکاف تغذیه‌کننده آب چاه

بخش سنگ چین چاه نیز همچون بخش آجرچین، در هر چهار وجه جداره چاه، شروع یکسانی ندارد. سنگ چین در جداره شمالی، از عمق ۲۸۳ cm نسبت به دهانه چاه، آغاز می شود (تصویر ۶ و نقشه شماره ۴). در ضلع غربی نیز شروع سنگ چین از عمق ۳۱۴ cm، ضلع شرقی از عمق ۳۵۰ cm و ضلع جنوبی از عمق ۴۷۹ سانتیمتری نسبت به سطح مقطع چاه می باشد. ابعاد سطح مقطع چاه نیز در قسمت سنگ چین تغییر می کند. عرض دهانه در ابتدای این قسمت ۱۲۹ cm و طول دهانه ۱۷۱ cm است.

بخش دست کند چاه بلافاصله پس از قسمت سنگ چین آغاز می شود. سطح مقطع چاه با شروع بخش دست کند کوچکتر و ابعاد آن به ۱۰۷×۱۶۹ مترمربع تقلیل می یابد (تصویر ۴ و نقشه شماره ۳). در اضلاع غربی و جنوبی بخش دست کند از ارتفاع ۸۸۸ cm و در اضلاع شرقی و شمالی از ارتفاع ۱۰ متر و ۲۵ cm شروع می شود و تا کف چاه ادامه می یابد. در عمق ۲۷ متری چاه و در میانه بخش دست کند شکاف عمیقی در جداره چاه وجود دارد (تصویر ۹) که سیستم تغذیه آب چاه نیز از طریق همین قسمت است (حسن پور و میرزایی ۱۳۸۹: ۱۸۹).

همان طور که اشاره شد جداره چاه در تمامی وجوه و اضلاع از سه مدل مصالح مختلف تشکیل شده است. دهانه ورودی چاه آجر چین، بخش میانی سنگ چین و قسمت تحتانی آن که بیشترین عمق را نسبت به سایر بخش ها دارد به صورت صخره کند یا دست کند می باشد. در هر کدام از جداره های ضلع شمالی و جنوبی این چاه، تعدادی فرورفتگی یا حفره مکعبی شکل ایجاد شده است که به منظور قرار گیری دستک های چوبی یا داربست هنگام حفر چاه، یا پلکانی برای ورود و خروج به درون چاه کنده شده اند (تصویر ۴ و نقشه شماره ۳). تعداد حفره ها در جداره جنوبی بخش آجر چین ۸ حفره، در بخش سنگ چین ۹ عدد و در بخش دست کند آن ۵۸ حفره می باشد که در مجموع ۷۵ حفره مکعبی در یک ضلع با فاصله تقریبی ۳۵ سانتی متر و در هر دو ضلع ۱۵۰ حفره وجود دارد. البته این تعداد مربوط به مشاهدات ما تا سطح آب چاه در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۷ بود که قابل رویت بودند. حال اگر در زیر آب حفره های دست کند دیگری وجود داشته باشد، برای ما قابل رویت نبود (دلفان و حسن پور ۲۰۷: ۱۳۹۷).

عمق چاه معادل ۴۰ متر و ۶۰ سانتی متر، ابعاد دهانه ۱۲۵×۱۹۲ سانتی متر و ابعاد چاه در قسمت انتهایی و دست کند چاه ۱۰۸×۱۲۷ سانتی متر و در سطح برخورد با آب برابر ۳۸ متر و ۲۰ سانتی متر است. عمق آب موجود در کف چاه (در اردیبهشت ۱۳۹۷) که با استفاده از دستگاه عمق یاب اندازه گیری شد، ۲ متر ۴۰ سانتی متر می باشد. البته ابعاد قید شده منوط بر عدم انباشت رسوبات و گل و لای در کف چاه می باشد (تصویر ۴). منشاء آب چاه قله فلك الافلاك ریزش های جوی است که به صورت برف و باران در سیستم های درز و شکاف، فروچاله ها و سایر اشکال کارستی به درون آهک ها نفوذ کرده و سپس از طریق مجاری کارستی به صورت جریان های زیر سطحی وارد چاه می شوند (تصویر ۴).

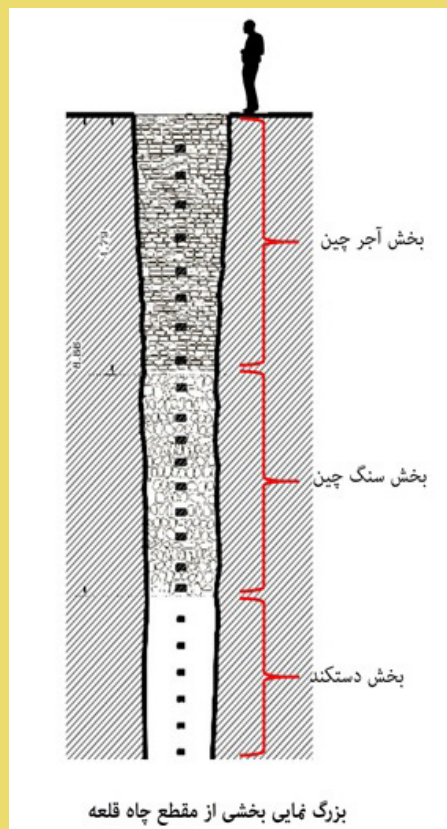
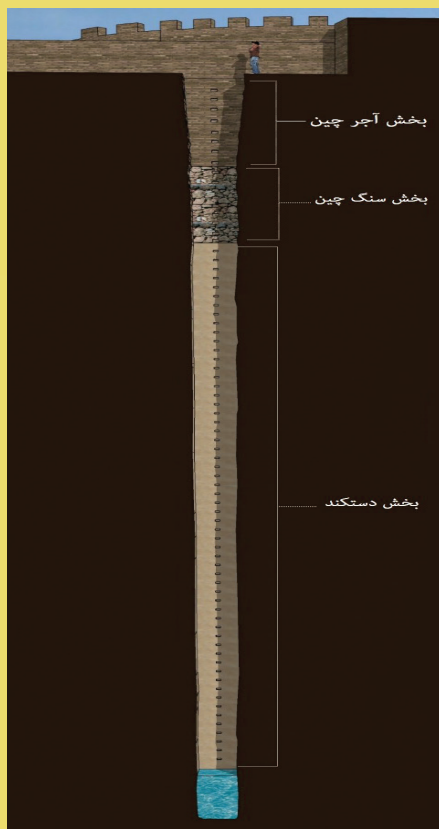


<<<<

نقشه شماره ۲: پلان سطح مقطع چاه

>>>>>

نقشه شماره ۳: برش و
پرسپکتیو از دیواره چاه



بزرگ نمایی بخشی از مقطع چاه قلعه

گاهنگاری و کاربری:

با توجه به تاریخ ساخت قلعه فلك الافلاك یعنی دوره ساسانی احتمال دارد این چاه نیز هم‌زمان با قلعه و در دوره ساسانی احداث شده باشد اما بررسی سفالینه‌های به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی تپه باستانی فلك الافلاك نشان از سکونت دیرپای انسان در هزاره دوم قبل از میلاد در این مکان دارد (موسوی حاجی و دیگران ۱۳۹۳: ۸۳؛ فرزین و پرویز ۱۳۹۰: ۱۱). بنابراین احتمال می‌رود چاه قلعه قبل از دوره ساسانی نیز در همین مکان وجود داشته است. این فرضیه را کشف يك قطعه سفال مربوط به دوره اشکانی در مقطع دیوار شمالی و بخش آجرچین چاه، در حین مستندسازی توسط نگارنده، اندکی تقویت می‌کند. کاربری این چاه در این قلعه به منظور پاسخگویی به اصلی‌ترین نیاز ساکنان آن یعنی آب بوده است. همانگونه که در بالا اشاره شد، در دامنه قلعه سراب پراپی به نام گلستان وجود دارد اما دسترسی به این سراب در مواقع حساس یا محاصره قلعه برای محافظان قلعه و ساکنان آن امکان‌پذیر نبوده و به احتمال زیاد ساکنان قلعه یا تپه باستانی با علم به این موضوع، چاهی را در راستای عمود بر سراب گلستان در دل صخره‌های آهکی و سخت تپه حفر نموده‌اند تا به رگه آب سراب گلستان دست یابند، اما درز و شکاف‌های صخره‌های موجود در مسیر حفر چاه، آنها را به هدفشان رسانیده است. برخی از مورخان و سیاحان دوره قاجار به وجود حمامهایی در داخل قلعه اشاره کرده‌اند (چاغروند ۱۳۷۶: ۲۸ و ادموندز ۱۳۶۲). شواهدی از تزئینات آهک‌بری و تنبوشه‌های سفالی بر روی یکی از دیوارهای حیاط اول قلعه فلك الافلاك وجود دارد که احتمال دارد مربوط به حمامی از دوره‌های گذشته باشد که آب آن از طریق چاه قلعه تامین و به وسیله تنبوشه‌های سفالی به حمام منتقل می‌شده است. البته اثبات یار این فرضیه در گرو انجام کاوش‌های باستان‌شناسی هدفمند است. آب سراب گلستان در حال حاضر یکی از مهم‌ترین منابع تامین آب شهر خرم‌آباد است. آب چاه قلعه تا اواخر دهه ۷۰، نیاز پرسنل اداره میراث فرهنگی حاضر در قلعه را از طریق پمپاژ تامین می‌کرد. لوله پمپاژ آب هنوز هم به عنوان ابزاری مدرن برای بهره‌برداری آب از يك منبع سنتی، در میانه چاه خودنمایی می‌کند.

پی‌نوشت:

۱- این آزمایش به همت دکتر شیدا برمه‌زیار در آزمایشگاه شرکت آب منطقه‌ای لرستان انجام گرفت.

منابع:

- افشار، حسنعلی‌خان ۱۳۸۲ «یادداشت‌های سفرنامه لرستان و خوزستان»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- ادموندز، جان سیسیل ۱۳۶۲ «یادداشت‌هایی درباره لرستان» در دو سفرنامه درباره لرستان، ترجمه لیلی بختیار و سکندر امان‌الهی بهاروند، نشر بابک، تهران
- حسن‌پور، عطا و رضا میرزایی ۱۳۹۸ «گنجینه آب لرستان»، نشر هم‌پا، تهران
- چاغروند خرم‌آبادی، میرزا رحیم معین‌السلطنه ۱۳۷۶ «جغرافیای لرستان»، به کوشش ایرج افشار و احمد شعبانی، مجله شقایق، سال اول، شماره ۳ و ۴، پائیز و زمستان. صص ۱۵-۵ خرم‌آباد
- دالوند، حمیدرضا ۱۳۸۸ «تاریخ و معماری دژ شاپورخواست (قلعه فلك الافلاك)»، ناشر پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور، تهران.
- دلفان، فاطمه و عطا حسن‌پور ۱۳۹۷ «گزارش مستندنگاری آثار معماری دست‌کند لرستان»، زیر نظر دکتر مهناز اشرفی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده ابنیه و بافت‌های تاریخی-فرهنگی، منتشر نشده، تهران.
- راولینسون، سر هنری ۱۳۶۲ «سفرنامه راولینسون»، (گذر از زهاب به خوزستان)، ترجمه سکندر امان‌الهی بهاروند، چاپ اول، انتشارات آگاه تهران.
- ساکي، علی محمد ۱۳۴۳ «جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان»، کتاب‌فروشی محمدی، چاپ اول، خرم‌آباد.
- سجادی، علی و علیرضا فرزین ۱۳۸۳ «قلعه فلك الافلاك (دژ شاپورخواست)»، ناشر میراث فرهنگی لرستان، خرم‌آباد.
- صفی‌نژاد، جواد ۱۳۹۶ «کارباز در ایران و شیوه‌های سنتی بهره‌برداری از آن»، انتشارات پویه مهر اشراق، تهران
- صمدی، امید و محسن قاسمی و زهرا عارفی ۱۳۹۴ «بررسی آثار دست‌کند مجموعه دژ اسپید نورآباد ممسنی»، مجموعه مقالات اولین همایش معماری دست‌کند، کرمان ۱۳۹۱، انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، صص ۴۹۴-۴۸۴، تهران.
- فرزین، علیرضا و احمد پرویز ۱۳۹۰ «خرم‌آباد» ناشر: علیرضا فرزین، چاپ اول، تهران.
- موسوی حاجی، سید رسول، محمد بهرامی و علی سجادی ۱۳۹۳ «شواهدی از وجود دژی مربوط به ایالت الیپی در لایه‌های زیرین قلعه فلك الافلاك خرم‌آباد، لرستان»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دانشگاه بوعلی سینا، شماره ۷، دوره چهارم، پائیز و زمستان، صص ۹۴-۸۱، همدان.
- نجم‌الملک، حاج میرزا عبدالغفار ۱۳۴۱ «سفرنامه خوزستان»، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران
- هرینگ، ارنی ۱۳۷۶ «سفال ایران در دوره اشکانی»، ترجمه حمیده چوبک، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.

Abstract

Shapurkhast Fort Well, an Example of Vertical Troglodytic Architecture

Ata Hasanpur

Ph.D. in Archaeology, An Expert in Cultural Heritage, Tourism, and Handicrafts of Lorestan province

According to archeological evidence, the Khorramabad Valley has been inhabited continuously for more than 40,000 years. At the foot of the Sefidkooh, Modbehkooh, and Makhmalkooh mountains, which are among Lorestan's large karst aquifers, are valleys with a mild temperature. The Khorramabad River runs the entire length of the valley in a north-south direction and has been the main source of water supply for the inhabitants of this ancient valley throughout history. There is a rocky outcrop with a height of about 40 meters in the lowest part of the Khorramabad valley, which is a spectacular castle at its height. This castle is one of the Sasanian period's monuments, featuring a deep well dug for the purpose of supplying drinking water. This well, which is fed by a series of cracks, gaps, and atmospheric falls, is troglodytically built vertically inside hard and karstic rocks. This well has a depth of about 42 meters, and its wall is made up of three sections: bricklayer, stonelayer, and troglodytic. For a long time, the people of Khorramabad had many myths and legends about this well, until the beginning of the restoration of Falak ol-Aflak castle and the reopening of the well for dredging, when a large number of rotten guns from the time when Lorestan nomads were disarmed during the first Pahlavi dynasty were found inside the well. This troglodytic well is currently visited by tourists as one of the architectural elements in the first courtyard of the Castle of the Falak ol-Aflak and next to the Archaeological Museum.

Keywords: Shapurkhast well, Lorestan, Falak ol-Aflak castle



کتهای دزفول >>
عکس از: امین کیوانلو

پراکنش میراث معماری دست‌کند ایران
 بر اساس جنس بستر زمین‌ساختی

نقشه‌های نقشه

- نقشه‌های کوآرتز
- سنگهای رسوبی
- سنگهای رسوبی-آتشفشانی
- سنگهای دگرگونی
- سنگهای آتفرین
- سنگهای آتفرینی

آثار معماری دست‌کند

- مرز بین المللی
- مرکز استان
- مرکز شهرستان
- شهر

در این نقشه پراکندگی سنگهای پوسته ایران زمین در گروه‌های اصلی رسوبی، آتفرینی، دگرگونی و نیز سنگهای آتفرینی، رسوبی، آتشفشانی و پشته‌های رسوبی، سفت‌نشده (مربوط به کوآرتز) بدون در نظر گرفتن سن تشکیل آنها نمایش داده شده است. همانگونه که مشاهده می‌شود گسترش سنگهای رسوبی نسبت



« گزارش بازدید از يك مجموعه دست کند: کلیسای غاری بوداپست »

کلیسای غاری بوداپست درون صخره‌های تپه سنت گلرت^۲ در شهر بوداپست مجارستان واقع شده است. این عبادتگاه نمونه‌ای از معماری دست کند با دیوارهای سنگی ناهموار است. در قرون وسطا، راهب مسیحی گوشه‌نشینی به نام ایوان^۴ در این غار سکونت داشته و از آب چشمه‌های پایین تپه برای شفا دادن استفاده می کرده است. این مکان به نام آن فرد، «سنت ایوان»^۵ نامیده شده بود (Phillips & Scotchmer ۲۰۰۵: ۱۷۷). در نقاشی میهای مایر^۶ در سال ۱۸۶۰ میلادی و عکسی از گورج کلوس^۷ در سال ۱۸۷۴، خانه‌ای در دهانه غار ثبت شده است (تصاویر شماره ۱ و ۲). با توجه به این دو منبع تاریخی از قرن نوزدهم، این خانه کوچک در دهانه غار برای سکونت ساخته شده بوده و دهانه غار با تخته‌های چوب پوشانده شده و از آن به عنوان فضای حیاط استفاده می شده است.



تهیه و تنظیم: الهه گلزاری
دانشجوی دکتری
معماری، دانشگاه فناوری
و اقتصاد بوداپست
golzari1511@yahoo.com



پیترب.آ. استاد یار دانشکده
معماری، دانشگاه فناوری
و اقتصاد بوداپست



<<

تصویر شماره ۱: نقاشی میهای مایر

<https://gallery.hungaricana.hu/hu/BudapestGyujtemeny/1043046/?list=eyJxZWVyeSI6ICJHVVVVKVEVNRU5ZPSHCdWRhcGVzdEd5dWp0ZW1lbnkpIn0&img=0>

در دهه ۱۹۲۰، گروهی از راهبان گوشه نشین مسیحی پائولین^۸ در سفر زیارتی خود به فرانسه و در راه بازگشت به مجارستان، با الهام از زیارتگاهی صخره‌ای در لوردز فرانسه^۹، در این غار کلیسایی برای عبادت تأسیس کردند (Schandl ۱۷۹:۲۰۰۵). اگرچه سازندگان کمبود نقدینگی داشتند، نیروی کار و کمک همیشه در دسترس بود؛ چنانچه هزاران داوطلب در احداث این بنا مشارکت داشتند (اطلاعات گردشگری تابلوی کلیسا، ۲۰۲۱). در ۱۹۲۶، محراب اولیه در فضای غار طبیعی ساخته شد و نیمکت‌هایی برای دعا کردن پیروان مسیحی این فرقه در مقابل دهانه غار در هوای آزاد قرار گرفتند (László ۲۰۱۱) (تصویر شماره ۳).

>>

تصویر شماره ۲: عکس از جورج کلوس
<https://gallery.hungaricana.hu/hu/Fotepan/1109259/?list=eyJxdWVyeSI6ICJTemlrbGF0ZW1wbG9tIn0&img=0>



در ادامه به دلیل حضور جمعیت زیاد عبادت کنندگان، تصمیم به بزرگ‌تر کردن فضای درون غار شد و تونل‌ها و فضاهای درونی کلیسا، که امروز محل محراب و عبادت است، حفر شدند. طراحی این فضا توسط کالمان لوکس^{۱۰} انجام شد (تصویر شماره ۴) و احداث آن توسط کروی و هینگر^{۱۱} به پایان رسید. در سال ۱۹۳۱ با حضور بیش از ۲۰۰۰ مسیحی، شبستان کلیسای فعلی طی یک مراسم تقدیس شد (اطلاعات گردشگری تابلوی کلیسا، ۲۰۲۱). همچنین، در مجاورت فضای کلیسای غاری، صومعه‌ای بین سال‌های ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۴ توسط کروی و هینگر طراحی و ساخته شد (László ۲۰۱۱).

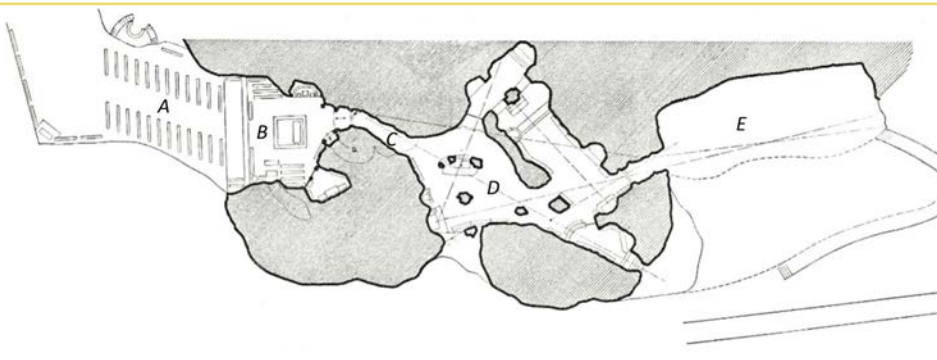
در زمان جنگ جهانی دوم، این بنا به عنوان فضای عبادی راهبان و سرپناهی برای پناهندگان لهستانی کاربری داشت (Walker ۲۰۲۰). پس از تغییرات سیاسی در دهه ۱۹۵۰ و حکومت کمونیست‌ها در مجارستان، عبادت مسیحیان در کلیساها از جمله این کلیسای غاری ممنوع شد و راهبان تحت نظر قرار گرفتند (Guides ۲۰۱۸: ۱۱۰). در اوایل دهه ۱۹۶۰ و رودی غار با دیوار بتونی ضخیم دو متری مسدود شده و این کلیسای غاری رها شد. بعد از فروپاشی پرده آهنین^{۱۲} جمهوری شوروی، دیوار بتنی و رودی عبادتگاه تخریب شد و در سال ۱۹۸۹ کلیسا به عنوان فضای عبادی پیروان راهبان مسیحی پائولین بار دیگر بازگشایی شد (Sziklatemplom n.d).



<<<

تصویر شماره ۳: کارت پستال، ۱۹۳۱

<https://gallery.hungaricana.hu/1868/hu/BudapestGyujtemenylist=eyJxdWVyeSI6ICJTe?/9080=img&mlrbGF0ZW1wbG9tLn0>



<<<

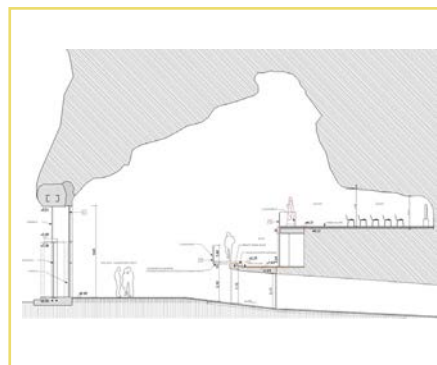
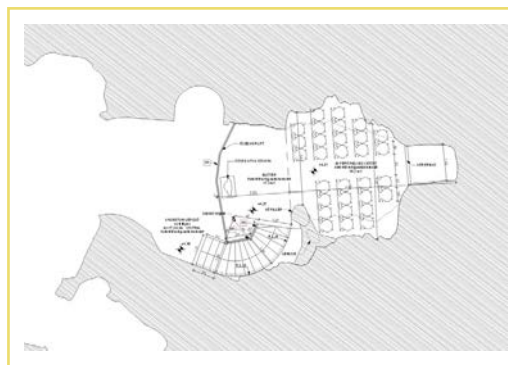
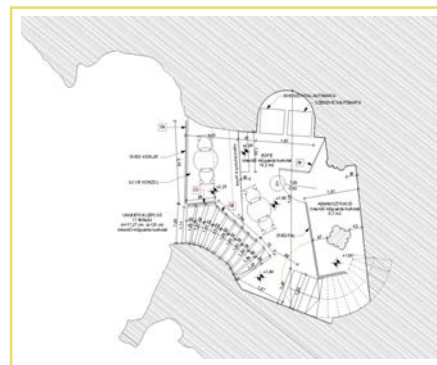
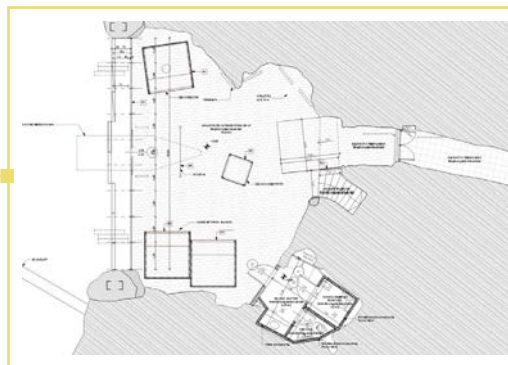
تصویر شماره ۴: نقشه کلیسای غاری،

مقیاس ۱:۱۰۰

[https://gallery.hungaricana.hu/\(PFEIFER GYULA: Nagyasszonyunk szentgyörgyi sziklatemplomának története. Budapest, Pallas nyomda, 3., 1931](https://gallery.hungaricana.hu/(PFEIFER%20GYULA%3A%20Nagyasszonyunk%20szentgy%C3%B6rgyi%20sziklatemplom%C3%A1nak%20t%C3%B6rt%C3%A9nete.%20Budapest%2C%20Pallas%20nyomda%2C%203%2C%201931))

A: محل نیمک‌های دعا مقابل دهانه غار ، B: فضای غاری محل محراب اولیه کلیسا C: راهرو اتصال فضای غاری به قسمت دست کند اضافه شده D: فضای دستکند کلیسا E: محل ساخت صومعه در مجاورت کلیسا

در بهار ۲۰۰۸، گروه راهبان مسیحی پائولین تصمیم گرفت تا يك فضای پذیرش در بیرون غار راه اندازی کند تا از اجرای روان مراسم و خدمات فرهنگی بازدید کنندگان اطمینان حاصل شود (تصاویر شماره ۵، ۶، ۷، ۸). قبل از آن، گردشگرانی که به بازدید بنا می آمدند، مراسم عبادت را به هم می زدند و یا به دلیل اینکه وارد قسمت دست کند کلیسای صخره‌ای نمی شدند، ناامید آنجا را ترک می کردند (László ۲۰۱۱). امروزه این کلیسای غاری، علاوه بر زیارتگاه، يك جاذبه توریستی در شهر بوداپست است. نویسندگان مقاله پیش رو در تاریخ ۱۷ دسامبر ۲۰۲۱ از این کلیسا بازدید کرده‌اند. در کنار ورودی کلیسا که در اصل دهانه غار طبیعی اولیه است، قسمتی از دیواره بتنی ساخته شده در دوران جمهوری شوروری هنوز وجود داشت. فضای داخلی غار که قدیمی ترین بخش کلیسا و محل محراب اولیه بوده است، برای فروش بلیط، صنایع دستی مرتبط با کلیسا، همچنین محل نمایش اسلایدها در مورد تاریخ کلیسا و و فیلمی کوتاه درباره فرقه مسیحی پائولین مورد استفاده قرار گرفته بود. بعد از گذر از راهروی دست کند به فضاهای حفر شده که محل عبادت و محراب اصلی بودند، رسیدیم. وجود تنها سه پنجره با طرح‌های خاص بر دیوارها و ورود اندك نور طبیعی، موجب حس آرامش و رمز آلودی درون کلیسا شده بود. در کنار فضای اصلی عبادی کلیسا، راهروی قرار داشت که در انتهای آن دو ردیف سه تایی ستون‌های بتنی و درگاهی با دری چوبی، کلیسا را به فضای صومعه مجاور ارتباط می داد. امروزه تنها این فضای صومعه برای دسترسی عموم آزاد است و هیچ تصویری از دیگر فضاهای صومعه موجود نیست. همچنین به غیر از راهبین فرقه مسیحی پائولین، امکان بازدید از دیگر فضاهای صومعه حتی برای پژوهشگران نیز وجود ندارد.



>>

تصاویر شماره ۵، ۸۷۶: فضای طراحی شده در سال ۲۰۰۸، László، ۲۰۱۱

سیر تحولات فرقه مسیحی پائولین
سبک زندگی گوشه نشینی راهبان مسیحی ابداع راهبان پائولین نیست بلکه ریشه آن به قرون اولیه مسیحی^{۱۳} بازمی گردد. ایدئولوژی و گوشه نشینی زاهدان و دور شدن از دنیا را باید در آشفته گی عمومی اجتماعی، سرخوردگی و ناامیدی دنیوی جستجو کرد؛ زمانی که ناراضیان از دنیای واقعی از شهرها خارج شدند و در مکانی متروک، معمولاً در بیابانهای سوریه و مصر مستقر شدند. زاهدان مستقل از جهان و جامعه از محبوبیت فوق العاده ای در آن زمان برخوردار بودند و پیروان بسیاری را جذب کردند. در نتیجه، اولین فرقه ها ایجاد شد و در نهایت پایه های بعدی فعالیت رهبانیت غربی را فراهم کرد. در اواسط قرن سیزدهم، مغولها به کشور مجارستان حمله کردند و این کشور را ویران کردند (Barany et al. ۲۰۲۱). در این دوره آشفته و ناامید کننده، اوژب^{۱۴} به غاری سه گانه در کوه های پیلش^{۱۵} در نزدیکی استرگوم^{۱۶} رفت تا به عنوان یک گوشه نشین در آنجا زندگی کند. بدین ترتیب او بنیان گذار فرقه مسیحی زاهدان پائولین شد. این فرقه مسیحی در سالهای بعد قدرت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قابل توجهی در مجارستان به دست آورد.

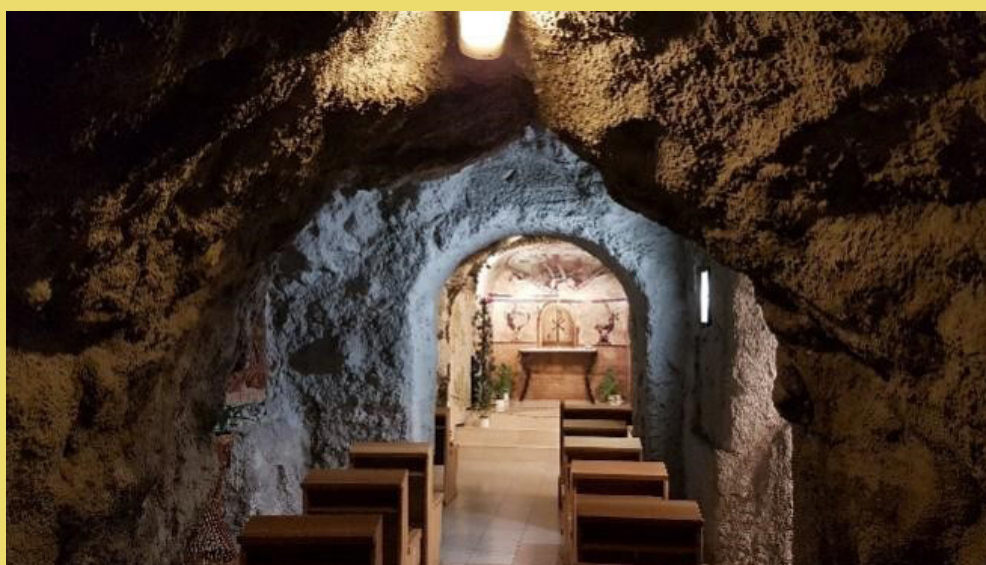
در اواسط قرن شانزدهم، امپراتوری عثمانی قسمت اعظمی از مجارستان را اشغال کرد (Bunting ۲۰۲۱) و دستورات رهبانی مسیحی را در این کشور ممنوع اعلام کرد؛ در نتیجه صومعه های مسیحی پائولین در کشورهای دیگری همچون لهستان، پرتغال، و حتی برزیل احداث شدند. بعد از پایان حکمرانی دولت عثمانی، راهبان پائولین توانستند به مجارستان بازگردند اما در پایان قرن هجدهم، در جریان اصلاحات مذهبی توسط جوزف دوم^{۱۷} دستور لغو فعالیت تمام فرقه های رهبانی، از جمله فرقه پائولین، صادر شد (Wagnleitner et al. ۲۰۲۱) و چند دهه بعد این فرقه توانستند دوباره اعمال عبادی و فعالیت مذهبی خود را در مجارستان از سر بگیرند. کلیسای غاری بوداپست از جمله فضاهای عبادی است که در آن زمان احداث شده است.



<<
ورودی کلیسا



<<
راهروی اتصالدهنده فضای غار طبیعی اولیه به
فضاهای احداث شده در کلیسا



<<<
فضای عبادی درون کلیسا

>>
فضای عبادی درون کلیسا





<<<

ورودی فضای کلیسای غاری به محل
عبادت صومعه که امروزی بخشی از کلیسا
است (راست)

<<<

محل عبادت صومعه که امروزه بخشی از
کلیسا است (چپ)

تشکر و قدردانی

از جناب آقای مارک ونسا^{۱۸} که نقشه کلیسا و اطلاعاتی از تاریخ آن را در اختیار ما گذاشتند، کمال تشکر را داریم.

پی نوشت ها:

- 1- Sziklatemplom (cave church)
- 2- Péter Rabb
- 3- The St. Gellért hill
- 4- Ivan
- 5- St Iv
- 6- Mihály Mayr
- 7- György Klösz
- 8- The Pauline Fathers, in official name: Order of Saint Paul the First Hermit (Ordo Fratrum Sancti Pauli Eremitae OSPPE)
- 9- Lourdes, France
- 10- Kálmán Lux
- 11- Károly Weichinger
- 12- Iron Curtain
- 13- Christian antiquity
- 14- Boldog Özeb
- 15- Pilis Mountain
- 16- Esztergom
- 17- II. Joseph
- 18- Márk Váncza

منابع

اطلاعات گردشگری تابلوی کلیسا، ۲۰۲۱. راهنمای گردشگری نمایش داده شده بر روی صفحه نمایش تلویزیون درون کلیسا با عنوان The History of the Cave Church. بازدید از کلیسا در تاریخ ۱۷ دسامبر ۲۰۲۱ انجام شده است.

Bunting, T. (2021). «Battle of Mohács». Encyclopedia Britannica, 22 Aug. 2021, <https://www.britannica.com/event/Battle-of-Mohacs>. Accessed 28 December 2021.

Barany, G. Macartney, C. A., Várdy, S. B., Vardy, N. A. and Berend, I. T. (2021) «Hungary». Encyclopedia Britannica, 14 Jul. 2021, <https://www.britannica.com/place/Hungary>. Accessed 28 December 2021.

Guides, R. (2018). The Rough Guide to Budapest (Travel Guide eBook). London: Rough Guides.

László, K. (2011). Pálos Fogadóközpont a Gellért-hegyi Sziklatemplomban. (<https://epiteszforum.hu/palos-fogadokozpont-a-gellert-hegyi-sziklatemplomban>).

- Phillips, A. & Scotchmer, J. (2005). Hungary: The Bradt Travel Guide. England: Bradt Travel Guides.
- Schandl, C. E. (2005). Sword of the Turul : based on an incredible true story. Lulu.com; null edition.
- Sziklatemplom. (n.d.). <https://sziklatemplom.hu/eng/latnivalok/>. Accessed 28 December 2021.
- Walker, J. (2020). Moon Budapest & Beyond: Day Trips, Local Spots, Strategies to Avoid Crowds. Avalon Publishing.
- Wagnleitner, Reinhold; F., Roider, Karl A. and Schreyvogel, Friedrich. (2021). «Joseph II». Encyclopedia Britannica, 10 Mar. 2021, <https://www.britannica.com/biography/Joseph-II>. Accessed 28 December 2021.

>>>>>

Abstract

Troglodytic Architecture in Hungary; a report on the visit to Budapest Cave Church

Elaheh Golzari, Ph.D. Student, Department of History of Architecture and Monument Preservation, Faculty of Architecture, Budapest University of Technology and Economics, Budapest, Hungary, elaheh.golzari@edu.bme.hu

Péter Rabb, Assistant Professor, Department of History of Architecture and Monument Preservation, Faculty of Architecture, Budapest University of Technology and Economics, Budapest, Hungary

The Cave Church in Budapest is located deep within the cliffs of Gellért Hill in Hungary. This church is an example of troglodytic architecture, with rugged stone walls. In the Middle Ages, a secluded Christian monk named Saint Ivan lived in this cave and used the water from the springs at the bottom of the hill for healing. This place was named after St. Ivan. According to a painting by Mihály Mayr in 1860 and a photograph by György Klösz in 1874, a house was built at the entrance of the cave. In the 1920s, a group of Christian Pauline monks on a pilgrimage to France, on their way back to Hungary, were inspired by the Maria Cave in Lourdes, France, and built a church in the cave for worship. In 1926, the first altar was built in a natural cave space, and benches were placed in the open air in front of the cave's entrance. Later, due to a large number of worshipers, it was decided to enlarge the space inside the cave, and the tunnels and interior spaces of the church, which is today the place of altar and worship, were dug. The cave church was designed by Kálmán Lux and completed by Károly Weichinger. During World War II, the building served as a place of worship for monks and a refuge for Polish refugees. After the political changes of the 1950s and communist rule in Hungary, Christian worship in churches, including this cave church, was banned. In the early 1960s, the entrance to the cave was blocked by a two-meter-thick concrete wall, and the cave church was abandoned. After the collapse of the Soviet Iron Curtain, the concrete entrance wall of the shrine was demolished, and in 1989 the church was reopened as a place of worship for Pauline's Christian monks. In the spring of 2008, a group of Pauline Christian monks decided to set up a reception area to ensure the smooth running of visitors' cultural services and church services. Nowadays, this cave church, in addition to being a shrine, is a tourist attraction in Budapest.

Keywords: cave church, Budapest, troglodytic



تو کمری، شوشتر >>
عکس از: امین کیوانلو



«بررسی میراث جهانی دست کند کاپادوکیه و چالش‌های حفاظتی موجود»

مقدمه

طبیعت هدیه‌ای به همه انسان‌هاست، زیرا به طور بالقوه حامل ارزش‌های مهمی مانند زیبایی شناسی، انرژی، گردش پویای زندگی، مواد و مصالح، نور و روشنایی، هوا، دگرگونی، تنوع و غیره است. تنها جوامعی توانسته‌اند از این مواهب حداکثر بهره را ببرند که به بهترین شکل با طبیعت همراه شده‌اند. در این میان، معماری دست کند در مقایسه با سایر اشکال معماری کمترین آسیب را به طبیعت وارد نموده و در عین حال بیشترین استفاده از مزایای همراهی با آن را منتفع کرده است. یکی از نمونه‌های خلاقیت انسان‌ها در طراحی فضاهای مورد نیاز و خلق معماری دست کند را می‌توان در کاپادوکیه ترکیه یافت.



تهیه و تنظیم: مهناز اشرفی
دکتری معماری
عضو هیئت علمی پژوهشگاه
میراث فرهنگی و
گردشگری
عضو پیوسته ایکوموس
و مسئول کمیته علمی
معماری دست کند

ashrafi.mahnaz@
gmail.com

کاپادوکیه و موقعیت استقرار
کاپادوکیه که در مرکز آناتولی باستان و در شرق ترکیه امروزی واقع شده است، در ۱۹۸۵ میلادی تحت عنوان «پارک ملی گورمه و محوطه‌های صخره‌ای کاپادوکیه» در فهرست جهانی یونسکو قرار گرفت. ساختار زمین‌شناسی و بستر آتشفشانی خاص منطقه کاپادوکیه برای ساخت و بهره‌برداری از معماری دست‌کند بسیار مناسب بوده است. این خصیصه توجه جوامع انسانی به این منطقه امن را جلب کرده و بنابراین آثار متنوعی از معماری دست‌کند در آن طی سده‌های متوالی به‌وجود آمده است. با این همه، چشم‌انداز کلی این منطقه در سده‌های اولیه مسیحی شکل گرفته است؛ زمانی که جوامع اولیه مسیحی آناتولی، که بیش از هزار سال پیش به دنبال امنیت به این منطقه پناهنده شدند، آنجا را برای استقرار محل مناسبی تشخیص داده و بنابراین دست‌کندهای موجود در آنرا ساماندهی کرده و بسط دادند. این بخش دائماً در معرض تاخت و تاز و میان اعراب، بیزانس‌ها، سلجوقی‌ها، عثمانی‌ها، ترک‌ها و اقوام مختلف در طول تاریخ بوده است. (تصویر شماره ۱ و ۲)

ساکنان کاپادوکیه قرن‌ها پیش خانه‌های خود را در دل بستر طبیعی تراشیده‌اند. در این منطقه مکان‌های متنوعی از دوره‌های مختلف تاریخی وجود دارد. اما منحصر به فردترین آثار دست‌کند آن خانه‌ها و کلیساهای تراشیده شده در توف‌های آتشفشانی و شهرهای زیرزمینی وسیع است. این ویژگی‌ها هویت منحصر به فرد کاپادوکیه را تشکیل می‌دهد که به راحتی نمی‌توان در این وسعت و تنوع آن را در جای دیگری از جهان یافت.

>>>

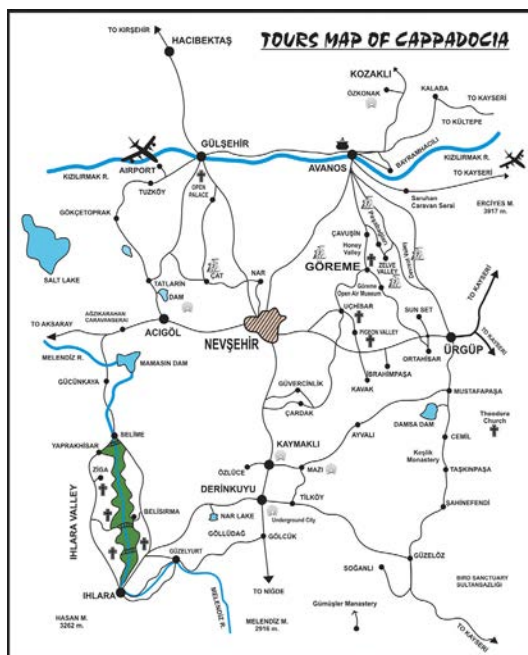
تصویر شماره ۱ موقعیت ترکیه (Yildiz: ۲۰۰۶: ۶۳)



<<<<

تصویر شماره ۲: نقشه کاپادوکیه و موقعیت محوطه‌های مختلف دست‌کند

منبع: <https://topofturkey.com/maps/html#prettyPhoto>



آغاز زندگی در کاپادوکیه

از تاریخ دقیق پیدایش کاپادوکیه اطلاعات کاملاً دقیقی در دست نیست. نخستین بار در پایان سده ششم پیش از میلاد در سنگ‌نبشته‌های سه‌زبانۀ دو تن از پادشاهان هخامنشی نام کاپادوکیا به چشم می‌خورد. داریوش بزرگ و خشایارشا در این کتیبه‌ها از کاپادوکیا به عنوان بخشی از شاهنشاهی هخامنشی نام برده‌اند. در سال‌های پایانی شاهنشاهی هخامنشی، کاپادوکیا به دو ساتراپی تقسیم شد؛ بخش مرکزی را یونانیان همچنان کاپادوکیه خواندند و بخش دیگر یونتوس نام گرفت. (اقبالی الله بلاغی ۱۳۹۴: ۹۵). ابوحنیفه دینوری نیز در کتاب الاخبار الطوال نیز از آن چنین نام برده است: «چون شاپور اردشیر به خاک روم لشکر کشید، کشورهای قالدوقیه (کلیکیه) و قبدوقیه (کاپادوکیه) را بگشاد و در خاک روم پیش رفت.» (امام شوشتری ۱۳۴۸: ۳۳۶) به هر ترتیب، از این منابع مطلبی درباره سکونتگاه‌های دست‌کنندگان منطقه مستفاد نمی‌شود و مشخص نیست مردم از چه زمانی برای اولین بار متوجه شدند که حفر و سکونت در توف‌های آتشفشانی منطقه امکان‌پذیر است. با این حال، به نظر می‌رسد اولین خانه‌ها و مجتمع‌های مسکونی و تدافعی دست‌کنندگان کاپادوکیه احتمالاً در قرن هشتم قبل از میلاد و پس از آن ایجاد شده باشند؛ زمانی که آخرین هیتی‌ها در نزدیکی گولو داغی^۲ و در تیاننا (کمر حصار)^۳ برای بقای جنگیدند.

تراشیدن مستقیم برای خانه از توف محلی منطقۀ و نسبتاً آسان بود، زیرا نه مقدار زیادی الوار و نه سایر لوازم ساختمانی مانند خاک رس یا سنگ سخت لازم داشت. آن‌ها به طور سنتی با استفاده از کلنگ‌های کوتاه، پتک و اسکنه کار می‌کردند. هنگامی که لایه‌های بیرونی خشک شده سنگ‌های آتشفشانی شکسته می‌شوند، توف‌های زیر نرم‌تری شوند و کار آسان‌تر می‌شود. با استفاده از روش‌های سنتی، دو کارگر با تجربه می‌توانستند فضایی به ابعاد ۶×۲×۳ متر را در ۲۰ روز ایجاد کنند. با توجه به این واقعیت که فقط چند ابزار آهنی مورد نیاز بود. مزیت دیگر خانه‌های دست‌کند کاپادوکیه این است که در ساختن یک دست‌کند نیازی به نگرانی در مورد مشکلات ساختاری مانند سازه‌های پشتیبان و یا طرح‌ریزی سقف نبود. سازندگان در طراحی انواع ترتیبات داخلی نسبتاً آزاد هستند (Emge ۲۰۱۱: ۶-۳).

معرفی انواع فضاهای دست‌کند کاپادوکیه

الف) خانه‌های دست‌کند: عشایر اولیه ترک در ابتدا تنها از دست‌کندهای قدیمی به عنوان اصطبل و انبار استفاده می‌کردند و گاهی اوقات چادرهای چند منظوره خود را که برای زندگی خصوصی استفاده می‌کردند در جلوی آنها برپا می‌کردند. به زودی ترک‌ها، که بسیاری از آنها تنها چند صد سال پیش در این منطقه سکنی گزیده‌اند، خانه‌های دست‌کند جدید مقاوم در برابر سرمای زمستان را از توف و با توجه به نیازهای خود ساختند. آنها آداب و رسوم سنتی و ایده‌های خود را که در طول نسل‌ها منتقل شده بودند، در مسکن خود به کار گرفتند.

ایده آنها در مسکن مبتنی بر معماری چادری «تک‌فضایی» بود که در داخل غارهای سنگی توف به کار می‌گرفتند و بسیار با نوع زندگی عشایری همخوانی داشت. به دلیل مزایای متمایز خانه‌های دست‌کند، این شکل از زندگی در داخل توف رایج شد و چادرهای قدیمی عشایری فراموش شدند. این فضاها در تابستان خنک و در زمستان‌های سرد آنا‌تولی گرم می‌شوند.

«درجه حرارت این منطقه بین ۲۰ تا ۴۰ درجه سانتیگراد متغیر است؛ این در حالی است که در فضاهای دست‌کند این عدد در محدوده ۷ تا ۱۵ درجه ثابت است.» (Yıldız, ۲۰۰۶: ۶۵) کار کردن با توف منطقه آسان بود، بنابراین ساکنان می‌توانستند خانه‌های دست‌کند را به سرعت و به راحتی ایجاد کنند. این کار رایگان بود و هزینه حمل و نقل را شامل نمی‌شد. توف متخلخل آسایش حرارتی داخلی بهینه را فراهم می‌کرد. به گفته مردم محلی یک دست‌کند را می‌توان در زمستان تنها با یک ساعت آتش در صبح و عصر گرم نگه داشت. این یک ویژگی بسیار مهم در منطقه است که به منابع سوختی کمی نیاز دارد. ساکنان سنتی منطقه می‌گویند که چگونه قفسه‌های جدید به سادگی در دیوار حفر می‌شوند در حالی که در خانه‌های معمول، قفسه‌های جدیدی به اتاق‌ها اضافه شده و در نتیجه فضا اشغال می‌شود و فضای موجود در اتاق‌ها را کاهش می‌دهد. زمانی که در خانه‌های دست‌کند به فضای بیشتری نیاز است فضاها توسعه می‌یابند.

با گذشت زمان، این اشکال مسکن به طور مداوم با شرایط فرهنگی ساکنان و ایده‌های آنها سازگار شد. در حالی که در آغاز عمدتاً هدف ایجاد تأسیسات نظامی بود یا در دوران بیزانس برای پاسخگویی به نیازهای فرهنگی و اقتصادی ساکنان جدید تغییر شکل یافتند و یا برای نگهداری مواد غذایی مورد استفاده و زمانی هم‌ماوای عشایر ترک قرار گرفتند.

ب) دودکش‌های پری^۴: کاپادوکیه به خاطر دودکش‌های پری یا کران‌ها، سازه‌های مخروطی که اغلب با چندین طبقه تقریباً شبیه تپه‌های موریانه حفاری شده‌اند، مشهور است. در صورت حمله دشمن، ساکنان به بالای این سازه‌های مخروطی عقب‌نشینی می‌کردند. دسترسی به طبقات بالای این کران‌ها فقط از طریق مسیرهای عمودی امکان‌پذیر بود که در گوشه‌ها حفر شده بودند. در مواقع خطر، می‌توان این روزن‌ها را از بالا با تخته‌های سنگی گرد یا صفحات پوششی سنگی مسدود کرد. از بالا می‌شد چشم‌انداز خوبی از نمای کلی منطقه پایین دست و همچنین کمی نور روز، بر خلاف شهرهای تاریک و نسبتاً غیر راحت زیرزمینی، دریافت کرد. تسخیر این سنگ‌های توف برای هر مهاجمی کاملاً غیرممکن بود. افرادی که خود را در این جا پنهان می‌کردند منابع زیادی از آب و میوه‌های خشک و غیره نگهداری کرده بودند که آنها را قادر می‌ساخت تا برای یک محاصره طولانی زنده بمانند. (تصویر شماره ۳)

>>>

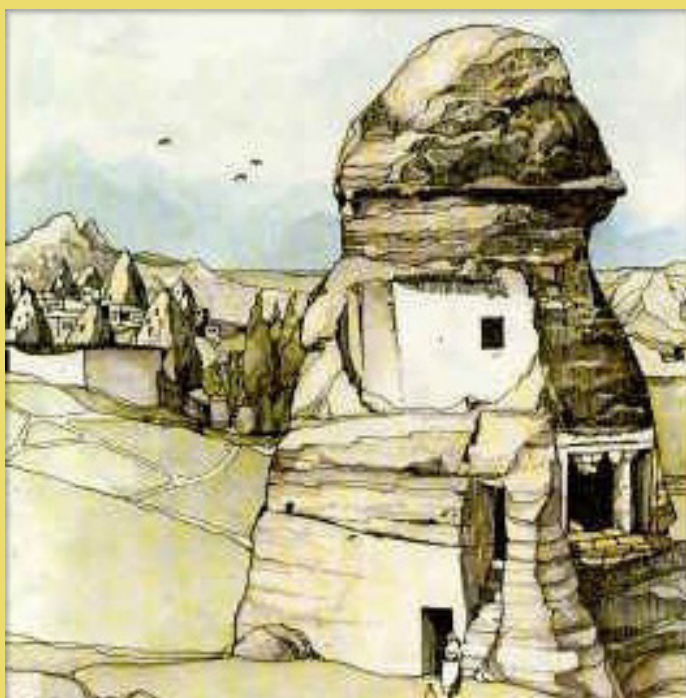
تصویر شماره ۳: نمای کلی از کاپادوکیه
منبع: آرشیو شخصی نگارنده

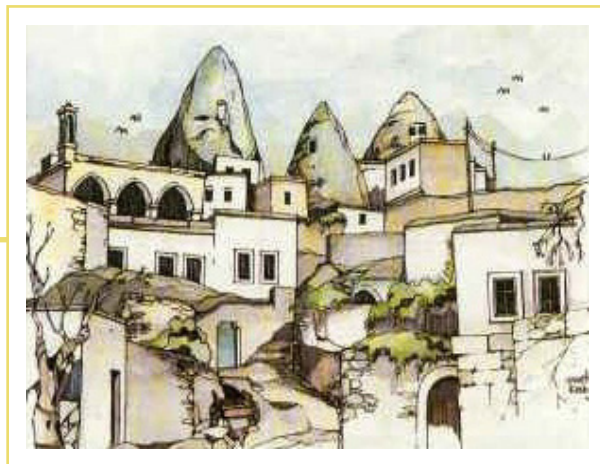


می‌توان فرض کرد که مهاجمان به شهرهای مهم استراتژیک آناتولی و کنترل جاده‌های اصلی ارتباطی علاقه‌مندتر بوده‌اند. این جوامع مذهبی قدیمی کاپادوکیه احتمالاً فقط برای چند ساعت یا چند روز در مواقع بحران باید مخفی می‌شدند. حتی ممکن است در بسیاری از دره‌های دورافتاده و پنهان اصلاً اذیت نشده باشند. قرن‌ها بعد، وقتی عشایر ترک به منطقه دست‌کند و ساختارهای مخروطی توف عجیب آن (که مدت‌هاست توسط راهبان اولیه مسیحی رها شده بود) برخورد کردند، نمی‌توانستند تصور کنند که مردم چگونه می‌خواهند در چنین ارتفاعاتی زندگی کنند. ترک‌های آن زمان اعتقاد داشتند که چگونه خانه‌های دودکش توسط پری‌ها ساکن شده است. از آنجا که دسترسی به این اتاق‌ها فقط از طریق دودکش‌های عمودی امکان‌پذیر است، ممکن است به همین دلیل به این کران‌های توف تو خالی منحصر به فرد در ترکی دودکش پری گفته شود. هنگامی که امپراتوری عثمانی ترکیه به اوج قدرت خود رسید و قلب آناتولی بدون ترس از تهاجم دشمن رونق گرفت، ترک‌ها (اکنون اکثریت جمعیت منطقه) شروع به ساختن مزارع جدید «سنگ روی سنگ» در پای مخروط‌ها کردند. (تصویر شماره ۴ و ۵).

>>>

تصویر شماره ۴: خانه‌های دست‌کند (دودکش‌های پری) در کاپادوکیه
منبع: Yildiz: ۲۰۰۶: ۶۷





<<<<

تصویر شماره ۵: خانه‌های دست‌کند (دودکش‌های

پری) در کاپادوکیه

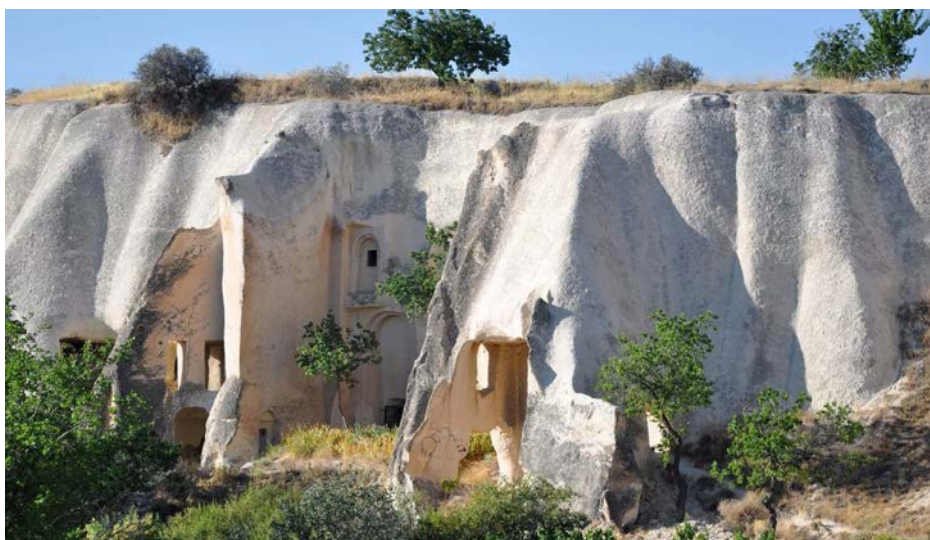
منبع: Yildiz ۲۰۰۶: ۶۷

ج) مجموعه‌ها، قلعه‌ها و صومعه‌های دوران بیزانس

”موزه فضای باز گورمه، که بیش از ۲٫۲ میلیون بازدید کننده بین‌المللی و داخلی در سال ۲۰۱۰ از آن بازدید کرده‌اند، یکی از مجموعه فضاهایی است که کلیساهای دست‌کند متعددی را در خود جای داده است. از قرن ششم تا هشتم، جوامع رهبانی و سربازان بیزانسی در کاپادوکیه مستقر شدند، جایی که مکرراً با هجوم دشمن مواجه بودند. از این رو بسیاری از غارها و صومعه‌های زیرزمینی به عنوان پناهگاه‌های دفاعی، مجهز به تونل‌های فرار طولانی، دسترسی مخفیانه به آب و اتاق‌های مخفی طراحی شده‌اند که، درست مانند «شهرهای زیرزمینی»، تسخیرناپذیر بوده و می‌توان آن‌ها را کاملاً مهر و موم کرد. کلیساهای ساخته شده در اینجا عملاً نامرئی و ورودی‌های آنها پنهان بودند. هر جا که صخره مناسب بود، اتاق‌های مخفی یا کلیساهای کوچک ساخته می‌شدند که همیشه به دنبال بازنگه داشتن مسیرهای فرار پنهان و دسترسی به آب بودند. شهرهای زیرزمینی در دشت‌ها گسترش یافتند و بار دیگر مورد استفاده قرار گرفتند. در این دوران خطرناک، احتمالاً هر ساکن کاپادوکیه مخفیگاهی زیرزمینی در نزدیکی محل زندگی خود داشت. (Emge, ۲۰۱۱: ۹)

اولین فضاهای دست‌کند شناخته شده در نزدیکی گورمه مطمئناً متعلق به زاهدان بود. آنها برای خود خانه‌های مینیمالیستی ایجاد کردند که از سنگ‌های آتش‌فشانی تراشیده شده بودند. در قرن چهارم، راهب جوان باسیل قیصریه وارد کاپادوکیه شد و در آنجا صومعه‌ای (احتمالاً در منطقه نزدیک به موزه فضای باز گورمه امروزی) تأسیس کرد. او عقیده داشت که راه رسیدن به خدا را نمی‌توان تنها از طریق زهد یا زاهدانه زیستن یافت. او ادعا کرد که یک زندگی با فضیلت باید شامل زندگی و کار در جامعه، همراه با مطالعات متمرکز بر کتاب مقدس باشد. او همچنین به خاطر مراقبت از فقرا و محرومان شهرت داشت. همراه با برادر کوچک‌ترش گریگوری نینسا و دوستان گریگوری نازیانوس به «پدران کاپادوکیه» معروف شدند. این سه دوست فرهیخته در طول زندگی خود سعی کردند یک فلسفه انسان‌دوستانه یونانی و مسیحی را ترکیب کنند. آنها همچنین بردکترین ارتدوکس تثلیث تأثیر زیادی گذاشتند و از مفهوم «روح القدس» حمایت کردند. با گذشت زمان، گروه‌های دیگری از ایمانداران مسیحی به این آموزه جدید کشیده شدند و در دره‌های حاصلخیز کاپادوکیه ساکن شدند تا صومعه‌های دست‌کند خود را بسازند. (Emge, ۲۰۱۱: ۵) “ آنها جوامع جدیدی را تأسیس کردند و حتی صومعه‌های عظیم و کلیساهای خوبی با سبک‌ها و اندازه‌های مختلف را حفاری کردند که به دقت از توف کهنه شده بودند. برخی از این‌ها، شامل طاق‌ها و ستون‌هایی (از لحاظ ساختاری غیر ضروری) بود که از دیگر ساختمان‌های کلیساهای بیزانس کپی شده بودند. (تصویر شماره ۸، ۶۷). در طول قرن‌ها، ساختارهای متعددی از کوچک‌ترین کلیساها گرفته تا کلیسای‌های عظیم از توف مدل‌سازی شده‌اند. احتمال دارد که دلایل آکوستیک نیز می‌توانسته مکمل معماری داخلی این فضاها باشد. این ویژگی را می‌توان امروزه در برخی مواقع تجربه کرد، زمانی که بازدید کنندگان این کلیساهای دست‌کند در گروه‌های کر آوازی خوانند یا نوازندگان سازهای خود را می‌نوازند. یکی دیگر از این مراکز مذهبی در دره ایلهارا شکل گرفت. این دره همیشه یک مرکز مذهبی بوده است تا سکوئنگاه. در دوره اول مسیحیت قرن چهارم پس از میلاد، برخی از بنیانگذاران فرقه‌ای که در منطقه آکسارای و کاپادوکیه آموزش دیده بودند، قوانین زندگی رهبانی متفاوتی را نسبت به نظام مصر و سوریه وضع کردند که منجر به ظهور نظام اسلاو و یونان شد. با استقرار مسیحیان در منطقه کاپادوکیه، به دلیل ساختار سرپناهی، دره ایلهارا به عنوان محل انزوا و عبادت مناسب برای راهبان و کشیشان مورد استفاده قرار گرفت و همچنین برای مخفی شدن و محافظت در زمان جنگ نیز مناسب بود. صدها اتاق و عبادتگاه حکاکی شده در صخره‌های شیب دار این امر را تأیید می‌کند. (Uzun, Funda Varnaci & Somuncu Mehmet, ۲۰۱۸: ۹)

>>>>>
 تصویر شماره ۶: گورمه، تپه صومعه آینالی
 عکس از: C. Inglese



>>>>>
 تصویر شماره ۷: پلان طبقه اول کلیسای آینالی
 منبع: M. Carpiceci

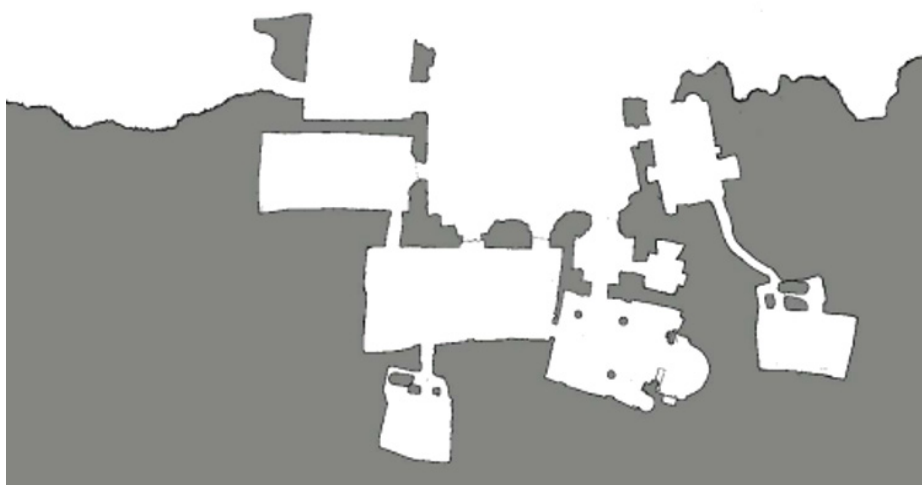


Fig. 7. Göreme, Aynali Church, Plan of First floor
 Source: Image by M. Carpiceci.

>>>>>
 تصویر شماره ۸: گورمه، نمای داخلی کلیسای
 آینالی
 عکس از: C. Inglese



یکی دیگر از این نمونه‌ها قلعه سلیمه، بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین مجموعه دست‌کند در کاپادوکیه است. سکونتگاه بیزانسی چند سطحی شامل یک آشپزخانه عظیم، دو تالار، کلیسای بازیلیکا و اتاق‌های دیگری است که در اطراف دو حیاط مجاور حجاری شده‌اند. وسعت بسیار زیاد و موقعیت مکانی برجسته نشان‌دهنده اهمیت قلعه سلیمه است که در دهه ۹۰۰ میلادی در انتهای جنوبی دره ایهلارا ساخته شده است. (تصویر شماره ۹، ۱۰) در اطراف این مجموعه نیز آثار متعدد دست‌کند ملاحظه می‌شود. عدم وجود مدرک ثابت از قلعه سلیمه مانع از نتیجه‌گیری قطعی در مورد هدف اصلی ایجاد آن می‌شود. به احتمال زیاد، یک خانواده محلی برجسته از مسیحیان بیزانسی، سلیمه را طی چند نسل به عنوان محل سکونت شخصی خود توسعه داده‌اند. کاپادوکیه در قرن ۱۰ و ۱۱ در اوج خود بود. کشاورزی و تجارت محلی بسیار توسعه یافته بود و جوامع رهبانی کاپادوکیه اکنون به خوبی تأسیس شده بودند. هنر نقاشی دیواری که برای صومعه‌های غنی تر مقرون به صرفه بود، در بالاترین نقطه رشد خود قرار داشت و در کلیساها گسترش یافت. علاوه بر صومعه‌ها و شهرهای زیرزمینی، املاک مختلف مزرع‌های مستقل در اطراف کاپادوکیه وجود داشت. اینها توسط دولت بیزانس برای تولید محصولات بزرگ مانند گندم، لوبیا و عدس نگهداری می‌شد. در اینجا نیز محصولات در زیر زمین ذخیره می‌شد، همانطور که انبارها و سیلوهای فراوان در مجموعه‌های دست‌کند تعبیه شده بود.

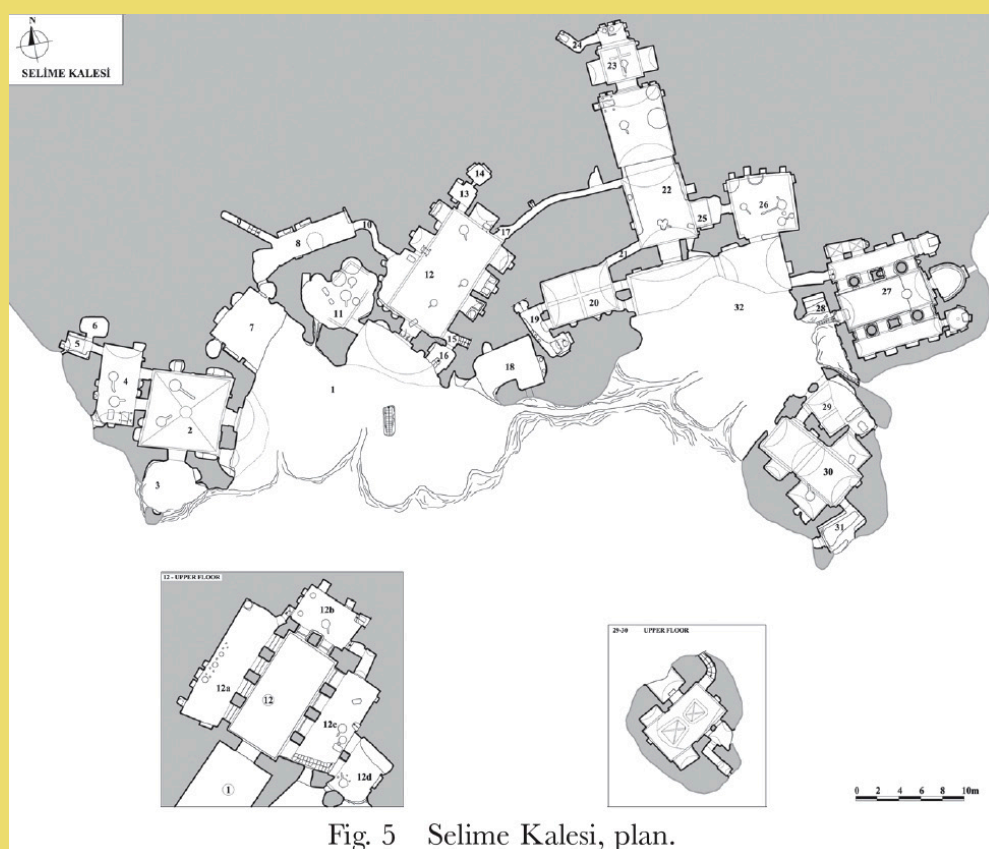


Fig. 5 Selime Kalesi, plan.

<<<

تصویر شماره ۹: نقشه قلعه سلیمه

منبع: Kalas, ۲۰۰۷, ۴۰۵

>>>>>

تصویر شماره ۱۰: نمای داخلی از هال شماره

۱۲ نقشه

منبع: Kalas, ۲۰۰۷, ۴۰۸



د) شهرهای زیرزمینی

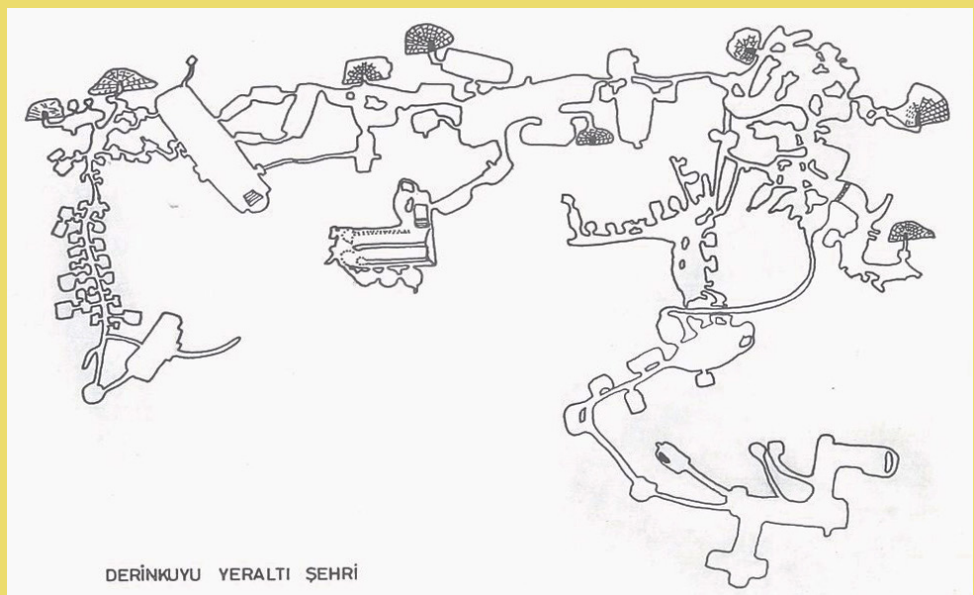
پس از قرن سوم، کایسری^۶ (قیصریه) مهد مسیحیت در آناتولی بود و چندین شهر زیرزمینی در اطراف این شهر حفر شده تا مسیحیان را از تهاجمات و حملات حفظ کند. «می توان تصور کرد که این پناهگاه‌های زیرزمینی در منطقه - حداقل بخش بزرگی از آنها - در بین قرن‌های هفتم تا سیزدهم حفر شده‌اند.» (Yamac & Toc, ۲۰۱۵, ۴۲) شهرهای زیرزمینی جدید و ناشناخته بسیاری در هر نقطه و در اطراف کایسری پیدا شده است. که معروف ترین آنها مجموعه دست‌کندهای زیرزمینی در زیردشت‌های کایماکلی^۷ و درین‌کویو^۸ هستند. «درین‌کویو یکی از بزرگ‌ترین و متراکم‌ترین شهرهای زیرزمینی جهان است. در آنجا بیش از ۵۰ شفت تهویه کشف شده است. آنها به گونه‌ای طراحی شده بودند که اجازه می‌دهند هوا به خودی خود گردش کند. کل سیستم به گونه‌ای طراحی شده است که پایین‌ترین و دورافتاده‌ترین قسمت‌ها به اندازه کافی تهویه شوند. طبقات از طریق تونل‌ها و درب‌های دایره‌ای سنگی (به دلایل امنیتی فقط از داخل باز می‌شوند) به یکدیگر متصل هستند. تصاویر (۱۱، ۱۲، ۱۳)

>>>>>

تصویر شماره ۱۱: نقشه نصب شده در ورودی

شهر زیرزمینی درین‌کویو

منبع: آرشیو شخصی نگارنده



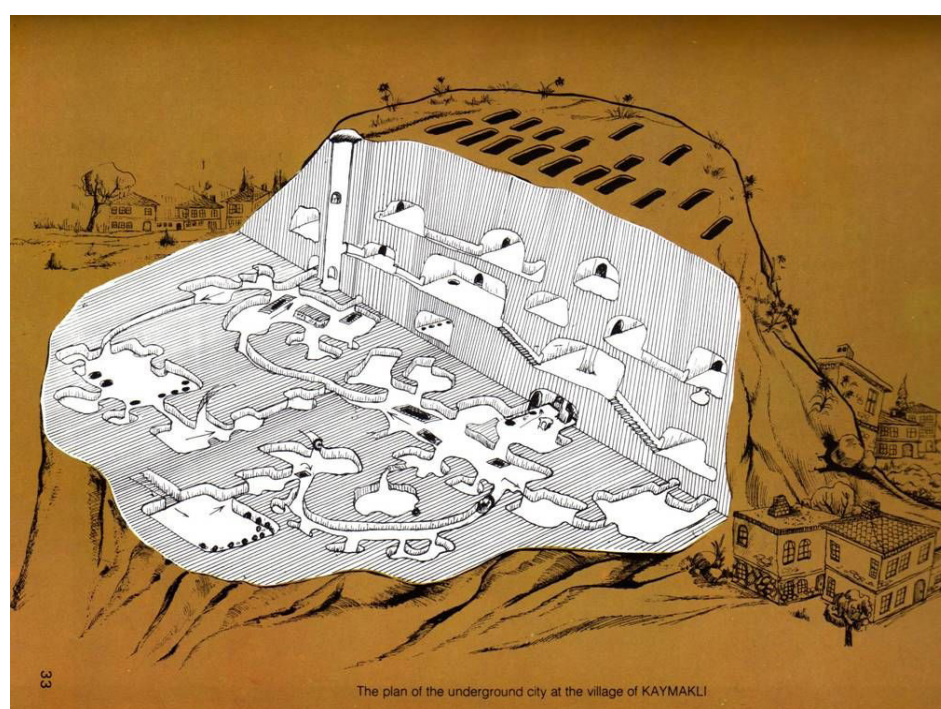
کایماکلی شهر زیرزمینی بزرگ دیگری است که وسعت زیرزمینی آن حتی بیشتر است. همزمان این شهرهای زیرزمینی به یکدیگر متصل می شدند. فاصله بین آنها ۹ کیلومتر است. می توان فرض کرد که این شهرها با شهرهای زیرزمینی دیگر متصل بوده اند. البته هنوز ثابت نشده است. از نظر عرضه عمومی غذا، وجود حیوانات به ویژه احشام مشخص شده است. این يك سوال است که چگونه غذای آنها فراهم می شده است. (Nývlt et al, ۲۰۱۶, ۲۲۵۵)

شهر زیرزمینی درین کویو، واقع در ۳۰ کیلومتری نوشهیر، به معنی چاه عمیق، در ۱۲ طبقه توسعه یافته که در حال حاضر به ۸ طبقه آن دسترسی وجود دارد. کایماکلی نیز در ۸ طبقه کنده شده که ۴ طبقه آن قابل دسترس است. عمق درین کویو اگرچه ۴۰ متر است ولی شفت تعبیه شده در آن به ۸۰ متری رسد. این شهرهای زیرزمینی ظرفیت پذیرش بیش از ۵۰ هزار نفر را دارا می باشند. در اینجا در طبقات بالایی فضاهای سکونت به همراه درهای چوبی و سنگ های آسیاب، طاقچه ها و محل نگهداری پیسوز، محل نگهداری و انبار و محل تهیه شراب مقدس برای کلیسا و فضاهای خواب یافت شده است. کلیسا و محلی برای دفن اجساد و بخش هایی برای سکونت در طبقه دوم قرار داشته است و طبقه سوم و چهارم تونل های به هم پیوسته، فضاهای جمعی همچون آشپزخانه، محل انبار میوه های خشک، رختشورخانه و محل های قرار دادن صابون، استخرهای آب گرم، سیستم های آبیاری، در طبقه پنجم و طبقات ششم، محل زندگی روزانه و سنگ های آسیاب در معابر، در طبقه هفتم، کلیسای صلیبی، يك چاه آب و يك اتاق تدفین وجود داشت. (Crescenzi, ۱۱۳-۲۰۱۲, ۱۱۴) (General directorate, ۲۰۲۱, ۲)



<<<<

تصویر شماره ۱۲: مقطع عمومی از شهرهای زیرزمینی ترکیه
منبع: Nývlt et al, ۲۰۱۶, ۲۲۵۴



<<<<

تصویر شماره ۱۳: پلان مقطعی از شهر زیرزمینی درین کویو
عکس: (Neila, ۲۰۰۴, p. ۸۲)

اما چرا این مجموعه های زیرزمینی اینقدر گسترده بودند؟ و برای چه هدفی از نظر استراتژیک تا این حد مبتکرانه خلق شده بودند؟ احتمال دارد که این مجموعه ها برای اهداف نظامی طراحی شده باشند. استفاده از آنها به عنوان بخشی از استراتژی نظامی می تواند تاحدی وجود اصطبل های زیاد در سطوح بالای دست کندها را توجیه کند و روشن سازد که چگونه بسیاری از امکانات داخلی آنها به عنوان مخفیگاه نیروهای بیژانسی استفاده می شده است. گمان می رود که مهاجمان اجازه داشتند از شهرهای زیرزمینی که در سراسر دشت گسترده شده بودند، عبور کنند. سپس نیروهای بیژانسی ظهور می کردند و از دو جبهه حمله می کردند. این تاکتیک های نظامی قبلا در اوایل عصر برنز شناخته شده بود و قطعا برای فرماندهان نظامی بیژان آشنا بود. شهرهای زیرزمینی منشا گمانه زنی های بی پایان بوده اند و بی شک با پیشرفت سریع تکنولوژی های مدرن آینده می تواند حقایق بیشتری را روشن نمایند. آنچه کاملا مشخص است استفاده بهینه این فضاها در موارد و دوران مختلف است. (Emge, ۲۰۱۱, ۳)

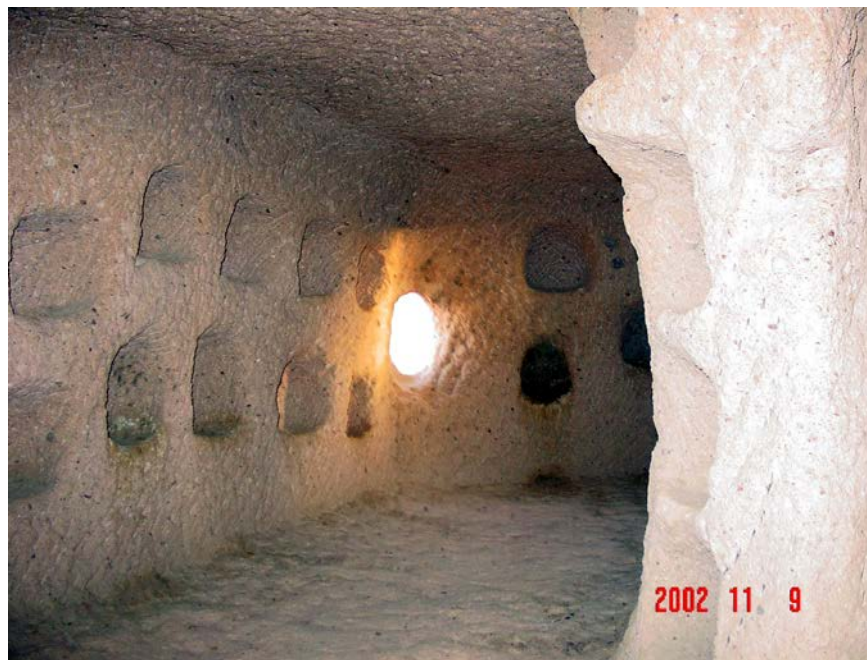
به هر حال آنچه مسلم است جنبه دفاعی و پناهگاهی این مجموعه ها یکی از شاخصه های مشترک در شهرهای زیرزمینی است. این موضوع در سازماندهی و نحوه اتصال فضاها و به ویژه راهروها، فرم، طول، عرض و ارتفاع آنها کاملا آشکار است. «راهروها و اتصالات عمودی به طور کلی دارای پیچ و خم هستند و افراد را از دانستن آنچه بر سر راهشان نهفته است بازمی دارد. مانند يك هزار توی کلاسیک، تنها راه برای دانستن این است که تمام راه را پیاده طی کنید» (Carpiceci et al, ۲۰۱۵, ۳۳۵)

۵) کبوترخانه ها

ساخت و ایجاد کبوترخانه ها در کشورهای مختلف در کشاورزی امری معمول بوده است. «کبوترها برای قرن ها در سراسر منطقه نگهداری می شدند تا کود غنی از نیتروژن آنها را جمع آوری کرده و برای بارور کردن مزارع استفاده شود. کبوترخانه های حفاری شده، با چند سوراخ مربعی کوچک در کنار یکدیگر، اغلب رنگ آمیزی می شدند (با طرح های شعله ای یا نقاشی های ساده از پیکره ها یا درختان حیات) و گاهی اوقات با يك روکش فلزی که عموما از قوطی های بازیافتی ساخته می شد، قاب می شدند. برخی از این کبوترخانه ها در چندین طبقه در دامنه های توف یا صخره ها چیده شده اند و اکنون اغلب فقط از طریق تونل ها و نردبان های شیب دار پنهان می توان به آنها دسترسی داشت. هنوز هم وجود هزاران کبوترخانه دست کنديکی از ویژگی های مهم فرهنگی کاپادوکیه است. تصاویر (۱۶، ۱۵، ۱۴) در داخل، کبوترخانه ها به گونه ای چیده شده بودند که پرندگان بتوانند در طاقچه های لانه مخصوص حفاری شده در دیوارها تولید مثل کنند. طبق يك افسانه باستانی، مدفوع کبوتر آتقدر برای باغبانی و کشاورزی اهمیت داشت که نه پرندگان و نه تخم آنها نباید مصرف می شد. در حال حاضر بیشتر کود شیمیایی جایگزین فضولات که زمانی مورد توجه بود شده است و بسیاری از کبوترخانه های قدیمی در حال حاضر متروک شده اند. با این حال، برای استفاده های خصوصی، کود طبیعی هنوز برای باغبانان برای پرورش سبزیجات خود بسیار ترجیح داده می شود». (Emge, ۲۰۱۱, ۷)

>>>>>

تصویر شماره ۱۴: (چپ) نمای داخلی کبوترخانه در گورمه کاپادوکیه
منبع: آرشیو شخصی نگارنده





<<

تصویر شماره ۱۵: (چپ) نمای داخلی
کبوترخانه در گورمه کاپادوکیه
منبع: آرشیو شخصی نگارنده

<<

تصویر شماره ۱۶: (راست) نمای بیرونی
کبوترخانه در گورمه کاپادوکیه
منبع: آرشیو شخصی نگارنده

سیر تحولات کالبدی، اجتماعی، فرهنگی

کاپادوکیه به ویژه از دو دهه اخیر به یک مقصد محبوب برای گردشگران تبدیل شد و سرمایه گذاری‌های گردشگری بسیار فشرده‌ای را دریافت کرد. همه این پیشرفت‌ها در مدت کوتاهی اتفاق افتاد. در بازه زمانی فقط ۲۰ سال و البته چنین توسعه سریعی مبتنی بر مطالعات امکان‌سنجی صحیح با حساسیت برای پایداری برنامه‌ریزی نشده بود که این موارد به ایجاد تغییرات گسترده‌ای در ابعاد مختلف منجر شد.

الف) سیر تحولات اجتماعی منطقه

«تبادلات جمعیتی بین ترکیه و یونان در سال ۱۹۲۴، منجر به جابجایی بخش زیادی از مردم کاپادوکیه و نیز جانشین شدن مردم سایر اقوام همراه با انواع ساخت و سازها شد که موجب از بین رفتن دانش فنی در خصوص میراث معماری این سرزمین گردید. همچنین تعدد مالکیتی از دیگر مشکلات به هم خوردن ساختار اجتماعی این سایت بود.» (Asli Cagatay, Turkey)

از دهه ۶۰ میلادی نیز، ساکنان کاپادوکیه از روستای گورمه و دیگر سکونتگاه‌ها شروع به ترک دست‌کنده‌های چند صد ساله خود کردند، گاهی اوقات برخلاف میل خود، شروع به نقل مکان به خانه‌های نوسازی کردند که توسط دولت حمایت می‌شد. علاوه بر این، افکار و ذائقه ساکنان با یک نوسان اقتصادی جزئی، تأثیر رسانه‌های جمعی و تجارت روزافزون توریستی تغییر کرده‌است، که البته خود ساختار زیربنایی را تغییر می‌دهد و میل به مسکن مدرن را ایجاد می‌کند. تأثیر عمده دیگری که می‌توان مشاهده کرد خانواده‌هایی بودند که به عنوان کارگر به اروپای غربی یا شهرهای بزرگ ترکیه رفتند. این افراد با ایده‌های جدیدی از سکونت و امکانات زندگی که از طریق فرآیند مهاجرت حاصل شده‌است، بازگشتند. (Yildiz, ۲۰۱۵, ۳۲)

ب) گذار از خانه‌های دست‌کند به خانه‌های بدبختی^۱

در طول دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، افراد بیشتری بخصوص جوان‌ترها از محله‌های خانه‌های دست‌کند سنتی به شهرک‌های مسکونی جدید با حمایت یارانه‌های دولتی، نقل مکان کردند. برنامه به اصطلاح «آفت» به معنی بدبختی و فاجعه پس از فرو ریختن چند سنگ در روستاهای همجوار زلو^۲ و کاووسین^۳ تقریباً ۵۰ سال پیش آغاز شد و تعدادی از ساکنان خانه‌های دست‌کند قدیمی زیر آن کشته شدند. اما خانه‌های جدید ارائه شده توسط برنامه دولت ارزان ساخته شدند. هیچ عایق کاری برای آنها ارائه نشد و هیچ توجهی به شیوه زندگی مردم نداشت. در ابتدا، آنها توالت‌های جدیدی را به روش سنتی در چند قدمی خانه ساختند و حمام‌ها را درست در کنار آشپزخانه احداث کردند (که از نظر لوله‌کشی و پایین نگه داشتن هزینه‌ها منطقی است). با این حال، در باورهای سنتی مردم، توالت را به عنوان یک منطقه ناپاک از ارواح شیطانی می‌پنداشتند و مشخصاً معماران این واقعیت را در نظر نگرفته بودند. دست‌کندنشین‌ها همچنین دیوارهای سنگی بزرگی را در اطراف خانه‌های خود ساختند و با استفاده از خاکسترهای توف یک حیاط داخلی باز و محفوظ ایجاد کردند، جایی که اعضای خانواده می‌توانستند در حریم خصوصی کار و زندگی کنند. ساکنان جابجا شده همچنین اتاق‌های جدید به سبک سنتی را به خانه‌های ارزان قیمت اضافه کردند، زیرا بسیاری از مردم در آن زمان هنوز کشاورز بودند و می‌خواستند از آنها برای نگهداری کالاهای و نگهداری حیوانات خود استفاده کنند. کشاورزان محلی شکایت می‌کردند که خانه‌های جدید AFET بدون توجه به نیازهای آنها به عنوان کشاورز ساخته شده‌است.

ساکنان به زودی متوجه شدند که خانه‌های جدید ساخته شده در مقایسه با دست‌کنده‌های توف قدیمی که به خوبی ایزوله شده بودند و انرژی کارآمدی داشتند، حدود ده برابر بیشتر مصرف انرژی دارند. در منطقه‌ای که فقط مقادیر محدودی چوب (که از باغ‌ها و تاکستان‌های مجاور جمع‌آوری می‌شد) وجود داشت پس از نقل مکان، بسیاری از مردم مجبور شدند چندین تن زغال سنگ با پولی که اغلب نداشتند بخرند تا بتوانند این خانه‌های جدید یارانه‌ای نا کارآمد را گرم کنند. در تابستان نیز، به دلیل اینکه ساختمان‌های جدید به طرز ناخوشایندی گرم می‌شدند، با مشکلات بیشتری مواجه بودند. نکته جالب در مورد کل این کمپین اسکان مجدد این بود که نه تنها ساکنان خانه‌های جدید خود را آنگونه که دولت به آنها داده بود نپذیرفتند، بلکه آنها خانه‌های جدید خود را مطابق با آداب و رسوم فرهنگی و نیازهای عملکردی خود بازسازی کردند.

در طی دهه‌ها، خانه‌های AFET چندین بار تغییر شکل داده‌اند، بنابراین امروزه ما فقط می‌توانیم چند نمونه اندک اولیه را در این محله‌ها ببینیم و اکنون بیشتر معماری سنتی یا خانه‌های دو طبقه جدید تر به سبک دوبلکس مشاهده می‌شود. (Emge, ۲۰۱۱, ۷) (Tucker & Emge, ۲۰۰۶, ۵)

ج) هتل دست‌کندها و میراث فرهنگی جهانی

با ثبت جهانی کاپادوکیه در سال ۱۹۸۵، در همان زمان، وزارت فرهنگ و گردشگری ترکیه در یک کمپین تبلیغاتی بزرگ برای تشویق گردشگری به این منطقه سرمایه‌گذاری کرد. تا قبل از آن، تنها چند مسافر، اغلب با اتومبیل‌های مجهز به کمپ از این منطقه بازدید کرده بودند. در این زمان فقدان کامل زیرساخت‌های گردشگری گسترده وجود داشت.

در شهرهای اطراف کاپادوکیه مدرن، اورگپ، آوانوس^{۱۲}، نوزهیر^{۱۳}، هتل‌های بزرگی با همه امکانات با کمک یارانه‌های دولت ترکیه ساخته شدند. توسعه در دهکده مرکزی گورمه^{۱۵} که تقریباً مانند جزیره‌ای در وسط پارک ملی بود، آغاز شد. اولین هتل دست‌کند ساده در این شهر کوچک در اوایل تا اواسط دهه ۱۹۸۰ افتتاح شد. این با ابتکارات فردی ساکنان انجام شد، که خانه‌های قدیمی دست‌کند خود را به پانسیون‌های ساده تبدیل کردند تا به گردشگران این فرصت را بدهند که یک شب را سکونت واقعی در دست‌کند با قیمت ۱۰ دلار یا بیشتر در هر شب بگذرانند. آن روزها دیگر سپری شده‌است، و این پانسیون‌های کم‌هزینه و بسیار ساده اما اغلب جذاب و بسیار شخصی، تبدیل به «بوتیک هتل‌هایی» شده‌اند که اکنون برای مسافران (متمول آماده خرج کردن)، به اقامتگاه‌های منحصر به فرد و بیش از اندازه راحت از جمله هتل‌ها با تجربه حمام و جکوزی، مینی بار و تلویزیون در اتاق تبدیل شده‌اند.

تعداد گردشگران اکنون از مرز دو میلیون نفر در سال فراتر رفته است. این به این معنی است که سنت‌ها و فرهنگ‌های منطقه روز به روز کم‌رنگ‌تر شده و اهمیت کمتری پیدا می‌کنند. به نظر می‌رسد در بسیاری از جاها تنها هدف کسب در آمد هرچه بیشتر از گردشگری در سریع‌ترین زمان ممکن بدون در نظر گرفتن گزینه‌های پایدار باشد.

امروزه حتی سبک‌های ساختمانی جدیدی نیز پدیدار شده‌اند، که اگرچه عموماً به خوبی ساخته شده‌اند و از بسیاری جهات به زیبایی تزئین شده‌اند، اما دیگر با آداب و رسوم سنتی معماری بومی کاپادوکیه سازگاری ندارند.

اوضاع در کاپادوکیه به سرعت در حال تغییر است. هنوز هم می‌توان نبض و ریتم زندگی سنتی را در محله‌های دورافتاده‌تر احساس کرد، اما در شهرهایی که گردشگران به راحتی به آن دسترسی دارند، تغییر سبک زندگی به طور فزاینده‌ای در حال ظهور است و دیگر مبتنی بر سنت نیست، بلکه عمدتاً منافع مالی را دنبال می‌کند. تأثیر صنعت توریست با سودهای بالای آن، منجر به توسعه اشکال جدید زندگی و اشکال ترکیبی معماری شده است که با طرح‌های ساختمانی گاهی اغراق آمیز همراه است.

روند اصلی امروز کاپادوکیه بهره‌برداری حداکثر از گردشگری انبوه است. هر موردی که در این مسیر نامناسب به نظر می‌رسد اغلب از بین می‌رود و اقتصادهای سنتی در حال افول شدید هستند. یک معماری کاملاً جدید از سنگ توف در برخی مناطق در حال توسعه است، با «کاخ دست‌کنده‌های» جدید، اغلب نامناسب و اتاق‌های عظیم از جمله صندلی‌ها و محوطه‌های باز که از صخره‌های آتشفشانی تراشیده شده‌اند. اگرچه با ثبت آن در فهرست میراث جهانی، منابعی به کاپادوکیه تخصیص یافت، اما متأسفانه تنها کمک مالی برای حفظ و حراست از این میراث غنی فرهنگی کافی نیست. (Emge, ۲۰۱۱, ۱۴)

چالش‌های حفاظتی در کاپادوکیه

امروزه هر سال نزدیک به سه میلیون گردشگر از منطقه کاپادوکیه در بازدید می‌کند که تنها در دو ماه تابستان (جولای و آگوست) به این منطقه می‌آیند. بنابراین اثرات منفی این جریان توریستی در کاپادوکیه بسیار زیاد است و تمامیت ارزش‌های طبیعی و تاریخی منطقه را به خطر می‌اندازد. عمده چالش‌های ناشی از آسیب‌های گردشگری به شرح زیر است:

- این تعداد زیاد گردشگر تنها برای مدت کوتاهی از این منطقه بازدید می‌کنند. یعنی مدت اقامت گردشگران در کاپادوکیه به طور متوسط تنها ۲ روز است و یا به صورت روزانه رفت و آمد می‌کنند. بنابراین، سهم اقتصادی گردشگری در منطقه نا کافی است. تورهایی که عمدتاً توسط آژانس‌های بزرگ بین‌المللی یا ملی سازماندهی می‌شوند، تنها مقدار کمی از درآمدها را در منطقه به جامی گذارند و اغلب جمعیت محلی از مزایای گردشگری حذف می‌شوند. اما ویرانی که توسط گردشگری ایجاد می‌شود و باقی می‌ماند بسیار زیاد است.
- گردشگری انبوه: تهدیدی برای حفاظت در کاپادوکیه انباشت نا کافی سرمایه در منطقه ساکنان آنجا را مجبور می‌کند تا فضاهای زندگی سنتی خود را به تبعیت از خواسته‌ها و روند گردشگری رها کنند و کارمندی شرکت شوند که با گذشت زمان فقیر و فقیرتر می‌شوند. ساکنان منطقه از دانش، آگاهی و تخصص برای پاسخگویی به تقاضاهای روزافزون و در حال تغییر گردشگری برخوردار نیستند و به دلیل تمایل به انباشت سریع سود در کوتاه مدت، میراث فرهنگی در منطقه به شکل غیر قابل برگشتی از بین می‌رود.
- گردشگری خرید که اخیراً در کشور رو به افزایش است، همه ارزش‌های فرهنگی منطقه را به ارزش‌های اقتصادی تبدیل کرده و به سرعت مصرف می‌کند. این سیستم منجر به هیچ گونه مزیت فرهنگی برای منطقه نشده است و گردشگری به فعالیتی تبدیل می‌شود که در آن شرکت‌هایی که در این سیستم شرکت می‌کنند، کالاهای تولیدی خود را به جای کالاهای تولید محلی به بازار عرضه می‌کنند.
- گردشگران کم درآمدی که به منطقه می‌آیند و به دنبال گشت‌های سریع راهنماها از این منطقه به سبب دیگر می‌روند، مجبور می‌شوند بیشتر اوقات خود را در محیط‌های کاملاً ایزوله، خنک و استریل نمایشگاه‌های کارخانه‌ای که شبیه گردشگری ادغام شده‌اند سپری کنند. این گردشگران فرصت کمی برای ارتباط، اطلاع یا علاقه‌مند شدن به آثار فرهنگی و زندگی در منطقه دارند. «گردشگران فرهنگی» تحصیل کرده و آماده که به تنهایی به این منطقه آمده‌اند، به دلیل هرج و مرج ایجاد شده توسط این ترکیب از سیستم‌های گردشگری انبوه و خرید، تحت فشار قرار می‌گیرند و دور می‌شوند. این برای کسانی که در منطقه زندگی می‌کنند خسته کننده، دلسرد کننده و ناامید کننده است. بدیهی است که از آنجایی که گردشگری امروزه از طریق رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اشتراک گذاری بازاریابی می‌شود، فرصت مهمی برای ساکنین از دست می‌رود.
- مجموعه‌های بزرگ توریستی که عمدتاً بدون چارچوب و برنامه‌ریزی ساخته شده‌اند، با شخصیت کلی کاپادوکیه کاملاً ناسازگار هستند. آنها در خارج از شهر به صورت مجتمع و به صورت خوشه‌ای واقع شده‌اند. تنها کاری که برای تناسب آنها با محیط اطرافشان انجام می‌شود، رنگ آمیزی آنها به رنگ‌هایی مانند بژ، قهوه‌ای مایل به قرمز یا صورتی است. اما تنها بازی بارنگ‌ها برای تناسب این مجموعه‌های هتلی با بافت خود کافی نیست. ویژگی‌ها و مقیاس‌های معماری ناسازگار، حقایقی است که آنها را با محیط بیگانه می‌کند. از آنجا که تمرکز گردشگری و حفاظت از میراث بر بقایای باستان‌شناسی بی‌زانس متمرکز است، هیچ مجوز حفاظتی روشنی برای منظر عمومی و میراث فرهنگی معاصر در منطقه وجود ندارد. فقدان کنترل کافی و مشارکت جامعه در شیوه‌های ساخت و ساز باعث بیگانگی مردم محلی، به ویژه کسانی که تلاش می‌کنند از گردشگری امرار معاش کنند، شده است. (Tucker & Emge, 2011, 52).
- در نتیجه گردشگری انبوه، گردشگران به این مجموعه‌ها آورده می‌شوند و تنها از بناهای تاریخی بازدید می‌کنند بدون اینکه فضای کلی یا سبک زندگی و فرهنگ مردم محلی را تجربه کنند و هیچ گونه تعاملی بین گردشگران و مردم محلی ایجاد نمی‌شود. برای توسعه گردشگری پایدار، جامعه محلی باید در بخش گردشگری مشارکت داشته باشد تا منافع اقتصادی به اشتراک گذاشته شود و فرهنگ محلی تضعیف نشود.
- در طول دوره طولانی خارج از فصل، قیمت‌ها به حدی کاهش می‌یابد که منجر به کاهش قابل توجه کیفیت خدمات ارائه شده به گردشگران می‌شود. از سوی دیگر، گردشگری تنها برای مدت کوتاهی زمینه اشتغال را فراهم می‌کند و کسانی که در گردشگری و بخش‌های مرتبط کار می‌کنند در بقیه ایام سال بی‌کاری می‌مانند.
- همچنین تعداد زیادی از مردم به یکباره برای بازدید از منطقه در مدت زمان کوتاهی مراجعه می‌کنند و فشارهای زیادی ایجاد می‌شود که به فضاهای صخره‌ای، کلیساها و شهرهای زیرزمینی کاپادوکیه آسیب می‌رساند.
- (Binan, 2011, 108) فرسایش طبیعی و انسانی کاپادوکیه مثالی از سکونتگاه سنتی انسانی است که علاوه بر فشار توریسم، در اثر فرسایش طبیعی آسیب پذیر شده است... می‌بایست تمام بخش‌های دست‌کند چه کلیساها و چه سکونتگاه‌ها را از رطوبت، ریزش، یخ‌زدگی‌ها و همچنین وندالیسم و آسیب‌های انسانی محافظت کرد. در حال حاضر از مشکلات جدی این سایت، فرسایش طبیعی و انسانی توریستی است. واقعیت آن است که تخریب و از بین رفتن ارزش‌های طبیعی و فرهنگی در کاپادوکیه در حال توسعه است.

مرمت و ساخت و سازهای غیر اصولی و از بین رفتن حس مکان از دیگر چالش‌هایی است که امروزه کاپادوکیه با آن روبروست. با وجود مشکلات اداری، مالی و حفاظتی، تلاش‌های نو سازی با سرعت تمام در منطقه ادامه دارد. بازسازی و احیای دودکش‌های پری سقوط کرده، نگه داشتن آنها با دیوارها یا تکیه گاه‌های فولادی، پر کردن یا وصله کردن شکاف‌ها، پوشاندن آنها با مواد شیمیایی و بتن. یا اتخاذ رویکرد معکوس و رفع انواع تهدیدات برای تامین امنیت جان و مال انسانها با تخریب، برجیدن و تغییر منظر طبیعی و فرهنگی از جمله تلاش‌ها و اقدامات انجام شده برای جذب بیشتر گردشگران است؛ (Yuksel Dincer ۱۱۵, ۲۰۱۵).



>>>>

تصویر شماره ۱۷: نمونه‌ای از پله‌های مرمت شده با بلوک سیمانی بر روی قلعه دست‌کند در نوشهیر
منبع: آرشیو شخصی نگارنده

سنت‌کنندگان برای به دست آوردن فضای اضافی هنوز در کاپادوکیه ادامه دارد. در مراکز توریستی، بسیاری از مغازه‌های صنایع دستی محلی به شیوه کندن گسترده می‌شوند و در شهرهای محلی مردم در حال کندن زیرزمین هستند تا فضاهای جدیدی را ایجاد کنند و از آنها به عنوان انبار استفاده کنند. به دلیل دمای خنک زیرزمین، این فضاها به عنوان یخچالی برای نگهداری میوه و سبزیجات بوده و کاپادوکیه به عنوان انبار ترکیه نامیده می‌شود. بیشتر محصولات کشاورزی در این جا نگهداری می‌شود و در سراسر کشور توزیع می‌شود. این گونه تخریب‌های غیر اصولی، بی برنامه و بی ضابطه باید فوراً تحت کنترل در آیند. (Uzun Funda Varnaci & Somuncu Mehmet, ۲۰۱۸, ۱۴, Cagatay, Turkey).

شفاف نبودن مرز عرصه و حریم و ضوابط لازم از دیگر مواردی است که کاپادوکیه را با چالش جدی روبرو ساخته است. کاپادوکیه منطقه وسیعی را در بر می‌گیرد که مرزها و حریم آن هنوز مورد مناقشه است. میراث جهانی کاپادوکیه شامل مناطق متعددی با اندازه‌های مختلف و مکان‌های مختلف است. این واقعیت که محدوده حریم مناطق مشمول ثبت میراث جهانی بر اساس اصول و تکنیک‌های حفاظتی تعیین نشده است، تأثیر مخربی از نظر مشکلات فعلی حفاظتی، شیوه‌ها و راه‌حل‌های ممکن دارد. مشکلات به دلیل تداخل اختیارات مقامات و حوزه‌های مسئولیت اختصاص یافته به سازمان‌ها و نهادهای مختلف در منطقه تشدید می‌شود. این امر منجر به اختلاف و ابهام در اختیارات اداری می‌شود و حفاظت از منطقه را مختل می‌کند. رفع این ابهام و تعارض مستلزم شناسایی مرزهای عرصه و حریم منطقه و همفکری ذینفعان مختلف با حوزه‌های تخصصی مربوطه است. بسیاری از سکونتگاه‌هایی که ادعا می‌کنند در داخل حریم کاپادوکیه قرار دارند، وقتی صحبت از فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر گردشگری می‌شود، ترجیح می‌دهند که در خارج یا در مرز کاپادوکیه قرار بگیرند، به ویژه وقتی مسائل مربوط به محدودیت‌های مربوط به حفاظت از آثار فرهنگی وجود دارد. از سوی دیگر، تحلیل‌های مشخص و چند لایه‌ای برای یافتن منابع و مستندات دقیق برای تعیین حرائم کاپادوکیه مورد نیاز است.

- در کاپادوکیه نیاز شدیدی به یک نهاد اداری و نظارتی منطقه‌ای وجود دارد. در محوطه‌های میراث جهانی، این نهاد «مدیریت سایت» و ابزار اجرای آن برنامه مدیریتی محوطه است. کاپادوکیه این نوع ساختار اداری یا طرح مدیریت محوطه را ندارد. بنابراین، تمام مقامات اداری ذکر شده در بالا تلاش می‌کنند تا در کنار یکدیگر عمل کنند و نتیجه تداخل مسئولیت‌ها و اقدامات است. این ساختار پراکنده منجر به تضعیف اثرات آنها، کاهش کارایی و افزایش هزینه‌های آنها شده است. (Yuksel Dincer ۱۱۵, ۲۰۱۵)

البته در عین حال برنامه توسعه و مدیریت قدرتمند منطقه‌ای شامل دولت، بخش خصوصی، سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی و شهروندان، که به دنبال تعادل بین سودآوری و پایداری است در دست پیگیری است. داشتن خانه در برخی از شهرهای محبوب کاپادوکیه اخیراً روند رو به افزایشی داشته‌است و بناهای تاریخی و خانه‌های دست‌کند را بیشتر خریداری می‌کنند. برخی از خانه‌ها توسط افراد غیر محلی، از جمله افراد خارجی به خوبی بازسازی شده‌است. به نظر می‌رسد که حفاظت و احیای مناطق تأثیر مثبتی داشته باشد، اما در عین حال باعث سفته‌بازی، سوداگری زمین و اعیان‌سازی می‌شود که اگر تحت کنترل قرار نگیرد ممکن است به عنوان یک تهدید به حساب آید زیرا که موجب برهم خوردن بافت و تعادل اجتماعی اقتصادی منطقه خواهد شد که این امر خود به برهم خوردن تعادل کالبدی منجر خواهد شد.

نتیجه‌گیری

حفظ و احیای میراث جهانی کاپادوکیه کاری بسیار حساس و دشوار است و به نظر می‌رسد که راهبردهای موجود در حال حاضر کافی نباشند. کاپادوکیه برای یک توسعه پایدار از نظر زیست محیطی نیاز به حفاظت منطقه‌ای جامع دارد.

مردم محلی با سیاست‌های نادرست از محل سکونت خود جابجا شده و در مسکن جدید ناسازگار با سنت زیست آنها و با صرف انرژی و هزینه‌های هنگفت مستقر شده‌اند و مسکن قبلی خالی از روح زندگی گذشته و با تغییرات زیاد به مکانی برای اسکان گردشگران تبدیل شده‌اند. سکونتگاه‌هایی که زمانی زندگی سنتی در آن رونق داشت به روستاهای تعطیلات تبدیل شده است. مردم محلی سخت کار می‌کنند تا خانه‌های صخره‌ای و دست‌کند سنتی خود را به مکان‌های اقامتی مطابق با نیازهای گردشگری تبدیل کنند. منافع درازمدت حاصل میراث فرهنگی منطقه نباید در ازای دستاوردهای اقتصادی کوتاه مدت از بین برود. این در حالی است که ساخت هتل بوتیک‌های لا کچری در سال‌های اخیر با ارائه امکانات بیش از اندازه جایی برای رقابت مسکن آماده شده توسط افراد محلی با این هتل‌ها باقی نمی‌گذارد. افزون بر آن الگوی غلطی را در مواجهه با توریست به آن‌ها تحمیل می‌کند. بنابراین، تعریف و اهداف ایجاد هتل بوتیک‌ها باید به طور جدی بازنگری شود. «صاحبان هتل باید تشویق شوند تا گواهی مناسب «هتل بوتیک» را دریافت کنند. تأسیسات باید تحت نظارت قرار گیرند تا مشخص شود که آیا آنها معیارهای مشخص شده در مقررات را دارند یا خیر.» (GÜNEŞ CAN, ۲۰۰۷, ۱۳۶-۱۳۷)

حضور بیش از اندازه موسسات گردشگری و سرمایه‌گذاری و برنامه ریزی‌های یکجانبه که اغلب تنها به حصول منافع کوتاه مدت و موقت خود می‌انديشند، روز به روز نقش و حضور مردم محلی را در بطن جامعه کم رنگ‌تر ساخته، مصرف منابع را بیشتر نموده و پایداری این مکان را به خطر می‌اندازد. هر گونه مداخله‌ای که ارزش خانه‌های دست‌کند را از بین ببرد یا مانع از درک درست آنها شود، نباید انجام شود. مداخلات باید از نظر فرم، تکنیک و مصالح با ویژگی‌های بومی محل هماهنگ باشد. مداخلاتی که برگشت‌ناپذیر هستند نباید اجرا شوند.

وسعت گسترده این اثر و نبود قوانین و ضوابط عرصه و حریم مشخص و شناخته شده برای همه ذینفعان دست‌اندر کار بخش حفاظت و گردشگری موجب تداخل اقدامات، بی‌نظمی و ساخت و سازهای بی‌رویه در بخش‌های زیادی از مجموعه شده است که اصالت اثر را تهدید می‌کند.

میراث جهانی دست‌کند کاپادوکیه از فرسایش طبیعی و انسانی جدی رنج می‌برد که بخش زیادی از آن به دلیل حضور توریست انبوه و برنامه ریزی نشده در برخی از نقاط قابل دسترس تر این سایت بوده است. البته به نظر می‌رسد پاندمی و ویروس کرونا در این سال‌ها علیرغم همه آثار منفی آن، حداقل آرامش و فرصتی برای بازنگری برنامه‌های حفاظتی در این گونه سایت‌ها را فراهم نموده است.

نهایتاً اینکه اقدامات غیر هماهنگ و بدون برنامه‌ریزی در نقاط مختلف این سایت جهانی آسیب‌های جدی بر منظر، کالبد، بافت اجتماعی و میراث ناملموس آن وارد نموده است که نیازمند مدیریت یکپارچه همراه با در نظر گرفتن منافع مردم محلی، مشارکت آنها در همه عرصه‌ها و احترام به همه ارزش‌های طبیعی، مادی و معنوی آن‌را طلب می‌نماید.

- 1- Göreme National Park and the Rock Sites of Cappadocia
- 2- Gölü Dağı
- 3- Tyana (Kemerhisar)
- 4- peri bahcaları
- 5- İhlara
- 6- Kayseri
- 7- Kaymaklı
- 8- Derinkuyu
- 9- AFET evleri
- 10- Zelve
- 11- Çavuşin
- 12- Ürgüp
- 13- Avanos
- 14- Nevşehir
- 15- Göreme

منابع
 اقبالی الله بلاغی، خالدہ (۱۳۹۴). «هتل پری (Peri hotel)، بررسی موردی طراحی در معماری دست‌کند»،
 مجموعه مقالات اولین همایش معماری دست‌کند، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری: ۹۴-۱۰۱.
 امام شوشتری، سید محمد علی (۱۳۴۸). «دانشگاه شاپورگرد»، بررسی‌های تاریخی، شماره ۱، سال چهارم: ۳۲۷-۳۵۴.

Binan C. & Celebioglu B. (2011). Une Histoire Développement avec le Patrimoine: La Region de Cappadoce, Aspects positifs et negatives, ICOMOS, Paris.

Carpiceci Marco, Inglese Carlo & Colonnese Fabio (2015). The Cave Revealed. The Monastery of Aynali and the Representation of Rupestrian Architecture, Part III, Communication of Heritage: -329 337.

Crescenzi, Carmela (2012). Cultural rupestrian heritage in the circum-Mediterranean area, Common identity- New perspective, Exhibition Firenze Giugno, Tipografia il David, Firenze.

Emge, Andus (2011). At home in "non-being". Understanding Cappadocia's Cave dwellings, Fairy Chimneys and Underground Cities in Central Anatolia. Cappadocia Academy Working Paper Series, Vol. 2011 ©, 1 Göreme, Nevşehir.

General directorate for cultural assets and museums (2021). Derinkuyu, Underground city, A different world in the underground, <https://kvmgm.ktb.gov.tr/Eklenti/91542,nevsehir-derinkuyu-underground-citypdf.pdf?0>.

Gunes, Can Sukran (2007). A critical assessment for reuse of traditional dwellings as boutique hotels in Urgup, A thesis submitted to the graduate school of natural and applied sciences of middle east technical university.

Kalas, Veronica (2007) Cappadocias' rock-cut courtyard complexes, A case study for domestic architecture in byzantium In Lavan Luke, Ozgenel Lale and Sarantis Alexander, 2007, Housing in late antiquity, from places to shops, Brill, Leiden- Boston.

Neila F.J. (2004). Arquitectura bioclimática en un entorno sostenible. Madrid: Munilla-Lería.

Nývltá Vladimír, Musíleka Josef, Jiri Cejka, Stopkac Ondrej, 2016, The Study of Derinkuyu Underground City in Cappadocia Located in Pyroclastic Rock Materials, ScienceDirect, Procedia Engineering 161. P. 2258 – 2253, World Multidisciplinary Civil Engineering-Architecture-Urban Planning Symposium Elsevier Ltd, Available online at www.sciencedirect.com.

Tucker, Hazel and Emge Andus (2006). World Heritage and Cultural Tourism The Case of Cappadocia in Turkey.

Tucker. Hazel and Emge Andus (2010). Managing a World Heritage Site: The Case of Cappadocia, *Anatolia: An International Journal of Tourism and Hospitality Research*, Volume 21, Number 1, pp. 54-41.

Uzun Funda, Varnaci & Somuncu Mehmet (2018). Assesment of cultural landscape values and their protection status in Ihlara valley in *International Journal of Humanities and Social Sciences (IJHSS)* ISSN(P): 393-2319X; ISSN(E): 3948-2319 Vol. 8, Issue 1, Dec - Jan 18-7 ;2019 © IASET, <https://www.cappadociahistory.com/post/selime-castle>.

Yamac, Ali & Toc Ezgi (2015). Cave dwellings and underground cities of Belagasi village and Otedere valley(Kayseri-Turky), *Journal Of OPERA IPOGEA* 50 -41 :2.

Rivista della Società Speleologica Italiana Commissione Nazionale Cavità Artificiali

Yildiz, Pelin (2015). Cave Houses as Arcetypes of Shelter Formation in Capadoccia Region, Turkey, *Athens Journal of History - Volume 1, Issue 1 – Pages 36-23*. <https://doi.org/10.30958/ajhis.2-1-1> doi=10.30958/ajhis.2-1-1.

Yildiz, Pelin (2006). Analysis of the Cappadician cave house' in Turkey as the historical aspect of the usage of nature as a basis of design, in *Design and Nature III: Comparing Design in Nature with Sience and Engineering*, p. 70-61.

Yuksel Dincer, Hamza (2015). La Cappadoce, Les problèmes actuels de la protection d'un site du patrimoine mondial, them1, Conférence proceeding on Heritage and Landscape as Human Values, 18th General assembly of ICOMOS. Florence, Italy: 116-111.

Abstract

A Study on Cappadocia's Troglodytic World Heritage Site and Its Existing Conservation Challenges

Mahnaz Ashrafi, Ph.D. in Architecture, University of Geneva, Switzerland

Assistant professor at Research Institute of Cultural Heritage & Tourism, Director of Iranian Committee on Troglodytic Architecture (ICTA), ICOMOS, Iran

Troglodytic architecture is a type of indigenous architecture that its significance has become increasingly noticeable in recent years. Numerous troglodyte works have lately been identified and introduced, with many of them being classified as national heritage by countries, as well as several complexes and sites being added to the World Heritage List. For instance, the cultural landscape of Maymand in Iran, Matera in Italy, Cappadocia in Turkey, and Petra in Jordan, can all be classified as world troglodytic heritage sites. Meanwhile, appropriate and principled protection of these works can ensure that they are passed down to future generations. Fairy chimneys, underground cities, Byzantine churches and monasteries, pigeon houses, and so many other troglodytic elements can be found in Cappadocia. The aim of this article is to examine the conservation challenges that have arisen as a result of recent changes and touristic activities in Cappadocia following its inscription on the World Heritage List. In this regard, an attempt has been made to study the Cappadocia by libraries sources and field observations of this World Heritage Site. The various spaces and the uses of this large and extensive complex were thus briefly introduced at first. Then, by studying the process of development, the existing conservation challenges of this place in various physical, social, and environmental dimensions were identified and analyzed. Studies have shown that Cappadocia, a UNESCO World Heritage Site, is undergoing serious natural and human erosion, most of which is owing to the existence of disorganized tourism planning in some of the more accessible areas of the site. The vast size of this property, plus the lack of clear and well-known rules and regulations in the fields of protection and tourism for all stakeholders, has resulted in interference of measures, irregularities, and substandard constructions that are uncoordinated with the physical and visual context in many parts of the Cappadocia. Local people have been displaced by wrong policies and have moved into new housing that is inconsistent with their living tradition and at great expense and expense. In addition, the former dwellings are empty of the spirit of the past life and with many changes have become a place for tourists to stay. However, the construction of luxury boutique hotels in recent years in Cappadocia by offering too many facilities to special visitors, does not leave any occasion for local-prepared housing to compete with these hotels. Furthermore, it forces them to follow an incorrect pattern for tourism. The presence of excessive tourism organizations and investment of individual institutions and enterprises and unilateral planning, which often think solely of their short-term and temporary benefits, are diminishing the role and presence of local people in society, increasing resource consumption, and jeopardizing the place's sustainability. As a result, uncoordinated and unplanned actions in different parts of this world heritage site have caused serious damage to its landscape, context, social fabric, and intangible heritage, which requires integrated management with consideration of the interests of local people, their participation in all areas and as well respect and respect for natural, material and immaterial values.

Keywords: Troglodytic World Heritage, tourism development, conservation, challenges, Turkey, Cappadocia



مقابر اتروسکی - نکر و پولی <<<
لاتزیو - ایتالیا
عکس از: محمد کشاورز دیو کلایی



«تحلیل معماری دست‌کند در جزایر قناری - بخش نخست: سکونتگاه‌های دست‌کند»

چکیده:

میراث مجموعه‌های دست‌کند بدون شك يك ميراث گسترده در سرتاسر جغرافیای جهان است. در حال حاضر نمونه‌های شناخته شده‌ای مانند: کاپادوکیه در ترکیه، مترا در ایتالیا، لس‌ایزبس دوردوگنه در فرانسه، قوادیکس و جزیره بزرگ قناری در اسپانیا، میمند و کندوان در ایران، از نمونه‌های مهمی هستند که در عین ارتقای غنای میراث فرهنگی در این کشورها، به منزله جاذبه گردشگری نیز مورد توجه‌اند. آنچه مطالعه این دسته آثار را مهم و ضروری می‌کند، اهمیت این نوع سکونتگاه‌ها از بُعد تاریخی و نیز مزیت بستر طبیعی آنها برای ارائه مدل‌های معماری زیست‌اقلیم در مناطق مختلف دنیاست. این تحقیق با هدف نشان دادن گونه‌هایی از معماری دست‌کند با کاربری سکونتگاهی در جزایر قناری انجام شده است. ارزش‌های سازنده این گونه معماری، انعکاس صادقانه تغییرات تاریخی، اجتماعی و اقتصادی محیط را در پیکربندی معماری و منظر نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی:

معماری دست‌کند، گونه‌شناسی، جزایر قناری، اسپانیا



تهیه و تنظیم: لیدا حسین‌زاده
دکترای معماری و شهرسازی
از مدرسه عالی پلی تکنیک
مادرید، مدرس و پژوهشگر
حوزه معماری و شهرسازی

Hosseinzadeh.lida@khu.ac.ir

مقدمه‌ای بر معماری دست‌کند در اسپانیا:

اسپانیا از جمله مکان‌هایی است که بیشترین تراکم معماری دست‌کند را در کل سواحل مدیترانه دارد. ارزش نمادین و ویژگی دائمی آثار معماری حفر شده در ناحیه جنوب شرقی اسپانیا، به ویژه در گرانادا و آلمریا^۱ برجسته‌تر است. با این حال، دست‌کندهای چینچیلا در الباسته^۲ یا دست‌کندهای واقع در منطقه بو کایرنته در والنسیا یا در الیکانتته^۳ نیز قابل توجه هستند. (Cabildo, ۲۰۱۵: ۱۹۹۳) این آثار معماری در اسپانیا بسیار گسترده است و می‌توان آن را در شهرهای مختلف به عنوان پدیده‌ای مستقل یا هسته‌هایی با ماهیت حاشیه‌ای در اطراف مراکز شهری یافت. به دلیل فراوانی این گونه آثار در جزایر قناری، به ویژه در جزیره گرن قناری، در این نوشتار صرفاً به معرفی برخی از گونه‌های سکونتگاهی دست‌کند در منطقه مزبور می‌پردازیم و در شماره‌های آتی به معرفی سایر گونه‌ها در این منطقه خواهیم پرداخت.

شکل‌گیری سکونتگاه‌های دست‌کند در جزایر قناری

مجموعه خانه‌های دست‌کند توسعه یافته در اسپانیا در شرایط محیطی، اجتماعی و اقتصادی متفاوتی به وجود آمده‌اند. اولین و به طور کلی رایج‌ترین عامل در تنوع اینگونه آثار، اقلیم است؛ چنانچه پدیده‌های معماری دست‌کند در بسیاری از کشورها بیشتر در مناطقی با درجه حرارت شدید و بارندگی کم و یا مناطقی با تغییرات قابل توجهی در دمای فصلی و بین دمای روز و شب گسترش یافته‌است. به همین ترتیب، این پدیده بخصوص در جنوب کشور اسپانیا که واجد چنین شرایط محیطی است بسیار گسترده است. (Santana Rodriguez, ۱۸۱: ۲۰۰۸-۲). اولین مهاجران جزیره قناری گونه‌ای از یک شهرسازی دست‌کند را در این مناطق توسعه دادند که در گذر زمان مجدداً تکمیل و اصلاح شد و بخش بزرگی از جمعیت کشاورزی جزایر را در خود جای داد.



<<<

شکل ۱. مجموعه‌ای از خانه‌های دست‌کند، پرویس در جزیره لا پالما
www.disfrutare.com



>>

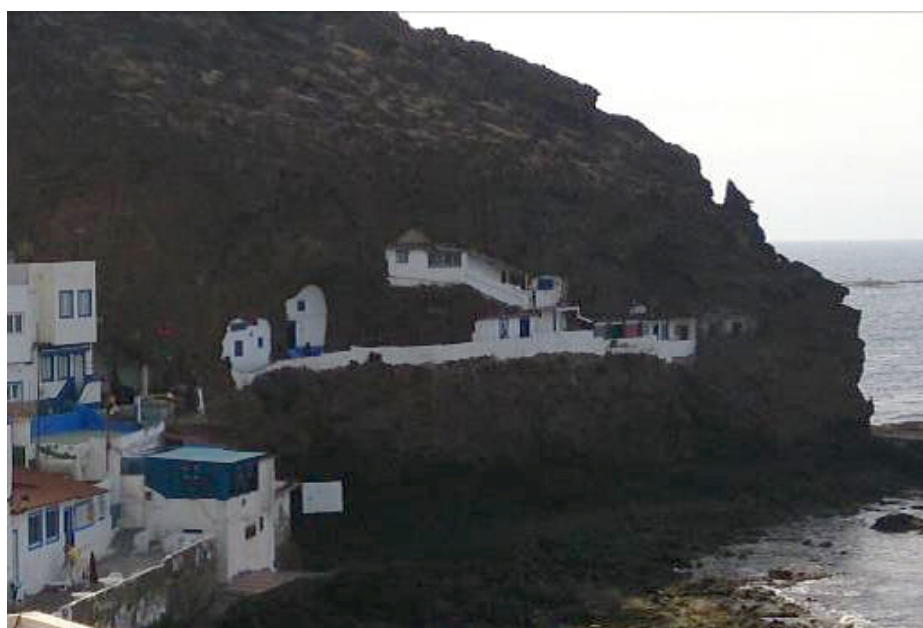
شکل ۲. مجموعه‌ای از خانه‌های دست‌کند، چینامادا در جزیره تنریفه
www.disfrutare.com

یکی دیگر از محرک‌هایی توسعه معماری دست‌کند در جغرافیای اسپانیا جنبه پناهگاهی این گونه آثار در شرایط نامساعد اقتصادی و امنیتی است. چنانچه پس از خروج اعراب از این کشور در قرن هفدهم و پس از دوره‌های طولانی ناامنی، فقر کشور را فرا گرفته بود، بنابراین دست‌کندها نه تنها برای آسایش مردم، بلکه به دلیل هزینه‌اندک اقتصادی، محل زیست بسیاری از افراد بوده است. این شرایط به نوبه خود باعث شد، تعدادی از مردم از شهر به روستاها برای مراقبت از دام‌ها و زمین‌های کشاورزی مهاجرت کردند. در حال حاضر، بسیاری از این سکونتگاه‌ها با ارائه خدمات اولیه برای سکونت (آب، برق، فاضلاب) همچنان مورد استفاده قرار می‌گیرند، با این حال، هنوز برخی از این نوع جوامع سکونتی فاقد مقرراتی هستند که شرایط استفاده از آنها را ایجاد کند (Santana Rodriguez ۱۸۹: ۲۰۰۸).



<<<<

شکل ۳ و ۴. خانه‌های دست‌کند با منشأ ماقبل اسپانیایی کنونی و استفاده فعلی آنها بالا: آکوسا، آرتنارا جزیره گرن قناری سمت پایین: دهکده ماهیگیری توفیا



این نوع سکونتگاه با گونه‌شناسی خاص خود محصول کار بشر در طول تاریخ است، که نتیجه عوامل طبیعی، فرهنگی، محیط فیزیکی، سازگاری و تلاش انسان‌هاست. تغییرات در فرآیندها و روش‌های ساخت این نوع سکونتگاه نه تنها ارتباط تنگاتنگی با تغییرات در تاریخ، اقتصاد و مسائل اجتماعی یک قوم دارد؛ بلکه با تغییرات اکولوژیکی مردم نیز مرتبط است. (Algarín Comino, ۲۰۰۶: ۲۸۷) از دیرباز، ساکنان قناری در دست‌کندها، مانند یک پناهگاه زندگی می‌کردند. بسیاری از دست‌کندها طبیعی و برخی مصنوعی بودند. این معماری شرایط آسایشی پایدار و ایده‌آلی را در برابر شرایط خارجی با یک دمای تقریباً ثابت در داخل بنا در طول سال فراهم می‌آورد. این دست‌کندها یکی از سازه‌های پرتعداد بوده است که در جزایر بزرگ قناری، تنریفه^۴ و لاپالما قابل استفاده بوده‌اند. شرایط حرارتی خوب و مقرون به صرفه بودن آن سبب شد که استفاده از آن، تا به امروز ادامه داشته باشد. (Abreu and Galindo, ۱۹۵۷: ۱۶۲). در حال حاضر، در تنریفه این پدیده به اندازه جزیره بزرگ قناری توسعه پیدا نکرده است و این گونه دست‌کندها (گونه نوع اول) بیشتر به عنوان انبار استفاده می‌شوند تا فضایی برای سکونت. همچنین، در لاپالما، این گونه معماری محدود به مناطق روستایی بوده، جایی که کشاورزان با منابع اقتصادی محدودی کار می‌کرده‌اند. در جزیره بزرگ قناری، گونه دست‌کندهای سکونتی که شامل خانه، مدرسه و خانه بهداشت (گونه نوع دوم) بوده است، بین ۸ تا ۱۰ درصد از جمعیت در طول سال‌های ۱۴۸۰ و ۱۸۵۰ را در خود جای داده بودند. این منطقه دارای میراث مهم با ارزش فرهنگی است، که امکان تعیین اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت را در سیاست‌های بازبانی و ارتقای گردشگری فراهم می‌کند و قابلیت تبدیل شدن به فضاهایی با معیارهای درجه یک در چارچوب بین‌المللی میراث شهرهایی با سایت‌های دست‌کند مرتبط با گردشگری فرهنگی و محیطی را دارد.

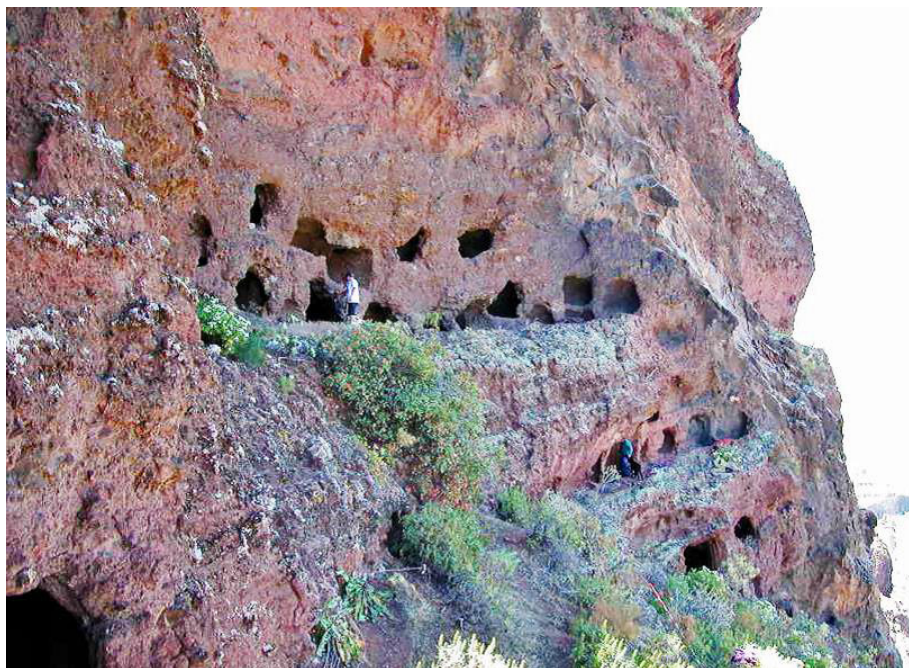
(Lopez García, ۱۹۹۳: ۱۲۴۳-۱۲۵۷)

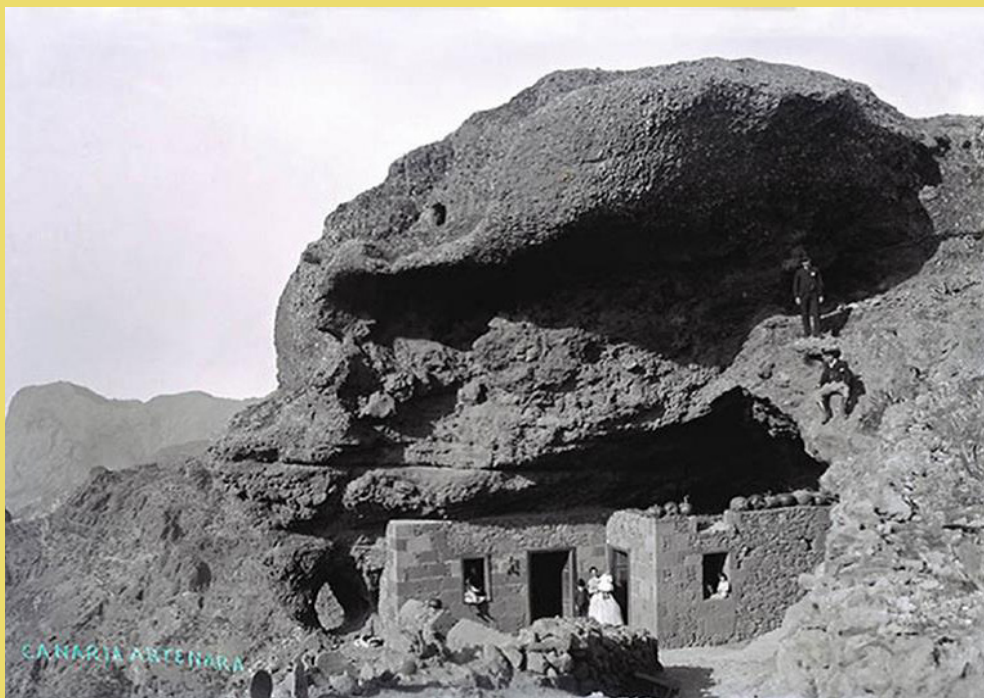
می‌توان گفت برجسته‌ترین و منحصر به فردترین میراث معماری، باستان‌شناسی، تاریخی، قوم‌نگاری و منظر در جزیره بزرگ قناری، روستاهای دست‌کند هستند. با این حال، هنوز مطالعات کاملی که امکان شناخت شخصی و جزئی از این میراث را در کشور اسپانیا فراهم کند انجام نگرفته است؛ میراثی که در قرون اخیر توسعه یافته و دگرگون شده و باعث ایجاد تنوع در ساخت و ساز با ویژگی‌هایی با ارزش معماری و منظر شده است.

(Lopez García, ۲۰۰۷: ۴۷-۷۴)

>>>>>

شکل ۵. نمای ورودی انبارهای غلات مرتبط با سکونتگاه بومی مجموعه دست‌کند آل ری، تندا، جزیره گرن-قناری
www.dataciones.grancanariapatrimonio.com



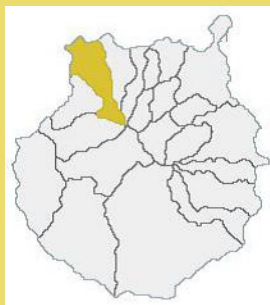


<<

شکل ۶. دست‌کند مورد استفاده به عنوان سکونتگاه، خانه بهداشت و مدرسه در منطقه آرترانا، جزیره گرن-قناری
www.fedac.org

سکونت در دست‌کندهای جزیره بزرگ قناری از دیرباز تا کنون تقریباً بدون وقفه در حال توسعه بوده است و حضور آنها عملاً در سراسر این قلمرو قابل مشاهده است. این آثار از قرن نوزدهم دستخوش تغییرات مهم، سازنده و گونه‌شناختی شد. شکل اولیه دست‌کند که به عنوان سکونتگاه مورد استفاده گذشتگان بوده، از مرحله پیش از اسپانیایی به آنچه امروز می‌بینیم، تغییر یافته و به دلیل اضافه شدن ساختمان‌های جدید باعث از بین رفتن هویت آن شده است.

(Lopez García, ۱۹۹۳: ۱۲۵۰-۱۲۵۳)



<<<

شکل ۸ و ۷. سمت چپ جزیره گرن-قناری و موقعیت مکانی منطقه گالداری، سمت راست توپوگرافی منطقه گالداری و تعیین حدود جغرافیایی مجموعه تاریخی
۱۰۸۰-۲۰۱۶: ۱۰۷۱, Martínez Díaz

در چارچوب پیشرفت و توسعه در پایان قرن هجدهم و در طی قرن نوزدهم، خانه‌های دست‌کند به واسطه سه عامل مهم درگیر شدند. عامل اول تغییرات اولیه در برنامه طراحی شهری بود که نشان می‌داد بسیاری از این آثار، هسته‌های دست‌کند شهری هستند و تصویری تازه از آنها ارائه می‌دهند. عامل دوم افزایش جمعیت در مناطق بین شهری بوده که منجر به تبدیل دست‌کند شیوه سنتی به خانه روستایی دست‌کند شد. و در نهایت، سومین عامل پیدایش جاده‌های جدیدی بود که مرکز جزیره را با معماری بافت قدیمی به هم متصل می‌کرد، که منجر به تجمع هسته‌های مهم دست‌کند شد و ارتباط بین مناطق روستایی را تسهیل کرد (Lopez García, ۱۹۹۳: ۱۲۵۰-۱۲۵۳)

در اواسط قرن ۱۸ میلادی، برخی از بازدیدکنندگان خارجی به دلیل اهمیت قابل توجه آثار دست‌کند، از این جزیره بازدید کردند. در متون و نوشته‌های آن زمان می‌توان شرحی از این گونه دست‌کندها یافت که در برخی موارد شاهد میزان هزینه زیاد اجاره آنها هستیم، این موضوع بیانگر آن است که در آن زمان، این سکونتگاه‌ها یک دارایی جذاب و خاص برای این قلمرو محسوب می‌شدند که برای بهره‌برداری بسیار مفید بودند. روشنفکران، نویسندگان و مسافرانی مانند الیزابت موری یا مهندس لئوناردو توریانی این آثار را اینگونه توصیف می‌کنند: «ساکنین جزیره بزرگ قناری سکونتگاه‌هایی داشتند که دارای اتاق‌هایی با نحوه ساخت بسیار خوب بودند که رضایت خاطر مردم را فراهم می‌کردند. جزیره نشینان باستانی دست‌کند را به اقامتگاه‌های دیگر ترجیح می‌دادند. آنها در زمستان با گرمای موجود در منافذ زمین از خود محافظت می‌کردند و در تابستان با خنکایی که از درون زمین و کوه کسب می‌کردند از پرتوهای داغ خورشید در امان بودند» (Murry, ۱۸۹: ۱۹۸۸, Torriani, ۱۹۵۹: ۲۹۸).

تابستان با خنکایی که از درون زمین و کوه کسب می کردند از پرتوهای داغ خورشید در امان بودند»^۶
 Murry, ۱۸۹:۱۹۸۸, Torriani, ۳۹۸:۱۹۵۹).



>>>>>

شکل ۹ و ۱۰. سمت راست تصویر هوایی، ۱۹۶۱
 سمت چپ نمای بیرونی یکی از خانه‌های
 دست‌کند منطقه گالدردر جزیره گرن قناری

Martínez Díaz, ۱۰۷۱:۲۰۱۶-۲۰۸۰

تعداد مهمی از دست‌کندهای جزایر قناری در مناطق مختلف پراکنده شده‌اند که ۲۵ درصد کل بناها را تشکیل می‌دهند. در ادامه، در برخی نمودارها نشان داده شده است که تعداد دست‌کندهای موجود در هر یک از این مناطق بر حسب درصد نشان داده شده است تا اهمیت این آثار، قابل درک باشد.
 به طور خلاصه لازم به ذکر است که جزیره بزرگ قناری با ۱۵۶۰ کیلومتر مربع مساحت، بیش از ۲۱۰۰ دست‌کند فعال (قابل سکونت) دارد. و در منطقه گالدردر، تقریباً ۳۰۰ دست‌کند وجود دارد. این رقم با دست‌کندهای مسکونی اندلس قابل مقایسه است که با مساحت ۸۷۲۶۸ کیلومتر مربع مجموعاً بیش از ۸۵۰۰ دست‌کند فعال را تشکیل می‌دهد. اگرچه در جزیره بزرگ قناری تعداد دست‌کندهای خالی از سکنه و یا غیر قابل استفاده دو برابر بقیه مناطق است. ارتباط درصد گرافیکی مربوط به تعداد دست‌کندهای موجود از یک سو، دست‌کندهای غیرمسکونی، در جامعه اندلس و مجمع‌الجزایر قناری از سوی دیگر، اهمیت این پدیده را قابل درک می‌کند. (Santana Rodriguez, ۱۱۵:۲۰۰۸)

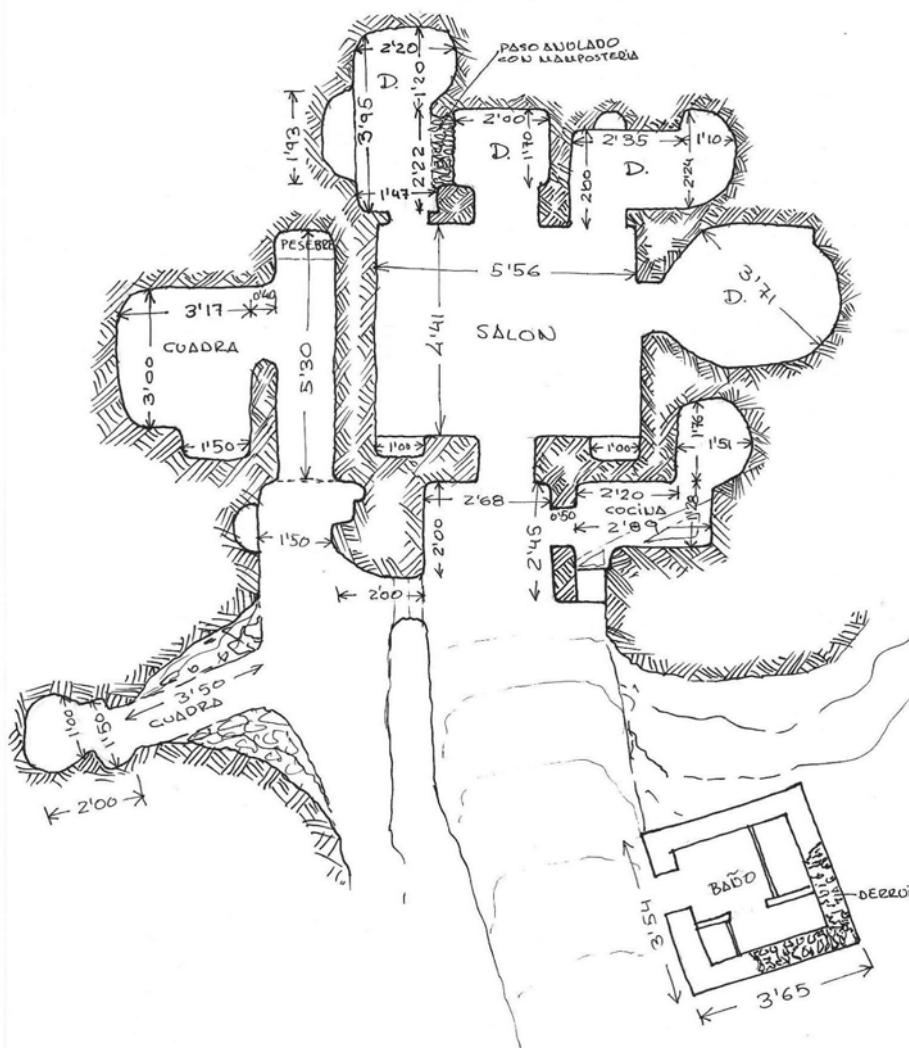


>>>>>

شکل ۱۱ و ۱۲: نماهای داخلی و خارجی خانه
 دست‌کند

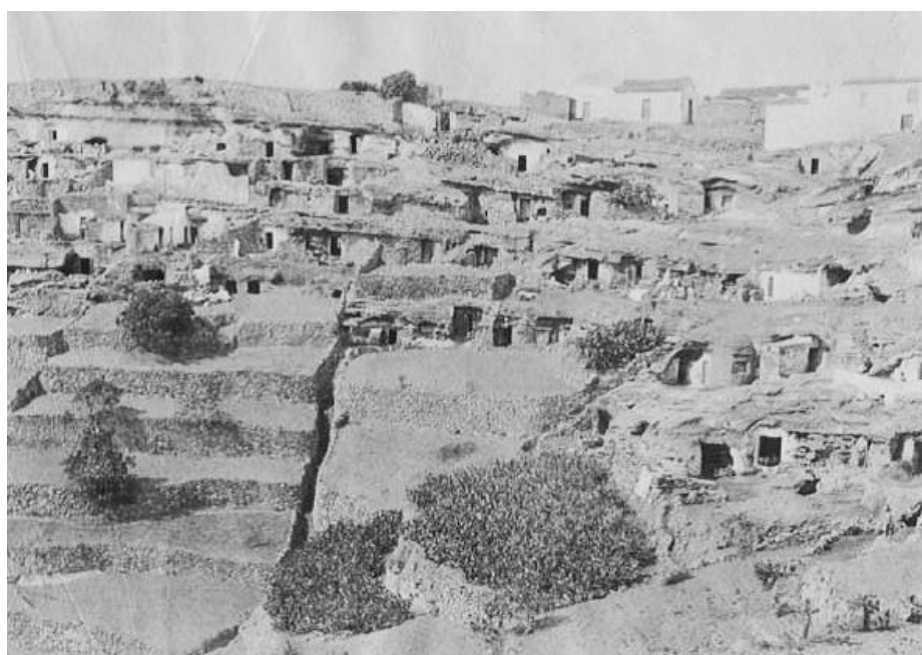
Martínez Díaz, ۱۰۷۱:۲۰۱۶-۲۰۸۰





<<<<

شکل ۱۳. پلان خانه دست‌کند و دست‌شویی اضافه شده در سال‌های اخیر به جهت استفاده کم‌تری. کروکی ثبت شده در میراث فرهنگی مجموعه جزایر قناری
Martínez Díaz, ۱۰۸۰-۲۰۱۶:۱۰۷۱



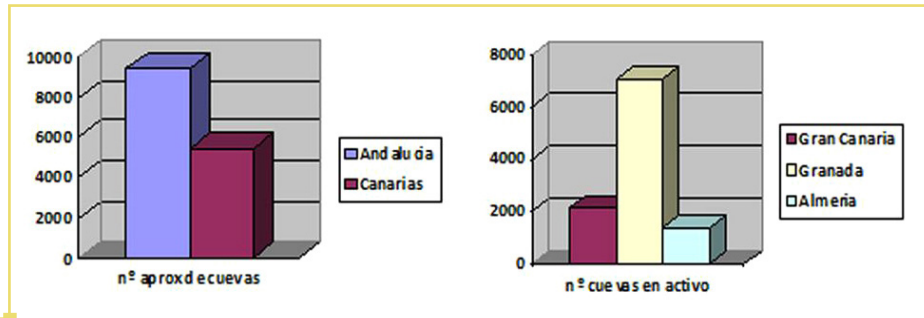
<<<<

شکل ۱۴. نمای کلی سکونتگاه دست‌کند در لا آتالا یا د سانتا بریگیدا، جزیره گرن قناری
www.fedac.org

>>>>>

نمودار ۱. تصویر گرافیکی مقایسه ای بین دو استان مستقل و تعداد خانه های دست کند، همچنین مقایسه بین جزیره بزرگ قناری و استان های گرانادا و آلمریا که خانه های دست کند در آنها تمرکز بیشتری دارند. توضیح شخصی با توجه به داده های جمع آوری شده معماری دست کند، غارهای اندلس، مجتمع های مسکونی

۱۱۵:AA.VV



نتیجه گیری:

علیرغم اینکه معماری دست کند مدت ها است که کم ارزش تلقی شده است، اما این نوع معماری میراثی را شکل داده که شیوه های زندگی فرهنگ ها را در سیر تحولات تاریخی مشخص می کند. این موضوعی است که متخصصان آن را نادیده گرفته اند. فضاهای کنده شده به این سبک که به منظوره های متفاوتی همچون سکونت، نیایش، انبار، تدفین و غیره خلق شده اند، اراده ای مصمم به همراه خلاقیتی شگرف برای رفع نیازهای انسان را به نمایش گذاشته اند. فضاهایی که ضمن تاکید بر کارکرد مورد نیاز به ساده ترین شکل نماهایی دلنشین و سازگار با منظر را شکل داده است و شاید در این سرزمین الهامی برای معماران بزرگی از جمله گائودی بوده است تا آثار مدرن خود را با تاکید بر طبیعت و این نوع معماری بسازند به طوریکه به طور مثال مزامیلا که نمای آن کاملاً به نماهای مجموعه های دست کند شباهت دارد اکنون در فهرست میراث جهانی قرار گرفته است و یکی از پربازدیدترین آثار اسپانیا به حساب می آید. بنابراین درک، تحلیل، حفظ نمونه های موجود ضرورت خواهد داشت. همچنین استفاده بهینه و به کارگیری اصول به کاررفته در آنها، بی شک در ارتقاء معماری امروز موثر خواهد بود.

پی نوشت ها:

- 1- Granada and Almeria.
- 2- Chinchilla in Albacete.
- 3- Bocairente in Valencia or Alicante.
- 4- Chinamada, the island of Tenerife.
- 5- Prois on the island of La Palma.
- 6- 10-Murray, Elizabeth, 1988:189. Engineer Torriani, Leonardo, 1959:298; Galdar. 2011:227-248

- Abreu and Galindo, Juan de, 1957. History of the Conquest of the Seven Canary Islands. Santa Cruz of Tenerife: Goya Editions:162.
- Algarín Comino, Mario, 2006. Excavated architectures: the project versus the construction of space. Barcelona: Fundación Caja de Arquitectos: 287.
- Ed. Cabildo de Gran Canaria, 1993. Inventory of Ethnographic Heritage, Ethnographic Charter of Gran Canaria, File no. 2157
- Lopez García, J.B,1993. The underground architecture of Gran Canaria in nineteenth-century texts. Ed. Las Palmas de Gran Canaria. Island Council of Gran Canaria: -1243 1257.
- Lopez García, J.B, 2007. The Gran Canaria cave house: cultural issue and resource. Ed. Las Palmas de Gran Canaria: The Canary Museum: 74-47.
- Murry, E, 1988. Memory of Gran Canaria and Tenerife (1882-1815). (Introduction, notes and translation: José Luis García Pérez, Pedro Duque Canarias, S.S), Santa Cruz de Tenerife: 189.
- Martínez Díaz, Lara,2016 L Arte Di Abitare il Paesaggio, Architettura Troglodita Nelle Isole Canarie, Tipologia Di Estudio E Analisi, Colloqui. AT,e, Convegno, Ar.Tec, Matera: 1080-1071.
- Ricardo Javier Santana Rodríguez,2008. The troglodytic heritage of Gran Canaria, Las Palmas de Gran Canaria, Insular Association for Rural Development of Gran Canaria. AA.VV(:115
- Santana Rodriguez, R (ed.) 2008.The troglodyte habitat today: the transformation of the troglodyte cores and the evolution of construction techniques. The cave heritage of Gran Canaria. The Gran Canarian palms. Insular Association for Rural Development of Gran Canaria: 189-181.
- Torriani, Leonardo,1959. Description of the Canary Islands. Ed,Goya. Santa Cruz de Tenerife: 298.
- www.fedac.org
- www.dataciones.grancanariapatrimonio.com
- www.disfrutare.com

Analysis of Troglodytic Architecture in the Canary Islands part one: troglodytic settlements

Lida Hosseinzadeh, Ph.D. in Architecture and Urban Planning, Polytechnic University of Madrid, Spain

Lecturer and a researcher at Kharazmi University, an international member of the Center for European Studies in Spain

Troglodytic architecture exists around the globe, from Africa and the Canary Islands to Europe and the Mediterranean, Asia, and the Americas. It can be seen in different forms in various parts of the world, and it is grounded in local cultures and heritages. Nowadays, well-known examples include Matera in Italy, Les Eyzies Dordogne in France, Cappadocia in Turkey, Guadix in Granada and the Canary Islands in Spain, and Meymand and Kandovan in Iran, which promote cultural diversity and the richness of cultural heritage in these countries as well as function as tourist attractions. Furthermore, this type of architecture is also important in reconstructing the history and culture of various ethnic groups and nations. First, because of the historical significance of this type of settlement, as well as the advantage of their natural context for displaying bioclimatic architectural models in many parts of the world, researching this type of architecture, is essential and critical. Second, the symbolic value and permanent nature of the spaces that make up these architectural works, which, according to troglodyte settlements research, some of these excavated species were done with the purpose of developing individual and group dwellings. The emergence of this architecture is determined by geographical and climatic factors as well as cultural, political, social, and economic factors in each region. Troglodyte spaces can only be made by digging and cutting rocks and then emptying the isolated masses, which is a very laborious process. In terms of the form of the internal space, troglodyte architectural structures differ. Variations in texture, geological structure, and the time of creation and type of use of the structures, on the one hand, have resulted in significant differences in the types of units. This residential activity is a masterwork of man's conflict with nature, in which man overcomes his circumstances to create a profound place for individual and group performance and habitation. It is one of the human endeavors to harmonize and adapt to the environment. Troglodyte settlements can be found almost everywhere in Spain, and Gran Canaria is one of the Canary Islands in southern Spain with the highest number. Despite the richness of artifacts in archaeology, architecture, and anthropology, many nations are unaware of the Canary Islands' history. This research aims to show different types of troglodytic structures for residential use in the Canary Islands. The fundamental and created values of this type of architecture demonstrate the true depiction of historical, social, and economic changes in the surroundings in the architectural and landscape configurations. The study of such settlements in the Canary Islands is based on a theoretical discourse that outlines how these spaces are used in this region, followed by an analysis that presents constructive solutions.

Keywords: troglodytic architecture, typology, Canary Islands, Spain



مقابر اتروسکی - نکروپولی <<>
لاتزیو - ایتالیا
عکس از: محمد کشاورز دیو کلایی



«شهر تاریخی معلولا»

معماری دست‌کند یکی از گونه‌های خاص معماری در منطقه شام و کشور سوریه است. این منطقه به دلیل طبیعت کوهستانی و وجود رشته کوه‌های متعدد برای شکل‌گیری گونه‌های متفاوت معماری دست‌کند مستعد بوده است. رشته کوه‌های قلمون، در بخش غربی دمشق، آثار متفاوتی از مصادیق معماری دست‌کند را در خود جای داده‌اند. مصادیق معماری دست‌کند در این منطقه شامل بناهای مسکونی، آرامگاهی و مذهبی با قدمت تاریخی زیاد هستند که متأسفانه در سال‌های اخیر به دلیل جنگ‌های داخلی سوریه و درگیری‌های مسلحانه، آسیب بسیاری به آنها وارد شده است.

روستای تاریخی معلولا یکی از سایت‌های معماری دست‌کند در این منطقه می‌باشد. این روستای باستانی و مسیحی‌نشین در منطقه قلمون و در ۵۶ کیلومتری شمال شرقی دمشق، در میان رشته کوه‌های دشت دمشق و لبنان در ارتفاع ۱۶۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد. به دلیل استقرار معلولا بر دامنه کوه‌های قلمون، این روستا به شکل پلکانی بوده و یکی از زیباترین مناطق سوریه به حساب می‌آید و واجد جذابیت‌های بصری خاص است (Chiffolleau ۲۰۰۶). فرضیات مختلفی در رابطه با وجه تسمیه این منطقه به نام «معلولا» بیان شده است. در برخی از منابع آمده: «معلولا کلمه‌ای آرامی^۲ است که اصل آن به معنای مدخل، محل داخل شدن است و وجه تسمیه آن از حالت تنگی راه‌هایی است که به این روستا منتهی می‌شود» (معروف شقوف ۲۰۰۵). این منطقه دارای تاریخی بسیار کهن است که به هزاره اول پیش از میلاد باز می‌گردد و زبان آرامی (زبان سریانی) به عنوان میراث تاریخی معلولا به حساب می‌آید. این زبان در بسیاری از مناطق دنیا از بین رفته و تنها در بخش‌هایی از سوریه؛ از جمله معلولا، جبع‌دین و یخعا^۳ در کنار زبان عربی استفاده می‌شود. در کنار زبان آرامی؛ اهمیت دیگر این منطقه به دلیل وجود دیر مقدس تقلا^۴، یکی از مهم‌ترین مراکز عبادی مسیحیان در شرق است. سنگ بنای اولیه این دیر مربوط به قرن اول میلادی است و ارتباطی تنگاتنگ با زندگی قدیسه تقلا داشته است. بنا به روایات، قدیسه تقلا جزء نخستین شهدای مسیحی است و سالانه تعداد زیادی از مسیحیان از سراسر جهان برای زیارت این مقام به سرزمین معلولا می‌آیند.

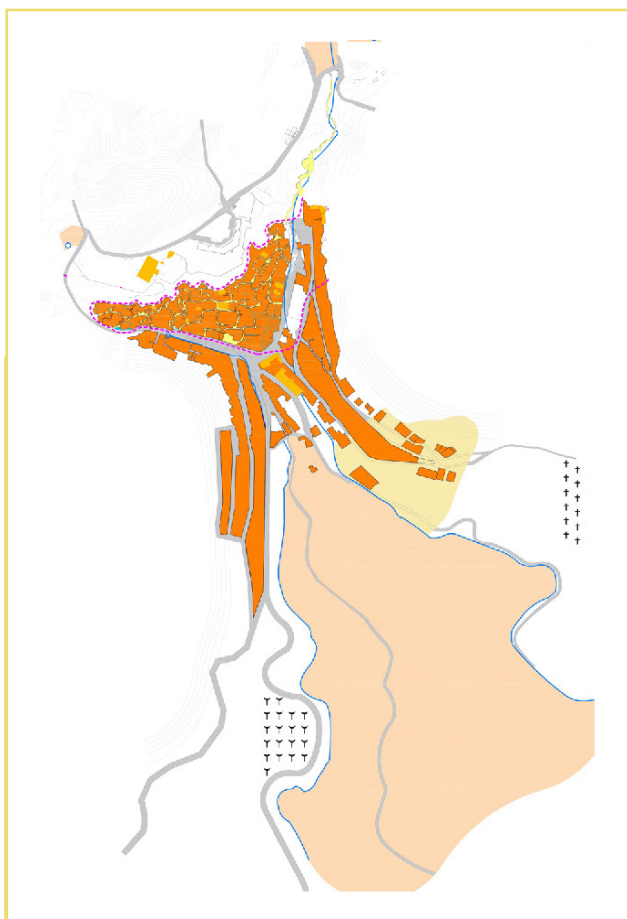


تهیه و تنظیم: سمیه
امیدواری استادیار
گروه معماری دانشگاه
علم و هنر، یزد، ایران

s.omidvari@
sau.ac.ir

تحوّلات تاریخی در معلولا

سابقه سکونت در منطقه معلولا به سده‌های پیش از میلاد مسیح بازمی‌گردد. در هزاره اول پیش از میلاد، آرامی‌ها در این منطقه سکونت داشتند. پس از آن آثاری از دوران یونانی در منطقه بر جای مانده است. همچنین شواهدی مبنی بر وجود بناهایی از دوران روم وجود دارد که در این میان می‌توان به بافت شهری معلولا که خود شامل پرستشگاه‌ها و معابد است، اشاره داشت. معلولا در دوران بیزانس به لحاظ اجتماعی و عمرانی به نقطه اوج می‌رسد. در این دوره، معلولا به یکی از مراکز تجمع مسیحیت تبدیل شد و در قرن چهارم با رسمی شدن این دین اهتمام بسیاری برای ساخته شدن دیرها و کلیساها به وجود آمد. وجود تعداد زیاد کنیسه‌ها و دیرها؛ از جمله دیر مارسر کیس (در فاصله سال‌های ۳۲۵-۳۱۳ م)، کنیسه قدیس لاوندیوس روی مخروبه‌های یک معبد، کنیسه مقدس الیاس، کنیسه قدیس جورج و مکان مارتقلا و ... می‌تواند شاهی برای این مدعا باشد (معروف شقوف ۲۰۰۵).



<<<

تصویر شماره ۱: روستای معلولا و مسیر حرکت جاده و رود در میان آن
منبع: (Escher and Pfaffenbach, ۲۰۰۲) به نقل از (Aldaher, ۲۰۲۱: ۱۴۶)



۸۸

تصویر شماره ۲: شکاف‌های موجود در دل کوه و مسیر حرکتی در منطقه معلولا. منبع: 1Ur

>>

تصویر شماره ۳: منظر از شهر تاریخی معلولا
منبع: معروف شقوف، ۲۰۰۵: ۶





<<<<<<<<<

تصویر شماره ۴: بخش‌های باقی مانده از معماری دست‌کند در منطقه منبع: 1 Url

معماری دست‌کند در معلولا

مستندات تاریخی بیانگر آن است که مردمان این منطقه با حفر بخش‌هایی از کوه، مکان‌هایی را برای زندگی خود می‌ساخته‌اند. همچنین، در پشت حفره‌های موجود، عموماً فضاهایی منبسط و گشاده و اتاق‌هایی تو در تو وجود دارد که راه‌های ارتباطی نیز در دل کوه جهت دسترسی و ارتباطات عملکردی بین آنها حفر شده است. مصادیق معماری دست‌کند را علاوه بر خانه‌هایی توان در معابد و کلیساها و مقابر نیز شاهد بود.

مقبره‌های دست‌کند

در مسیر گذرگاه باریک و طولانی به مکان قدیس تقلا می‌توان شاهد فضاهایی مستطیل شکل با عمق کم در ترازهای مختلف ارتفاعی در این دره‌ها بود. مستندات تاریخی بیانگر آن است که این فضاهای مستطیل شکل گونه‌هایی از مقابر دست‌کند متعلق به مقبره‌های رومی-بیزانسی در این منطقه می‌باشد (Chiffolleau ۲۰۰۶). با گذر زمان و فرسایش‌های محیطی بخش‌های زیادی از معماری این مقابر دست‌کند از بین رفته و تنها قسمت‌های محدودی از آن باقی مانده است.

گونه‌های متفاوت خانه‌های دست‌کند

خانه‌های روستایی عموماً شامل سه فضای اصلی برای انسان، حیوان و نیز انبار غذا و غلات می‌باشد. نوع، آرایش و سازماندهی این فضاها متأثر از اقلیم و جغرافیای محلی متفاوت است. خانه‌ها در روستای معلولا دارای گونه‌های متفاوت و تحت تأثیر موقعیت صخره‌ای منطقه دارای ویژگی‌های متمایز و منحصر به فردی بوده است. خانه‌های دست‌کند در این منطقه با گذر زمان و تحول الگوی سکونت، از حالت کاملاً دست‌کند به خانه‌هایی در ترکیب معماری دست‌کند و معماری دست‌ساز تغییر یافته‌اند.



<<<<<<<<<

تصویر شماره ۵: آثار باقی مانده از مقابر صخره‌ای دست‌کند در معلولا منبع: 1 Url

خانه‌های باستانی (کاملادست کند)

در دوران رومی، مردم معلولا در بخش قدیمی روستا با نام دهکده بالایی زندگی می‌کردند. خانه‌ها در این منطقه به صورت کاملادست کند بوده است. یک نمونه باقی مانده از این خانه‌ها به صورت تراشیده شده در دل صخره، با طول تقریبی ۵-۸ متر و عرض ۳-۴ متر، همچنان دست نخورده باقی مانده است. این خانه‌ها دارای ایوانی در قسمت جلو بوده که عمده فعالیت‌های خانواده در آن صورت می‌گرفته است. فضاها در این خانه‌ها در یک یا دو سطح توزیع شده‌اند. فضاها در تراز پایین معمولاً برای دام استفاده می‌شده است و فضاها در سطح بالا به زندگی خانواده اختصاص داشته است. در مواردی که خانه‌ها به صورت دو طبقه می‌باشند دسترسی به طبقات از طریق پلکان‌های کنده کاری شده در دل صخره‌ها امکان‌پذیر بوده است.

خانه‌های بومی (نیمه‌دست کند)

رایج‌ترین روش ساخت خانه‌ها در منطقه، ساخت خانه‌ها به صورت ترکیبی دست کند و استفاده از مصالح بومی بوده است. این خانه‌ها دارای ترازهای مختلف طبقاتی بوده است که اتاق‌های زیست و نشیمن در ترازهای بالاتر و فضاهای اختصاص به دام در ترازهای پایین‌تر قرار داشته است. دیوارها در این خانه‌ها ساده و دارای کمترین گشودگی و پنجره به بیرون بوده است. در این خانه‌ها معمولاً قسمت دست کند در بخش انتهایی خانه و در پشت فضاهای زیستی قرار داشته است و از آنها به عنوان انبار غلات و مواد غذایی استفاده می‌شده است. بسیاری از فعالیت‌ها از جمله پخت و پز و خوابیدن در تابستان و فرآوری محصولات کشاورزی در خارج از خانه و در فضاهای نیم‌باز مقابل فضای نشیمن صورت می‌گرفته است (Aldaher ۲۰۲۱: ۱۴۸-۱۴۹).

با گذر زمان و توسعه روستا، گونه‌های جدیدی از خانه به صورت حیاط دار بر روی سطوح مسطح و شیب‌دار شکل گرفته‌اند که این خانه‌ها عموماً در بخش صخره‌ای روستا قرار نداشته است.



>>>>>>

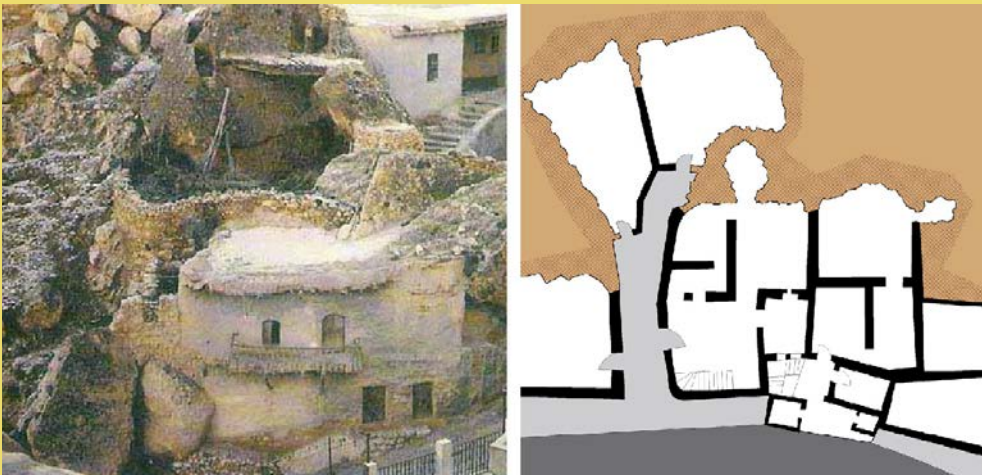
تصویر شماره ۶: نقشه‌هایی از معماری دست کند در منطقه
منبع: آرشیو نگارنده

معابد و کلیساها

مراحل نخست ساخت دیرها و کلیساهای این منطقه نیز به صورت دست کند بوده است اما در گذر زمان و توسعه بنا، بخش‌هایی با مصالح متفاوت به آنها اضافه شده‌اند. در میان این دسته از بناها می‌توان به معبد خورشید و دو دیر قدیس مارسر کیس و دیر قدیس مارتقلا اشاره کرد.

معبد خورشید

همانطور که اشاره شد آنچه از معماری دست کند در این منطقه باقی مانده تنها اختصاص به فضاهای خانه و سکونتگاهی نداشته و بسیاری از بناهای مذهبی و آرامگاهی نیز با این سبک از معماری شکل گرفته‌اند. معبد خورشید یکی از معابد دست کند در این منطقه است که در دل زمین حفر شده است و شواهد تاریخی بیانگر قدمت آن به دوران قبل از مسیحیت می‌باشد. فضای داخلی این معبد دارای هندسه تقریباً مربع شکل است که کاملاً دست کند بوده است و در جداره‌های آن طاق‌های نیم دایره به صورت سکوهایی فضای معبد را تزئین کرده است. نقوش و حکاکی‌هایی نیز بر روی جداره سنگی داخلی معبد تراشیده شده است که بخش‌هایی از آن همچنان بر روی جداره‌ها باقی مانده است.



<<<<

تصویر شماره ۷: خانه‌هایی با گونه نیمه دست کند

منبع: Hadad; 1984 Al Homsy; 2011 Aldaher; 149: 2021

دیر قدیسه مارتقلا^۵

مهم‌ترین جاذبه گردشگری معلولا دیر مارتقلا است. طبق افسانه‌های مطرح شده، تقلا دختر شاهزاده‌ای از روم بود که به مسیحیت گروید و از ترس خانواده به معلولا پناه برد. پدرش سربازانی فرستاد تا او را به خاطر گرویدنش به دین جدید دستگیر کنند. او که خود را در برابر صخره‌ها گرفتار دید، از خداوند کمک خواست. خداوند دعای او را مستجاب کرد و یک مسیر باریک در میان کوه‌های سنگی باز شد و او توانست به غاری کوچک در صخره‌ها فرار کند. این دیر یکی از بناهای تاریخی در بخش شمال شرقی شهر معلولا است. هسته اولیه آن غاری بوده که قدیسه تقلا در آن زندگی می‌کرده است. دیر مارتقلا یک مکان زیارتی بسیار محبوب برای مسیحیان از سراسر خاور میانه و به خصوص یک مکان زیارتی برای کاتولیک‌های سوریه و لبنان است (Al-Hamameh ۲۰۰۶: ۳۶).

بخش اصلی این دیر مربوط به کنیسه مارتقلا در قرن اول میلادی است، اما عمده بناهای ساخته شده در مجاورت آن مربوط به قرن چهارم میلادی است. در میان بخش‌های مختلف این دیر می‌توان به کنیسه مارتقلا، کلیسای ماریو حنا، محل اقامت زائران، دارالایتام (محل برای اقامت راهبان مجموعه)، کتابخانه و همچنین بخش‌های مختلف خدمات رسانی به مجموعه اشاره داشت.

دیر در قسمت شمال شرقی از میدان مارتقلا در محدوده معلولای قدیم قرار دارد. امتداد این دیر در دو راستای جنوبی و غربی است. ورودی آن از ضلع جنوب غربی و با گذر از پله‌های سنگی امکان پذیر است. با گذر از پله‌ها امکان رسیدن به تراز اصلی فضاهای دیر فراهم می‌شود. در بخش راست مدخل ورود مجموعه سه طبقه‌ای قرار دارد که طبقه اول و دوم این مجموعه برای اقامت زائران است. بخش غربی دیر بنایی پنج طبقه است که در سال‌های اخیر ساخته و به مجموعه اضافه شده است.

با گذر از ورودی اصلی و بناهای سه و پنج طبقه در دو سمت شرقی و غربی، کتابخانه دیر در سمت راست سالن اصلی مشاهده می‌شود. عبور از کتابخانه در انتهای این مسیر و گذر از پله‌ها، به فضای بازی منتهی می‌شود که قسمت غربی آن محل اقامت زوار و بخش شمالی آن مکان‌هایی جهت خدمات رسانی می‌باشد. در سمت شرق این فضای باز، پلکان‌های سنگی وجود دارد که با گذر از آنها امکان ورود به حیاط مستطیل شکل اصلی فراهم می‌شود. کف این حیاط با سنگ‌های مربع شکل پوشیده شده است. امتداد این حیاط در راستای شرقی - غربی است که در مجاورت آن کنیسه ماریو حنا قرار دارد.

با گذر از پله‌های موجود در ضلع شرقی حیاط، امکان دسترسی به بخشی از محل اسکان راهبان در مجاورت حیاط وجود دارد. در قسمت جنوبی این حیاط به واسطه پلکان‌هایی امکان دسترسی به مقام قدیسه تقلا فراهم می‌گردد.

يك طرف اين مسير به صورت صخره و كوه طبيعي است. در ادامه پله‌های دسترسی به مقام قدسیه تقلا، محوطه یا فضای بازی وجود دارد که از آنجا پله‌هایی در جهت شمالی - جنوبی منحرف می‌شود و يك تغییر جهت ۸۰ درجه را در پله‌ها شاهد هستیم. در انتهای این مسیر بر ضلع جنوبی دری با ارتفاع بسیار کوتاه که غالباً با هدف خم شدن و احترام مخاطبان به مقام طراحی شده است. با گذر از در فلزی امکان رسیدن به محوطه یا حیاط دیر میسر می‌شود و سقف این بخش از صخره و کوه‌های طبیعی می‌باشد.

در انتهای این فضا، جدارهای با دیوار سنگی وجود دارد که روی آن تماثيل و شمایل‌نگاری‌هایی وجود دارد. در گوشه جنوب شرقی این محوطه بر که آبی وجود دارد. مقام یا مکانی که قدیسه تقلا در آن زندگی می‌کرده است؛ در ضلع جنوبی محوطه قرار دارد و شامل دو ورودی مستطیل شکل است که بالای آن تزیینات مثلثی شکل از چوب وجود دارد. در بالای در ورودی دو قوس سنگی است و همچنین تمثیل‌هایی از قدیسه تقلا و لوح‌هایی است که شیوه زندگی وی را بیان می‌کند. مقام اصلی عبارت است از فضای مستطیل شکلی به ابعاد $1/4 \times 3/3$ متر که دو ضلع جنوبی و شرقی آن از جداره طبیعی کوه تشکیل شده است. در ضلع شرقی مشبکی از مس به عنوان ضریح قدیسه تقلا وجود دارد. این ضریح دارای خلل، فرج و گشودگی‌هایی است که امکان قرار دادن نذورات را برای زائران فراهم می‌آورد (معروف شقوف ۲۰۰۵).

>>>>>>>

تصویر شماره ۸: طاق‌ها و تزیینات در معبد خورشید

منبع: Url 3



>>>>>>>

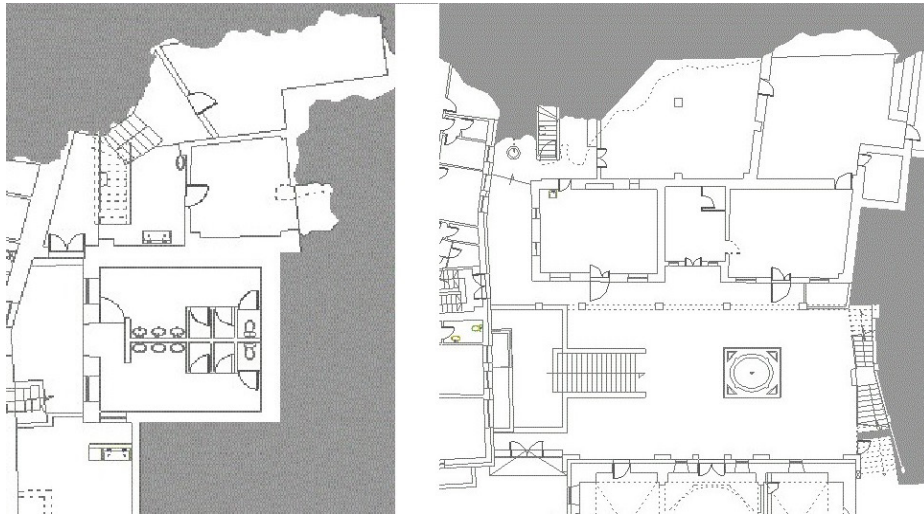
تصویر شماره ۹: منظر از دیر مار تقلا در دل کوه

منبع: Url 2



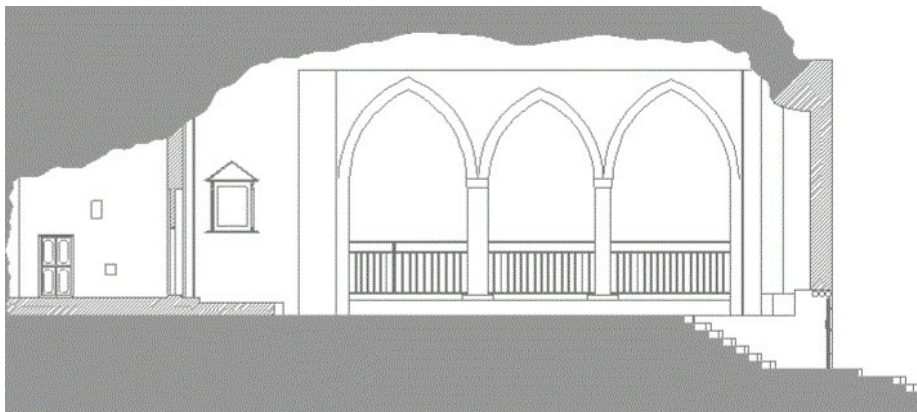
دیر قدیس مارسر کیس^۶

کلمه سرکیس از کلمه یونانی «سرجیوس» است. مجموعه دیر مارسر کیس یکی از قدیمی ترین دیرهای باقی مانده در سوریه است. برخی مورخین نوشته اند که مسیحیان بر روی غارهای مجاور بازمانده از معبد بت پرستان این دیرو کنیسه مرتبط با آن را بنا کرده اند. این دو بنا در اوایل قرن چهارم میلادی جهت احترام و گرامی داشت مقام دو قدیس شهید، سرجیوس و باخوس ساخته شده است. آنها اهالی رصافه^۷ (یکی از شهرهای ادلب در سوریه) بودند که در راه عقیده شان شهید شدند. گفته می شود درو حانیون مسیحی از سال ۳۱۳ تا ۳۲۵ میلادی اقدام به ساخت این دیر نمودند. از فضاهای این کلیسا می توان به پرستشگاه اصلی، پرستشگاه جانبی، تمثال و تندیس ها، سرسرای اصلی، سرسرای جانبی و غیره اشاره داشت. دیوارهای کنیسه پوشیده با نقاشیهای دینی بوده است که در زیر لایه های تزئینات دوره های بعد پنهان شده و اخیراً قسمت هایی از آن کشف شده است. به نظر می رسد نقاشی های دیواری از تزئینات رایج در کنیسه های این منطقه بوده است که نمونه هایی از آن بر دیوارهای کنیسه مار الیاس در سرزمین معره نزدیک صیدنا یا و دیر مار موسی حبشی در نیک وجود داشته است (امیدواری ۱۳۸۷: ۷۲-۷۳).



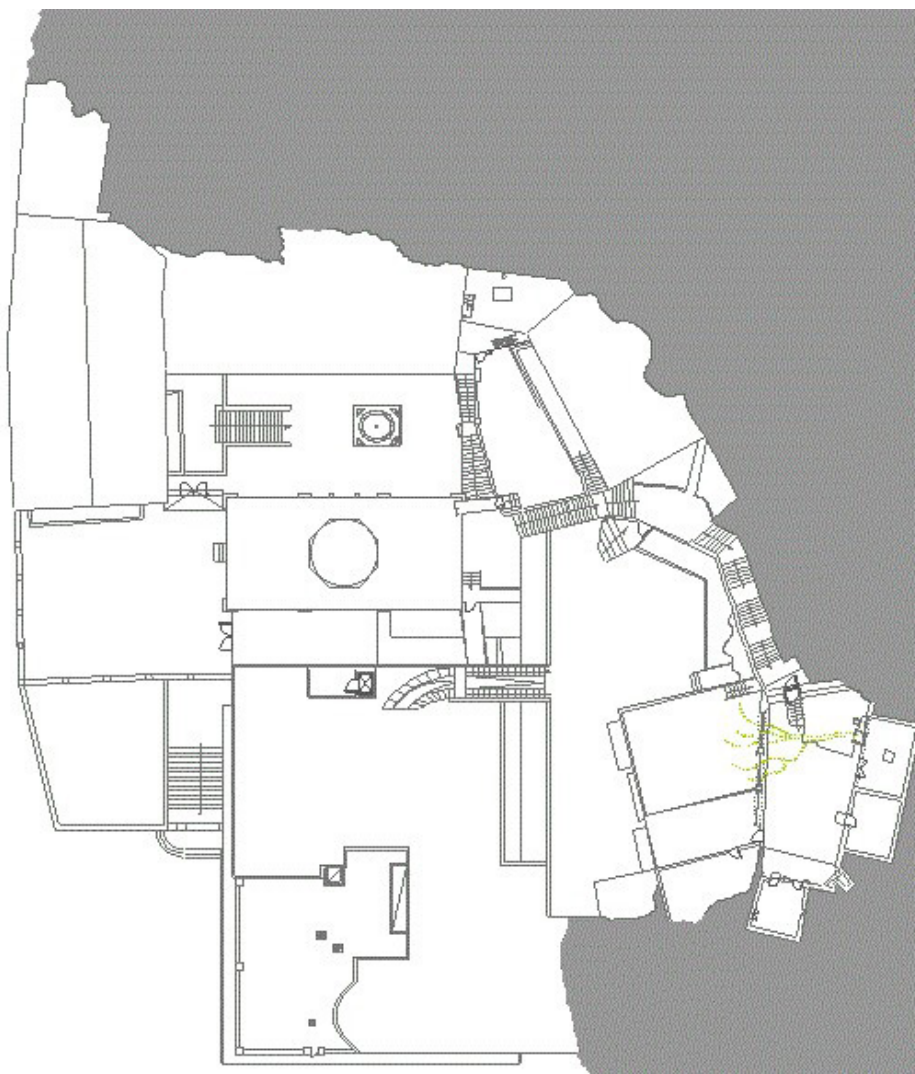
<<<<<<<<<

تصویر شماره ۱۰: بخشی از پلان مجموعه
دیر مارتقلا در ترازهای ارتفاعی مختلف
منبع: معروف شقوف، ۲۰۰۵: ۴۰-۴۵



<<<<<<<<<

تصویر شماره ۱۱-۱: برشی از پلان مجموعه
دیر مارتقلا
منبع: معروف شقوف، ۲۰۰۵: ۴۵-۵۰



>>>>>>>

تصویر شماره ۱۱-۲: بخشی از پلان مجموعه
دیر مار قاتلا در ترازهای ارتفاعی مختلف
منبع: معروف شقوف، ۲۰۰۵: ۴۵-۵۰



>>>>>>>

تصویر شماره ۱۲: فضای داخلی دیر مار سر کیس
منبع: 3 Url

- 1- Maaloula
- 2- Aramaic
- 3- الصرخه
- 4- Convent of Saint Thecla
- 5- Convent of Saint Thecla
- 6- Saint Sarkis Monastic
- 7- Rasafa, Idlib

منابع

۱. امیدواری، سمیه (۱۳۸۷)، معرفی سرزمین معلولا و مقام قدیسه تقلا، فصلنامه فرهنگی راینی جمهوری اسلامی ایران در دمشق، شماره ۱۲، ص ۶۶-۸۲.
 ۲. معروف شقوف، حسام (۲۰۰۵). دراسة تاريخية أثرية لدير القديسة تقلا في بلدة معلولا، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری دانشگاه دمشق، سوریه.
 1. Escher, A., Pfaffenbach, C. (2002). Malula: vom syrischen Bauerndorf zur internationalen Sommerfrische (Malula: from the Syrian farming village to the international summer resort), Geographische Rundschau, 2(54), pp. 36-42.
 2. Aldaher, Rama (2021). Traditional Architecture of Maaloula, Typology and Materials Methods, Periodica Polytechnica Architecture, 154-146 :2(52).
 3. Helal, E. (2018). Maaloula, His private archive, Maaloula.
 4. Al Homsy, M. (1984). Maaloula documentation, His private archive.
 5. Al-Hamarneh, Ala. (2006). Saidnaya and Maaloula: The Historic Aramaic Towns of Syria», Islamic Tourism – Issue 25 – September- October.
 6. Chiffolleau, Sylvia (2006). Fêtes et processions de Maaloula : une mise en scène des identités dans l'espace d'un village chrétien». evue soutenue par l'Institut des sciences humaines et sociales du CNRS. Revue indexée au DOAJ.
- Url 1: <https://romeartlover.tripod.com/Maaloula.html>
- Url 2: <https://syrian-heritage.org>
- Url 3: آرشیو تصاویر زهره یادگاری، عضو هیات علمی دانشگاه کاشان

Abstract

Historical City of Maaloula

Somayeh Omidvari, Assistant Professor, Department of Architecture, Science and Arts University, Yazd, Iran

Troglodytic architecture is one of the special types of architecture in the Levant and Syria. Due to the existence of numerous mountain ranges in this region, different types of troglodytic structures were built here. The Qalamoun Mountains, in the western part of Damascus, contain various examples of this type of architecture, for instance, residential buildings, tombs, and historic religious structures. Unfortunately, due to the civil war and armed conflict in Syria, much damage has been done to these buildings in recent years, resulting in the destruction and plundering of many valuable historical relics. One of the troglodytic sites in this region is the historic village of Maaloula. At an altitude of 1600 meters above sea level, this ancient Christian village is located in the Qalamoun region, 56 kilometers northeast of Damascus, between the Damascus Mountains and the Lebanon Plains. This settlement has a stepped shape due to its placement on the slopes of the Qalamoun Mountains. It is regarded as one of Syria's most beautiful regions and has unique visual features. Several hypotheses have been suggested as to why this area was named «Maaloula». According to some sources, it is presumably an Aramaic term, the origin of which means the gateway, the place of entry, and its name is due to the narrowness of the roads that lead to this settlement. This area has a long history dating back to the first millennium BC, and the Aramaic language (also known as Syriac) is regarded as the historical heritage of this village. Because of the presence of the Holy Monastery of Thecla, this location is also one of the most important Christian places of worship in the East. The initial cornerstone of this monastery was laid in the first century AD, and it is linked to the life of the saint Thecla. He was one of the first Christian martyrs, and every year, Christians from all over the world flock to the site to pay their respects.

Keywords: Maaloula, Syria, troglodytic